

ISSN 1606-9137

آموزش جغرافیا



۲۲

سال هفدهم
پهنا: ۲۰۰۰ ریال

www.Roshdmag.org



- کاربری‌های مسکونی و اهمیت اقتصادی - اجتماعی آن
- برنامه ریزی توریسم
- معرفی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدن‌ها و گروه جغرافیا
- مهندسه فراکتال در جغرافیا
- مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

جغرافیا

دانش گذشته ، حال و آینده



جغرافیا

۲

نظری (رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی)



سال سوم آموزش متوسطه

۳۷۱/۲

جغرافیا

۲

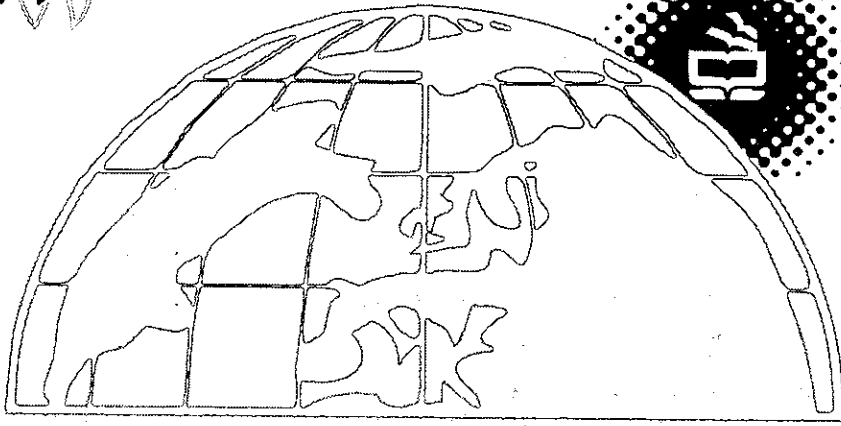
نظری (رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی)



سال سوم آموزش متوسطه

۳۷۱/۶





۲ سرمقاله / تغییر کتابهای درسی ... / سردبیر

۳ خصلت میان دانشی آمایش سرزمین ... / دکتر مصطفی مؤمنی

۹ کاربری های مسکونی و اهمیت اقتصادی - اجتماعی آن / دکتر اکبر پرمیزکار، علی ایبائلو

۱۱ مسائل زیست محیطی بین المللی / مترجم، مهدی دمقان

۲۰ تشکیل تلماسه در بیابان آتاکاما / مترجم، شهرام بهرامی

۲۷ جغرافیا، دانش گذشته، حال و آینده (قسمت دوم) / دکتر شوکت مقیمی

۳۴ چه مشاغلی را به عنوان جغرافی دان می توانید انجام دهید؟ / دکتر مهدی چوبینه

۳۸ برنامه ریزی توریسم / مترجم، بهزاد انتظاری

۴۳ معرفی مرکز بین المللی گفت و گوی تمدن ها و گروه جغرافیا

۴۶ هندسه فراکتال در جغرافیا / منصور ملک عباسی

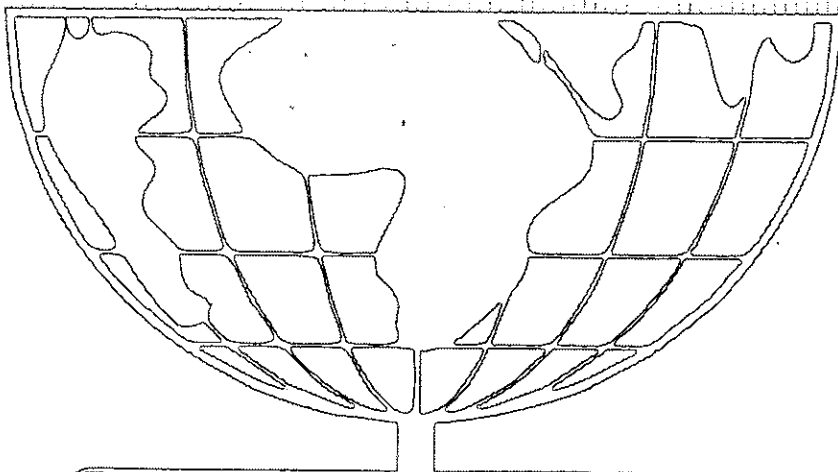
۵۰ گزارش برگزاری دوره آموزشی - توجیهی ... / کوروش امیری نیا

۵۳ گزارش بازدید از مرکز علوم و ستاره شناسی تهران / مینا سیستانی

۵۶ مشارکت شهروندان در مدیریت شهری / اسماعیل نصیری

۶۰ اخبار جغرافیایی / دکتر مهدی چوبینه

فرم اشتراک نشریه رشد آموزش جغرافیا / ۶۴





تغییر کتاب‌های درسی

سنگ بنای حرکت به سوی جغرافیای کاربردی

یکی از ارکان آموزش، کتاب‌های درسی است که به عنوان منبع و یا فهرست موضوعات آموزشی در اختیار معلمان قرار می‌گیرد. کتاب درسی سندی علمی است که با استفاده از نظرات کارشناسان و براساس نیازهای کشور تهیه شده است و انتظار می‌رود، با تدریس آن حداقل توسعه علمی کشور فراهم شود. با توجه به این که هدف‌ها و نیازهای جوامع مرتب تغییر می‌کند، نگرش و روش مطالعه علم نیز عوض می‌شود. در نتیجه، تغییر کتاب درسی از ضرورت‌های چنین جامعه‌ای است؛ به ویژه این که در جهان امروز، خود علم نیز به دلیل پیشرفت فناوری و تحقیقات تازه، مرتب تغییر می‌کند. زمانی هدف مطالعات جغرافیایی کشف سرزمین‌های تازه بود. ولی اکنون که سرزمین ناشناخته‌ای باقی نمانده است، هدف جغرافیا شناخت کامل مکان و تنظیم بهره‌برداری مناسب از آن و آرایش مطلوب فضا است. امروزه، از یک طرف جمعیت مرتب افزایش می‌یابد و از طرف دیگر، زمین یا فضا محدود است. «جغرافی دان»، نوع کاربری را باید به گونه‌ای تنظیم کند که: اولاً نیاز جمعیت برطرف شود و ثانیاً فشاری بر مکان وارد نیاید. بنابراین باید براساس هدف‌های جدید حرکت کرد.

این تغییر در ایران از سال‌ها پیش آغاز شده است. «دفتر تألیف کتاب‌های درسی»، کتاب‌های اول و دوم جغرافیای دوره متوسطه را منتشر کرده است که با استقبال مواجه شده‌اند. کتاب اول سعی بر شناساندن مسائل محیط دارد و در کتاب دوم شیوه‌های مناسب فعالیت در نواحی مختلف جغرافیایی بیان گردیده است. کتاب سوم هم بر ارائه راه‌های مطالعه مکان و ابزار لازم تأکید دارد و می‌کوشد، روش مناسب پیش‌بینی را آموزش دهد. چنین کاری به نوبه خود ارزشمند و قابل تقدیر است، ولی کافی نیست.

علاوه بر تغییر کتاب درسی، باید امکانات دیگری نیز، به ویژه وسایل کمک آموزشی، مانند نقشه، رایانه، نرم افزارهای رایانه‌ای و لوازم آزمایشگاهی مناسب تهیه شود و از همه مهم‌تر، اتاق جغرافیا در هر مدرسه‌ای ایجاد شود. بدون وجود اتاق جغرافیا، فراهم نمودن و نگهداری این وسایل و انجام آزمایش‌های لازم، عملی نیست.

بالا بردن سطح علمی دبیران نیز یکی دیگر از ملزومات آموزش بهتر این کتاب‌هاست. اگرچه این امر در مقیاسی کوچک با برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت عملی می‌شود، ولی راه بهتر تربیت آن‌ها در دانشگاه‌هاست که باید توسط برنامه‌ریزان آموزشی دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد.

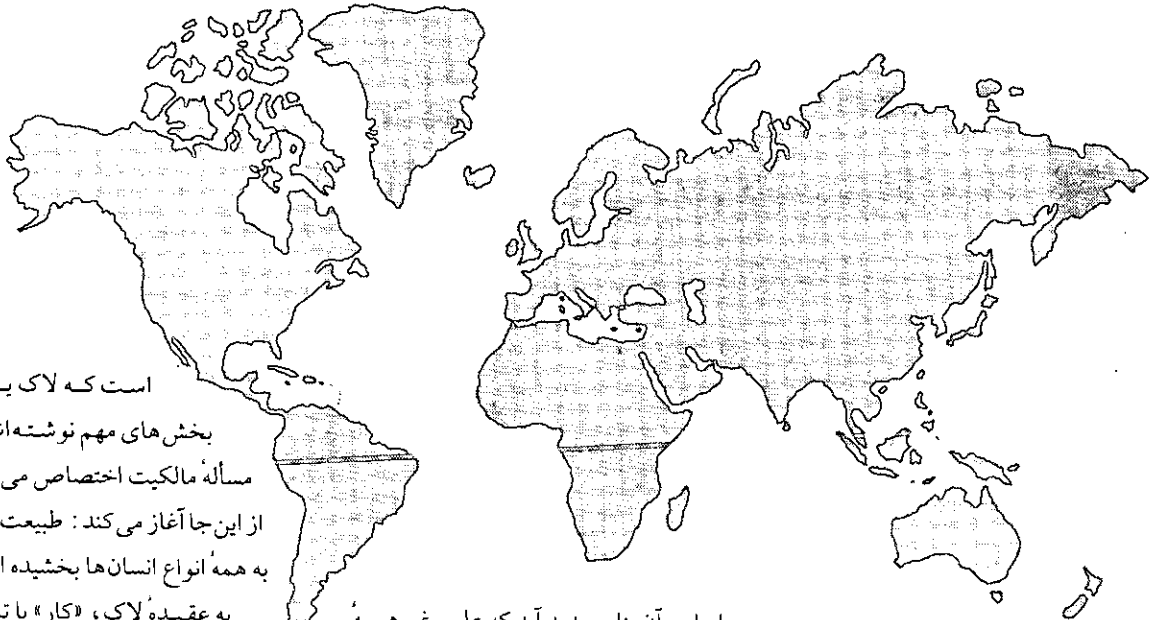
انتظار می‌رود که همه دست‌اندرکاران، به ویژه «انجمن جغرافی دانان ایران»، برنامه‌ریزان آموزشی دانشگاه‌ها، مسؤولان وزارت آموزش و پرورش هدایت و همکاری‌های لازم را انجام دهند تا این حرکت بسیار مهم دفتر تألیف برنامه‌ریزی و کتاب‌های درسی قرین موفقیت شود.

سر دبیر

خصلت میان دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا

دکتر مصطفی مؤمنی
استاد جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی

قسمت اول



است که لاک یکی از بخش‌های مهم نوشته‌اش را به مسأله مالکیت اختصاص می‌دهد، و از این‌جا آغاز می‌کند: طبیعت زمین را به همه انواع انسان‌ها بخشیده است.

به عقیده لاک، «کار» با تملک و مالکیت یکی است. بنابراین، هر کسی که کار می‌کند، یا می‌تواند کار کند، لزوماً باید دارای تملک باشد. دو چیز دارایی‌های انسان‌ها را تشکیل می‌دهند: نخست مالکیت بی قید و شرط بر وجود خودشان، بر پیکرشان، و دیگری حق تملک یا کاربرد توانایی و استعداد کارشان. لاک دقیقاً بیان می‌کند که مقصودش از مفهوم کار چیست: به دست آوردن مالکیت. انسان‌ها می‌توانند و باید به‌طور بی‌پایان، از تملک هرچه بیش‌تر برخوردار باشند.^۱

به نظر لاک: «حقوق و قوانین دارای ریشه طبیعی هستند. حق، مساوی با آزادی است و قانون همراه با الزام. اما آن آزادی و این الزام، هر دو طبیعی هستند و از میان حقوق طبیعی، در نظر لاک، حق دارایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و فصل پنجم از رساله حکومت مدنی او اختصاص دارد به

بر اساس آن بنایی پدید آید که علی‌رغم همه دگرگونی‌ها، اساس آن همان است که آینه اندیشه لاک آن را نمایاند... لاک صورت مهم سیاسی متناسب با تمدن جدید را ترسیم کرد؛ صورتی که با همه دگرگونی‌هایی که در سیر و سیره طرفداران لیبرال-دموکراسی پیش آمده است، همچنان راهنمای اندیشه و عمل اندیشوران سیاسی است.^۱

مفهوم «حق طبیعی» در اندیشه سیاسی لاک اهمیت فراوان دارد. «حق طبیعی، یعنی آزادی فردی انسان‌ها در راه بردن زندگی و بهره‌برداری از نیروها و محصولات کارشان... اما پرسش اساسی این است که چرا جامعه مدنی یا شهری پدید آمد؟ پاسخی که لاک می‌دهد، درست هماهنگ با شرایط عین مادی، اقتصادی و اجتماعی انگلستان آن دوران است. جامعه شهری برای آن پدید آمد که از زندگی، آزادی و مالکیت انسان‌ها نگهداری و پشتیبانی کند. به همین علت

مقدمه

بحث درباره ماهیت، دامنه و مرزهای «آزادی» حداقل یک قرن است که در کشور ما جریان دارد. سابقه این بحث در غرب به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. برداشت از آزادی همواره در پرتو جهان‌بینی‌های دینی و ایدئولوژیک معنی پیدا می‌کند و ماهیت آن در اندیشه‌های متفکران «دوره بیداری» (روشنگری) اروپا، مانند جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) فیلسوف انگلیسی، ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) و ولتر (۱۷۷۸-۱۶۹۴) اندیشمندان فرانسوی و دیگران ملاحظه می‌شود. افکار این اندیشمندان زیربنای نظری افکار آدام اسمیت و پیشوایان انقلاب آمریکا و انقلاب کبیر فرانسه را به وجود آورد: «جان لاک کسی است که دست کم، زیربنای لیبرالیسم غرب را محکم می‌کرد تا

اثبات حق طبیعی و الهی انسان نسبت به دارایی و لوازم آثار.

شایان گفتن است که مراد لاک از دارایی فقط مال نیست، بلکه این عنوان شامل جان و آزادی نیز می‌شود. عقل لاک تشخیص می‌دهد که: زمین و هر چه در آن است، برای آن به بشر داده شده است تا پشتوانه وجودی و (تأمین‌کننده) آسایشش باشد... و همه ثمرات طبیعی و حیوانات پرورده شده در زمین به عنوان محصول‌های دست‌فیاض طبیعت به طور مشترک تعلق به نوع بشر دارد و هیچ‌کس بالاصاله شخصاً حق حاکمیت خاص بر دیگران ندارد.^۲

اعتقاد به «اصالت فرد انسان» محوری است که فلسفه لاک و آرای بسیاری از اهل نظر، حول آن و درجه تأمین منافع «فرد انسان» اصیل شکل می‌گیرد. از جمله، لاک معتقد است که آزادی «انسان متفرد» امری است طبیعی و باید پاس داشته شود. و در جای دیگر:

«... از آن‌جا که همه افراد آدمی طبیعتاً آزاد و برابر و مستقل هستند، هیچ‌کس رانمی‌توان از حقوق طبیعی‌اش محروم ساخت و بدون رضایت خودش به زیر قدرت سیاسی شخص دیگری درآورد. تنها راهی که ممکن است شخص به موجب آن خود را از آزادی طبیعی محروم سازد و به زیر یوغ اجتماع مدنی آید، این است که با افراد دیگری برای تشکیل یک جامعه توافق کند، تا به وسیله آن آسودگی، تندرستی و زندگی صلح‌آمیزی برای ایشان میسر گردد و با امنیت خاطر بیش‌تری از دارایی خود بهره‌ور شوند و در برابر کسانی که عضو آن جامعه نیستند، ایمنی بیش‌تری داشته باشند.»^۳

به نظر لاک، دولت یعنی: «اجتماعی از افراد که فقط برای تأمین و پیشبرد علائق مدنی متشکل می‌شوند و آن علائق از این قرارند: زندگی و آزادی و

تندرستی و آسایش جسمانی؛ و تملک اشیای خارجی همچون پول و زمین و خانه و لوازم زندگی و چیزهایی از این دست».^۴

منابع افکار و مرکز الهام جفرسن را در ترکیب جملات «اعلامیه استقلال آمریکا» و در طرز بیان و تجسم حقایق، باید در کتاب «اوستانا»، اثر فیلسوف انگلیسی جیمس هرینگتون^۵ و در «رساله دوم درباره حکومت» اثر جان لاک جست‌وجو کرد.^۶ این اعلامیه استقلال که از اسناد مهم و بزرگ دنیا به شمار می‌رود، سرمنشأ تمام جنبش‌های دموکراتیک ملل دنیا، از جمله انقلاب کبیر فرانسه می‌باشد،^۷ جنگ استقلال بین بریتانیای کبیر و مستعمرات آمریکایی آن، که از آوریل ۱۷۷۵ آغاز گردید، این مستعمرات را به این نتیجه رساند که در «تاریخ ۷ ژوئن ۱۷۷۶»، ریچارد هنری لی از کالیفرنیا در جلسه کنگره اقلیمی یک قطعنامه، مشعر بر این که مستعمرات ایالات آزاد و مستقلی هستند و به حق باید چنین باشند، تسلیم نمود.»^۸

یک سال پیش از تدوین اعلامیه استقلال (۴ ژوئیه ۱۷۷۶)، در جریان اولیه کنگره، تمام نمایندگان ۱۳ کلنی آمریکایی بریتانیای کبیر، بر سر متنی به توافق رسیده بودند که نویسنده آن جان آدامز^۹ (۱۸۲۶-۱۷۳۵) از اعضای هیأت منتخب و از مردان نامی برای تدوین اعلامیه استقلال^{۱۱} بود. طبق این متن، برخورداری از حق زندگی، حق آزادی و حق مالکیت از حقوق مسلم آمریکاییان بود. اما توماس جفرسن (۱۸۲۶-۱۷۴۳) که مأمور تدوین نهایی اعلامیه استقلال شد، به جای متن آدامز، «حق زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی» را ترجیح می‌دهد.^{۱۲} متن جفرسن در چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ به تصویب کنگره رسید^{۱۳} و برای امضا و تصویب مجالس قانون‌گذاری ۱۳ ایالت آن زمان

آمریکا ارسال شد. این اعلامیه رسماً استقلال آمریکا را اعلام می‌داشت. با پیروزی نظامی آمریکایی‌ها بر انگلیسی‌ها در ۱۹ اکتبر ۱۷۸۱ و معاهده پاریس، بین آمریکا و انگلیس در سپتامبر ۱۷۸۳ پیمان صلح به امضا رسید و قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در ۴ مارس ۱۷۸۹ تصویب شد.^{۱۴}

یکی از معاصران جفرسن درباره تدوین اعلامیه استقلال توسط او می‌نویسد: «جفرسن روح قاره آمریکا را در آن سند بزرگ تاریخی دمید و ایده آل مردم را در آن اعلامیه منعکس ساخت.»^{۱۵} چون حقوق مندرج در بند دوم قسمت اول این سند، روح زمان متفکران و سیاستمداران و نمایندگان آمریکا و بیانگر اصول دموکراسی و «شیوه زندگی آمریکایی» است، متن آن را در زیر می‌آوریم: «... ما این حقایق را از بدیهیات می‌دانیم که همگی مردم مساوی آفریده شده‌اند و این که آفریدگارشان بدان‌ها حقوق خاص و غیر قابل انتزاعی اعطا نموده است که از آن جمله است: حق زندگی، داشتن آزادی و جست‌وجوی خوشبختی و به منظور حفظ این حقوق، مردم برای خود حکومت‌هایی تأسیس خواهند کرد و با میل و رضای خود به آن حکومت‌ها اختیار و اقتدار خواهند داد. دیگر آن‌که هرگاه این حکومت‌ها از راه راست منحرف شوند، از حقوق مردم است که آن‌ها را تغییر دهند یا ساقط سازند و حکومت‌های جدیدی روی کار آورند که بتوانند با وضع قوانین مناسب و اعمال قدرت، امنیت و خوشبختی مردم را تأمین و حفظ کنند...»^{۱۶}

بدین ترتیب، «متن تهیه شده به وسیله توماس جفرسن، با گنج‌جانندن حق جست‌وجوی خوشبختی، مضمونی انقلابی دارد. به نظر جفرسن، حق خوشبخت بودن یک حق تبعی نیست. او می‌گوید: تنها هدف

دیگر، برنامه‌ریزی جریانی نظری است که متعاقب آن، کردارهای عملی انجام می‌گیرد. از این رو برنامه‌ریزی به روشنی آینده‌گراست و مسبوق به اراده‌ای است که در نظر دارد، نظامی مستند تولید کند. این اراده تنها هنگامی می‌تواند در عمل پیاده شود که مقاصد آرمانی شفاف‌ی درباره زندگی‌سازی مطلوب پدید آورد؛ به طوری که بتواند، سرچشمه هدف‌هایی آینده‌گرا برای اعمال و اقدامات شود.

هدف‌های برنامه‌ریزی غالباً در جریان بلندمدت «هدف جویی» شکل می‌گیرند. بدین ترتیب، نسبت شمول برنامه‌ریزی برحسب نظام حکومتی کشورها تفاوت می‌کند؛ به طوری که در کشورهای استبدادی و به‌ویژه کشورهای کمونیستی، شیوه حکومت ایجاب می‌کند، دخالت دولت در برنامه‌ریزی به حد اکثر برسد. ولی کشورهای آزادی‌خواه مردم‌سالار، دخالت خود را در برنامه‌ریزی به حداقل کاهش می‌دهند و تنها به برنامه‌ریزی عمومی در حد حل مسائل عام‌المنفعه می‌پردازند.

۲. آمایش سرزمین

بر اساس برداشت فوق از برنامه‌ریزی می‌توان آمایش سرزمین (برنامه‌ریزی یا طرح‌اندازی فضایی) را سازمان‌دهی هماهنگ و سزاوار فضای حیاتی کشور در قالب سیاست‌های کلی و محوری توسعه، درازمدت همه‌سویگر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نظام جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب منطقه‌بندی و تقسیم سرزمین، تقسیمات کشوری و ضرورت‌های دفاعی دانست.^{۱۹} با این تعریف آمایش سرزمین، بهترین، دقیق‌ترین و ظریف‌ترین طرز انتقال عاقبت‌اندیشی منطقی و عملی حکومت بر سرزمین یا فضای حیاتی (واحدهای خرد و کلان) در چارچوب

عدالت است. این سرزمین فضای حیاتی مشترک جامعه، گیاه و همه موجودات زنده است.

اصول و هدف‌های برنامه‌ریزی آتی آمایش سرزمین، از ارزش‌های اسلامی (مندرج در قانون اساسی، نظرات مقام معظم رهبری در زمینه سیاست‌های کلی نظام، تذکرات ایشان به شوراهای، به ویژه بند ۶ آن، و نیز سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه، به ویژه مندرج در نامه مقام رهبری به رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام)^{۲۰}، نظرات مردم از طریق شوراهای و مجلس شورای اسلامی، خطوط کلی استراتژی سازماندهی فضا در چارچوب قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) و هدف‌های کلان کیفی خط‌مشی‌های اساسی قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، ضرورت‌ها و مصالح اقتصادی کشور، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین (ملی و استانی) و ضرورت‌های امنیتی، دفاع نظامی و غیرنظامی و نظایر آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، به صورت علمی-کاربردی در قالب قانون تدوین می‌شود و توسط دستگاه‌های اجرایی به منصف ظهور و بروز می‌رسد. اساس هر برنامه‌ریزی فضایی، قانون آمایش سرزمین است. بدین ترتیب قانون آمایش سرزمین که مبنای عملی کار برنامه‌ریزان آمایشی در سازمان‌دهی شایسته فضاست، جریانی است با ابعاد ارزشی، سیاسی، قانونی و علمی و هنری، بدین شرح:

الف- آمایش سرزمین بعد ارزشی-سیاسی و قانونی دارد، زیرا مبانی ارزشی آن بر وفق موازین جاویدان ارزشی اسلام، که مجموعه‌ای از معارف اصلی و اخلاقی و قوانین عملی متناسب الاطراف و

مرتبط الاجزاء است^{۲۱}، قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام براساس عدالت اجتماعی که مقام معظم رهبری آن‌ها را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می‌فرمایند، و پس از گذر از مجاری اجرایی-قانونی هیأت دولت، شوراهای مجلس شورای اسلامی با اراده سازمان‌دهی مطلوب و سزاوار آینده مجموعه سرزمین و مناطق تعیین می‌شود.

ب- آمایش سرزمین بعد علمی دارد، زیرا ویژگی‌های پدیده‌های موضوع آمایش سرزمین (محلی، ناحیه‌ای و ملی) را با روش علمی خاص خود مرتب می‌کند و آن‌ها را، چونان معرفت موقوت، در اختیار برنامه‌ریزان برنامه‌ریزی فضایی و آمایش‌گران، برای تدوین مطالعات در قالب طرح‌های پایه آمایش سرزمین و درجهت آمایش فضای حیاتی قرار می‌دهد: «آمایش سرزمین امروز، مجموعه‌ای از دانش‌های جدید است که به طرز هماهنگ و تلفیق یافته عمل می‌کند و کارشناسان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، برنامه‌ریزی اجتماعی...) و مهندسی (معماری، راه و ساختمان، کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست، معماری و شهرسازی و جغرافیا) با مشارکت گروهی و گفت‌و شنود منطقی می‌توانند، در محدوده مسائل آمایش سرزمین مطالعه و برنامه‌ریزی کنند.^{۲۲} جایگاه دانش جغرافیا و جغرافیای کاربردی در آمایش سرزمین بسیار متین است و «بی‌شک جغرافیا رکن مهمی برای آمایش سرزمین محسوب می‌شود... هم در جغرافیا و هم در آمایش سرزمین، سه عنصر اساسی وجود دارد که زمینه‌های اصلی مطالعه هستند: انسان، فضا و فعالیت... به تعبیری جغرافیا، آمایشی‌ترین علوم و آمایش سرزمین جغرافیایی‌ترین نوع برنامه‌ریزی است... آنچه را جغرافیا به عنوان یک علم

توضیح می‌دهد، آمایش به عنوان مجموعه‌ای از علوم، شیوه‌ها و هنرها، می‌کوشد عملی کند. جغرافیا توضیح می‌دهد و آمایش تغییر. جغرافیا تبیین می‌کند و آمایش طراحی...^{۲۳} اقتضای ماهیت و تعریف جغرافیا که به بررسی جریان دیالکتیکی روابط دوجانبه انسان و محیط و ساختار فضایی حاصله می‌پردازد، حکم می‌کند تا جغرافیا یکی از همکارهای اصلی منطقه‌شناسی، برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی منطقه‌ای یا آمایش سرزمین در سطوح محلی، ناحیه‌ای و کشوری باشد. جغرافیا باید در زمینه ارزیابی و قابلیت‌سنجی منابع و توان‌های محیط طبیعی، انسانی و اقتصادی نواحی جغرافیایی ایران کمک کند تا برنامه‌ریز و طراح نظم فضایی بتواند، ضمن از میان برداشتن تضادها و نابرابری‌های موجود، فعالیت‌ها و تأسیسات ضروری را با کمیت و کیفیت درست، در جای مناسب و در هنگام معین و به‌حال و وضع مناسب و ترکیب موزون و زیبا، به نحوی در فضا استقرار دهد تا حق همه در مقام خود ادا شود و هر چیز در جایی بنشیند که غیر از آن سزاوار نیست.

ج- آمایش سرزمین بعد دفاعی- امنیتی دارد، زیرا ضرورت‌های دفاع نظامی و غیرنظامی مسائلی هستند که در جهان کنونی کلیه ابعاد زندگی را دربرمی‌گیرند و تنها به ایجاد فعالیت و اسکان در مناطق استراتژیک محدود نمی‌شوند.

د- آمایش سرزمین بعد هنری دارد، زیرا فضا باید در طرح‌ریزی و اجرا بر وفق اصول زیباشناختی، یعنی نظم، تناسب و هماهنگی معینی بین اجزای واقعیت‌های تشکیل‌دهنده آن، آرایش و سازمان یابد: «کار کارشناس آمایش، مانند کار هنرمند نقاش است که با درهم‌آمیزی رنگ‌ها، تصویری هماهنگ، موزون و زیبا پدید

می‌آورد. او نیز با درهم‌آمیزی برنامه‌ریزی شده و عقلایی عوامل طبیعی، اقتصادی و انسانی در پهنه سرزمین، امکانات و تسهیلات و ساختارها و نظام‌های مطلوب کار و زندگی فردی و اجتماعی را پدید می‌آورد.^{۲۴}

ه- درنهایت، سطوح گوناگون آمایش سرزمین از طرح‌ریزی تا اجرا و شکل‌گیری آن برای حسن اجرای سیاست‌ها و رهنمودهای کلی حکومت، باید زیر نظارت نمایندگان مقام معظم رهبری، دستگاه قانون‌گذاری، دستگاه اجرا و دستگاه دفاع باشد.

از این‌روست که برنامه‌ریز و طراح یا آمایشگر فضای سرزمین باید برای حسن تدبیر در تدوین و اجرای برنامه‌ها تا حد امکان دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. احاطه بر آن بخش از جهان بینی اسلامی که در پرتوی آن، جامعه و فضای فرهنگ مادی جامعه سازمان می‌یابد.

۲. احاطه بر قوانین علوم زمین و اکولوژی گیاهی و جانوری، به‌ویژه جغرافیا، تا از خصلت‌های محیط جغرافیایی، خصوصاً طبیعت سرزمین (محیط زیست)، که فضای حیاتی مشترک انسان، گیاه و همه موجودات زنده است، شناخت اساسی داشته باشد.

۳. احاطه بر تاریخ مردم و فرهنگ کشور، و نیز چگونگی تکوین ساختارها و کارکردهای نظام سازمان فضایی کشور، اعم از کوچ‌نشینی، روستانشینی و شهرنشینی و مجتمع‌ها و شهرک‌های صنعتی.

۴. احاطه بر مبانی علوم برنامه‌ریزی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداری، به‌ویژه روش‌های برنامه‌ریزی فضایی (آمایش سرزمین) خرد و کلان.

۵. داشتن مشرب و احساس هنری و زیباشناختی درباره طراحی و شکل‌دهی

فضای سرزمین (اعم از محلی، ناحیه‌ای و ملی)

در صورتی که چنین کارشناسانی پیدا نشوند، می‌توان عجلتاً برنامه‌ریزی آمایش سرزمین را به صورت شورایی اداره کرد و در پی آموزش و پرورش کارشناسانی توانا، هم‌مشی، هم‌مشرب، هماهنگ، دلسوز و به‌طور کلی هم‌فرهنگ، دانشمند و آشنا به سیاست‌های آمایش سرزمین در کشورهای پیشرفته بود.

از این‌رو، نظراندازی بر تجربه‌ها و سیر تاریخی آمایش سرزمین در کشورهای غربی، به‌ویژه آلمان فدرال،^{۲۵} ضرورت حیاتی دارد. واژه «آمایش سرزمین» در آلمان به سال ۱۹۳۵ در زبان قانون آلمان وضع شد و در چارچوب قانون ۱۹۶۵ جمهوری فدرال آلمان جنبه ملی یافت. پس از آن در هر یک از ایالات، با توجه به شرایط آن ایالت قانون آمایش سرزمین خاصی در قالب قانون آمایش ملی تصویب گردید. پس از اتحاد مجدد آلمان در سال ۱۹۸۹، بار دیگر در قانون آمایش ملی تصویب گردید. بار دیگر در قانون آمایش سرزمین تجدیدنظر شد و در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید.

اخذ چنین تجربه‌هایی در حل مسائل ناشی از: صنعت‌گرایی، هجوم‌های ناشی از مهاجرت و روستاگریزی، تمرکز بی‌رویه، و پریشانی‌های فضایی که در کشور ما بروز کرده و مسائل پیچیده‌ای آفریده‌اند، با رعایت مقتضیات خاص کشور، فواید عظیمی در نحوه سازماندهی فضای سرزمین خواهد داشت.

تدوین‌کنندگان گزارش «مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران» (خلاصه و جمع‌بندی مطالعات، مرحله اول، تابستان ۱۳۶۴، انتشارات دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، معاونت امور مناطق، وزارت

برنامه و بودجه، شماره ۶۴/۳۷، تابستان ۱۳۶۴)، و گزارش‌های دیگر در این زمینه نیز توانسته‌اند، تا حد زیادی از تجربه‌های غربی استفاده کنند؛ گویا این که از اشاره به مآخذ، شاید به خاطر نفس کار، پرهیز کرده‌اند. این اثر علمی «دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای» طلیعه‌ابتکاراتی در زمینه آمایش سرزمین ایران است که انشاء الله، با مطالعه و شناخت عمیق‌تر سرزمین ایران و ارزش‌های اسلامی، با اخذ بهتر و عمیق‌تر تجربه‌های ارزنده دیگران، تا آن‌جا که با اصول و ارزش‌های ماهمانگ هستند، روزبه‌روز غنی‌تر خواهد گردید.

بدیهی است راه و جهت برنامه‌ریزی فضای کشور را باید در درجه اول در چارچوب آرمان‌های خودی و امکانات و مقدرات کشور جست و جو کرد. لازم است، با مسائل عالمانه و منطقی برخورد نمود و به چاره‌جویی‌های لازم در مقیاس کوچک و بزرگ پرداخت. در عین نظر به حال، باید به آینده نیز توجه داشت و در جهان کنونی، از استفاده از تجربه‌های مفید بشری پرهیز نکرد و به دوباره کاری دست نزد.

از این رو در ادامه، ترجمه متن کامل قانون آمایش سرزمین آلمان (سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۹۳) را، برای آگاهی از تجربه‌های آلمان غربی سابق و آلمان متحد کنونی، می‌آوریم. ادامه دارد

زیر نویس

۱. سید محمد خاتمی: از دنیای «شهر» تا شهر «دنیای»، سیری در اندیشه سیاسی غرب، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۲۳۲.
۲. شرف‌الدین خراسانی، شرف: از برونو تا هگل: طرحی از برجسته‌ترین چهره‌های فلسفی دوران‌های جدید، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۶۹، ۱۳۵۴ ص ۱۱۱-۱۱۲.
۳. سید محمد خاتمی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۹ و ۲۴۲.
۴. مایکل، پ. فاستر: خداوندان اندیشه سیاسی،

ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰، ج ۲، قسمت اول، ص ۴۴ و ۴۶، در: سید محمد خاتمی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۲-۲۴۳.

۵. «نامه‌ای درباره مدارا» از جلد ۳۵ مجموعه کتاب‌های بزرگ جهان غرب، ص ۳، در: سید محمد خاتمی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷.

6. James Harrington

۷. فرانسیس ویتنی؛ ناتان گلیک و دیگران: تاریخ مختصر آمریکا، بی‌جا، بی‌تا (باید دهه ۱۹۶۰ بوده باشد)، ص ۴۱-۴۰.

۸. رک: آندره موروا: تاریخ آمریکا از پیدایش تاجنگ جهانی دوم، ترجمه نجفقلی معزی «حسام‌الدوله»، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء، ۱۳۴۰، ص ۱۸۱.

۹. سخنرانی‌ها و اسناد مهم در تاریخ آمریکا، تهران، بی‌تا (این جزوه باید به سال ۱۹۶۵ هنگام دوره سفیر کبیری اومین‌مایر در ایران، از طرف آمریکا انتشار یافته باشد).

10. John Adams

۱۱. هیأت منتخب تدوین اعلامیه استقلال عبارت بودند از: تامس جفرسن، جان آدامز، روجر شرمان (Roger Sherman)، رابرت لویینگ استون (Robert R Livingston) و بنجامین فرانکلین (Benjamin Franklin): سلطان محمد عامری، تاریخ کشورهای متحده آمریکا، تهران ۱۳۳۰، ص ۷۶.

۱۲. رک: کلود ژولین: آمریکا در تاریخ (رویا و تاریخ)، ترجمه مرتضی کلانتریان، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۷، ص ۳۲.

۱۳. رک: سلطان محمد عامری، ۱۳۳۰، ص ۷۶.

۱۴. رک: همان، ص ۸۹.

۱۵. فرانسیس ویتنی، ناتان گلیک و دیگران: تاریخ مختصر آمریکا، ص ۴۰.

۱۶. علی‌پاشا صالح: پیوندهای فرهنگی ایران و آمریکا، ... نقل در: کلود ژولین: آمریکا در تاریخ (رویا و تاریخ)، ترجمه مرتضی کلانتریان، ۱۳۵۷، ص ۱۱ و ۱۲.

۱۷. کلود ژولین، آمریکا در تاریخ، ص ۳۲.

۱۸. رک: به کتاب زیر:

Hartwig Spitzer 1995: Einführung in die

räumliche Planung. UTB für Wissenschaft: Grosse Reihe, Stuttgart (Hohenheim), Eugen Ulmer GmbH & Co.

۱۹. در گزارش سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی و فرهنگی، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در مهرماه ۱۳۷۶، با عنوان «بحنی پیرامون آمایش سرزمین: مفاهیم، ضرورت‌ها و سابقه»، از برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به‌طور خلاصه به عنوان «سازمان‌دهی مطلوب فضا در جهت نیل به هدف‌ها و استراتژی‌های جامع توسعه ملی» نام می‌برد که از «مهم‌ترین ویژگی‌های آن، نگرش همه‌جانبه به مسائل، آینده‌نگری، دورنگری و نتیجه‌گیری‌های مکانی از محتویات استراتژی توسعه ملی» (ص ۳) است.

۲۰. از سوی مقام معظم رهبری کلیات برنامه سوم توسعه برای اجرا ابلاغ شد؛ در: روزنامه صبح امروز، سال دوم، شماره ۱۲۰، یکشنبه ۲ خرداد ۱۳۷۸، ص ۱.

۲۱. سید محمدحسین طباطبایی: تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۷، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۹.

۲۲. حاج یوسفی: آمایش سرزمین، سنبله (مجله ماهانه علمی-فنی-کشاورزی-زیست‌محیطی). شماره ۵۴، آبان ۱۳۷۲ ص ۱۳-۶.

۲۳. محمدحسن فولادی: آمایش سرزمین و جغرافیا، رشد آموزش جغرافیا، نشریه گروه جغرافیا-دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، شماره ۳، پاییز ۱۳۶۴. ص ۲۷-۲۴.

۲۴. حاج یوسفی، همان، ص ۷.

۲۵. آلمان فدرال، در جریان انقلاب صنعتی، در عین استفاده از مواهب آن، به تدریج دچار عوارض سوء اجتماعی، اقتصادی و فضایی حاصل از سرمایه‌داری صنعتی و صنعتی شدن گردید. ولی به تدریج موفق به شناخت مسائل، اتخاذ تدابیر و پاسخ‌های مقتضی، از جمله آمایش سرزمین برای مقابله و مواجهه با آن‌ها شد.

یکی از جلوه‌های زندگی
نی، رشد فزاینده شهرنشینی
که مشکلات عدیده‌ای، از
که کمبود مسکن را ایجاد و
پدید کرده است. ایران به عنوان
کشور در حال گذار از اقتصاد
ررزی و جامعه سنتی به اقتصاد
تی و جامعه شهری، از دهه
۱۳۷۰ شاهد پیدایش مشکلات
ری به خصوص در بخش
ن بوده است.

سلباً در دو دهه اخیر عواملی
چون: تشدید مهاجرت به
سا، بالا بودن نرخ موالید و...
ولات شهرنشینی را دامن زده‌اند
ود مسکن را در یک نگاه کلی
س هرم این مشکلات قرار
ند؛ به طوری که بر اساس یک
خوش‌بینانه (توسط خانم مینو
)، در سال ۱۳۷۹ نزدیک به
یون جمعیت شهرنشین (۳۰۰
خانوار) به طور مطلق بدون
شخصی بوده‌اند.

دایش مشکل مسکن ناشی
امل عدیده‌ای است که به
ت یک مجموعه
ماتیک مشکل فوق
جود آورده‌اند. حل
مسکن شناخت
زبیه عوامل فوق و
آن‌ها را می‌طلبید.
می‌رسد که این
را می‌توان در سه
طبقه بندی کرد:
ای دموگرافیکی؛

لزوم تغییر در الگوی مصرف
مسکن، شناخت جایگاه منطقی و
صحیح کاربری‌های مسکونی در
مطالعات و تدوین نقشه‌های
کاربری اراضی.

این مقاله در پی آن است که
ضمن بررسی مفهوم «کاربری زمین
شهری» و مفهوم مسکن، به بیان
ارتباط بین کاربری اراضی و مسکن
شهری و نیز مشکلات مسکن در
مناطق شهری ایران بپردازد و در
نهایت، راهکارهایی برای حل این
مشکلات ارائه کند.

کاربری‌های مسکونی و اهمیت اقتصادی-اجتماعی آن (مناطق شهری ایران)

نوشته:

دکتر اکبر پرهیزکار (عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس)
علی اینانلو (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری)

مقدمه

موضوع «مسکن» یا «سرپناه»
برای انسان از اولین نیازهای او در
کنار ملزومات اولیه‌ای همچون
خوراک و پوشاک است؛ در کنار
گسترش ارتباطات و توسعه شهرها
و تجمع انسان‌ها در مکان‌هایی به
نام شهر و روستا و... این نیاز نه
فقط به طور پیوسته خودنمایی
کرده، بلکه روز به روز پیچیده‌تر
شده است. این مهم در شهرها به
دلیل تراکم جمعیت و مخصوصاً
جاذبه‌های شهری قطعاً بسیار
پیچیده‌تر از نقاط دیگر است. بند
یک از اصل چهل و سوم قانون
اساسی ایران، تأمین مسکن را یکی
از نیازهای اساسی جامعه برای
رسیدن به استقلال اقتصادی،
ریشه کن کردن فقر و محرومیت و
رشد و آزادگی انسان دانسته است.
اصل مذکور، مسکن را با عنوان
محیط زیست و پرورش کرامات





والای انسانی در نظر می گیراد، داشتن مسکن متناسب با نیاز را، حق هر فرد و خانواده ایرانی می داند و دولت را ملزم به فراهم آوردن امکانات لازم برای اجرای

این اصل، به خصوص برای نیازمندترین اقشار جامعه می داند. امروزه مقوله مسکن، به عنوان بزرگترین سرمایه گذاری خانوارها و نیز به جهت ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن در کل جامعه، دارای اهمیت خاصی است. بدین لحاظ، برنامه ریزی برای دستیابی به مسکن مناسب و توزیع فضایی مسکن در سطح شهر، به ویژه برای اقشار کم درآمد، به لحاظ نقش حیاتی آن در حیات اجتماعی، باید به نحوی صورت پذیرد که ضمن مطالعه مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، به عنوان یک هدف اساسی نیز، این مسائل در برنامه ریزی های شهری مطرح و بررسی شوند.^۱

نگاهی به کاربری زمین شهری

کاربری زمین و مسکن شهری دو جزء جدا نشدنی از سیستم عمومی ساختار شهری هستند؛ به طوری که الگوهای کاربری زمین از نوع مسکونی و غیر مسکونی و ساختار فضایی حاصل از مکانیسم رفتاری میان آن ها، اساس و مبانی رفت و آمدهای شهری را تشکیل می دهند.^۲ در واقع، یکی از مطالعات اساسی در جهت شناخت شهر و نحوه پراکندگی فعالیت های شهری در بررسی های فیزیکی، مطالعه نحوه استفاده از اراضی شهری و برنامه ریزی برای کاربری زمین شهری است. بنابراین، مقصود از برنامه ریزی کاربری زمین شهری، نظم بخشیدن به فعالیت های «مکانی - فضایی» و کارکردهای شهر مطابق نیازهای جامعه شهری است.^۳

در یک مفهوم وسیع، کاربری زمین شهری را اغلب به معنای

«منطقه بندی»^۴ در نظر می گیرند. در حالت، منطقه بندی چنین تعریف می شود «تقسیم یک شهر به مناطق ویژه با مرزهای برای نقش پذیری هریک از این مناطق»^۵

واقع، منطقه بندی ابزاری است برای تقسیم شهر به مناطق یا نواحی گوناگون مطابق کاربری های موجود و مستغلات و املاک شهری، به منظور جهت دادن به شیوه توزیع کاربری ها در آن اراضی و مستغلات (نمودار ۱). گاهی اوقات نیز برنامه ریزان شهری بر این باور هستند که کاربری زمین شهری مابین طرح جامع - که جنبه سیاستی دارد طرح منطقه بندی - که جنبه قانونی دارد - واقع شده و بیشتر جنبه عملکردهای شهری مشخص می شود.

زمین های شهری عمدتاً طی فرایندی، به کاربری های گوناگون تخصیص می یابند. بدین ترتیب، تخصیص کاربری زمین فرایند است که معین می کند، در کجا مجموعه تسهیلات مربوط به فعالیت خاصی می تواند، به هدف های ویژه خود بهتر نایل (نمودار ۱)

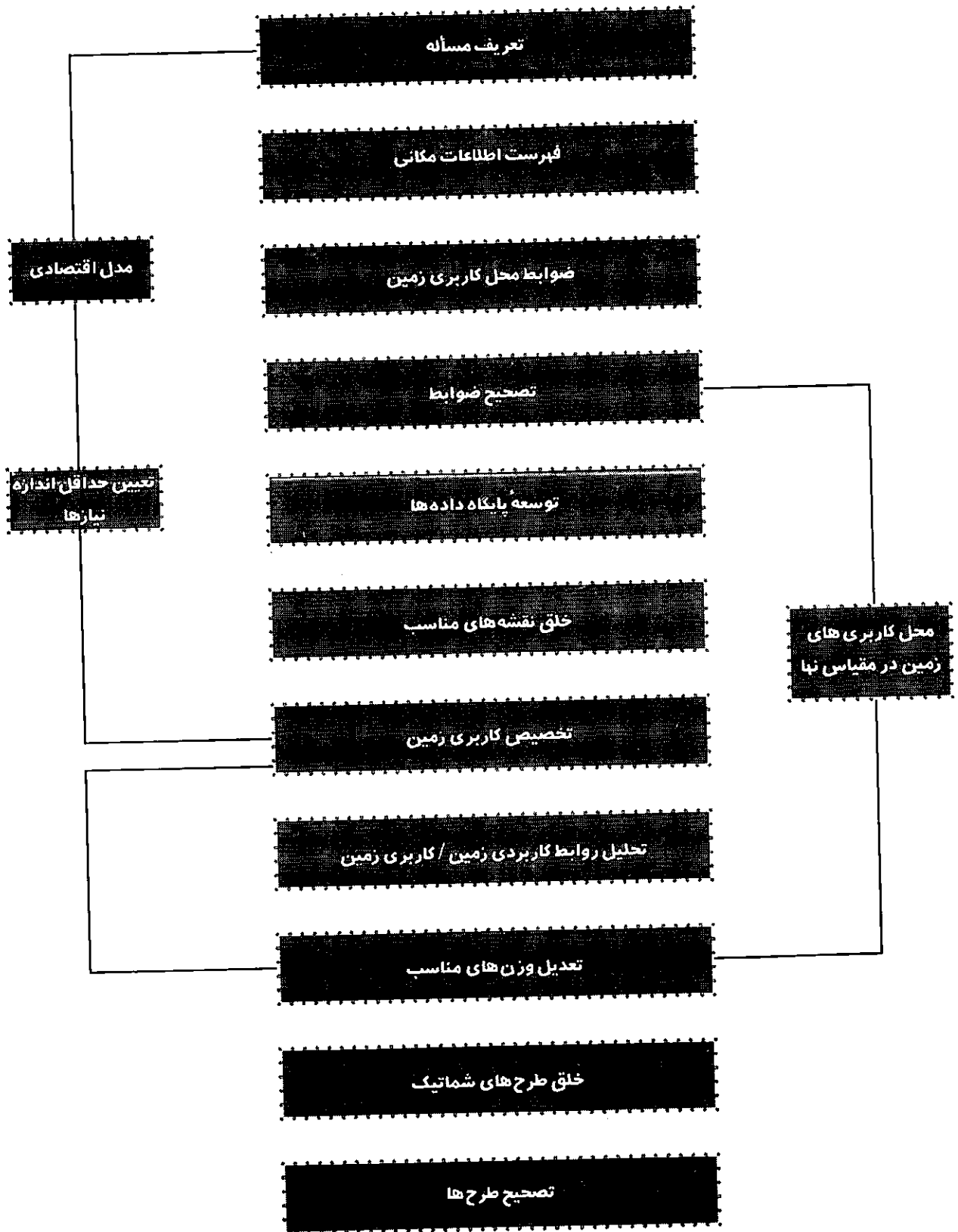
کاربری های شهری به طور کلی به ۹ دسته تقسیم می شوند دسته، دارای گروه های فرعی یا جزئی هستند و همگی به طور تفصیلی مورد بررسی قرار می گیرند.^۶ (جدول ۱)

مفهوم مسکن

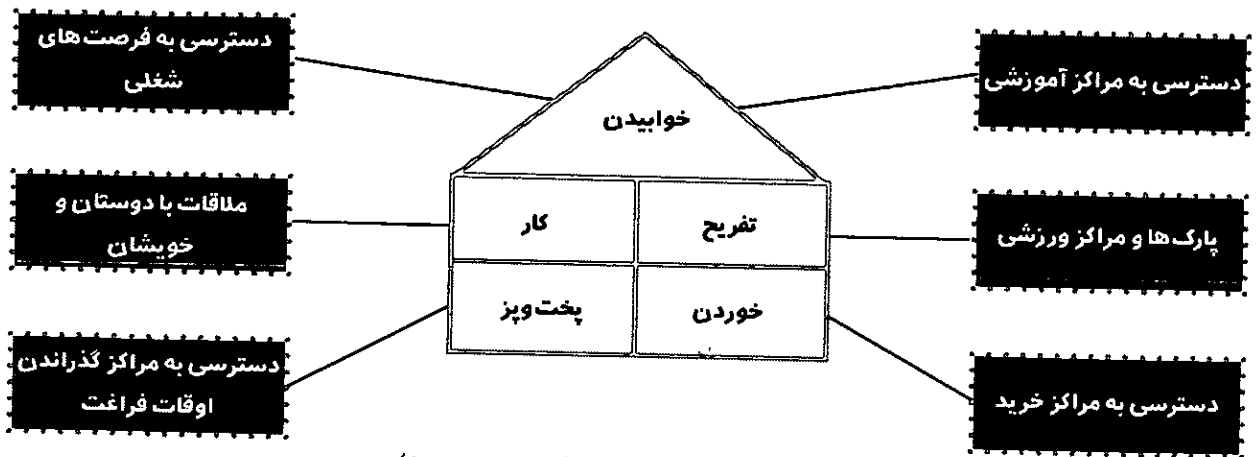
مقوله مسکن گسترده و پیچیده است و ابعاد متنوعی لکوروبوزیه می گوید: «مسکن پوششی است که در تطابق با از شرایط، رابطه صحیحی بین محیط خارج و پدیده های انسانی برقرار می سازد».^۸ مسکن مکانی فیزیکی است و به سرپناه، نیاز اولیه خانوار به حساب می آید. در این سرپناه بر

جدول ۱. طبقه بندی و کد کاربری های اصلی (سعیدنیا، ۱۳۷۸)

کد	کاربری اصلی	کد	کاربری اصلی
۱	مسکونی	۶	خدماتی
۲ و ۳	صنعتی	۷	فرهنگی و گذران اوقات فراغت
۴	حمل و نقل تأسیسات	۸	منابع تولیدی و استخراج
۵	تجاری	۹	اراضی بایر



نمودار ۱. فرایند تخصیص کاربری زمین (پرهیزکار، ۱۳۷۶)



نمودار ۲. اجزای مسکن مدرن (دلال پور، ۱۳۷۹)

از نظر اجتماعی، کارکرد اصلی مسکن شهری علاوه بر نقش آن به عنوان سرپناه، فراهم آوردن شرایط مطلوب برای خانواده به منظور تحقق فعالیت‌های خانوادگی است. مسکن نزدیک‌ترین فضای مرتبط با انسان است و انسان اولین تجربه‌های رابطه خود با دیگران را در آن می‌آزماید و در واقع، پیش‌زمینه‌ای برای ورود به اجتماع است. نداشتن مسکن باعث پیدایش پدیده‌های نابهنجار اجتماعی، نظیر «خیابان خوابی»، «زاغه نشینی» و معضلات حادث‌تری مانند «تکدی‌گری» می‌شود.

کاربری سکونتی و مسکن شهری

بر اساس «مشور آتن»، کاربری مسکونی یکی از چهار نوع کاربری عمده در بافت فیزیکی هر شهر را تشکیل می‌دهد. کاربری سکونتی شامل محله‌های مسکونی، واحدهای همسایگی، مجتمع‌های مسکونی و کاربری‌های مربوط به آن‌ها، نظیر مدارس و مغازه‌هاست.^{۱۶}

از آن‌جا که کاربری‌های مسکونی بیش از کاربری‌های دیگر در تشکیل ناحیه توسعه یافته شهری سهم دارند و منطقه مسکونی مهم‌ترین بخش شهر است و جمعیت اصلی شهر در آن بخش زندگی می‌کنند، مسکن شهری همواره در کانون توجه و تأکید برنامه ریزی بوده است. اساساً یکی از سرچشمه‌های پیدایش شهرسازی نوین را ضرورت تأمین و بهبود کیفیت مسکن در شهرهای قرن نوزدهم می‌دانند. بعدها، با افزایش جمعیت شهرنشین، تأمین مسکن و یا به عبارت دیگر، کمیت مسکن اهمیت بیش‌تری نسبت به کیفیت آن یافت.^{۱۷}

امروزه یکی از دغدغه‌های فکری برنامه‌ریزان، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، تأمین مسکن برای بی‌خانمانان و

نیازهای اولیه خانوار یا فرد، مانند خوراک و استراحت تأمین می‌شود.^{۱۸}

مسکن چیزی بیش از یک «سرپناه»^{۱۹} صرفاً فیزیکی است و همه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهزیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده آن فراهم سازد. در نمودار ۲، اجزای مسکن مدرن نشان داده شده است.^{۱۱}

اهمیت اقتصادی - اجتماعی مسکن در شهر

از نظر اقتصادی، در گذشته مسکن یک دارایی فردی و «غیر تولیدی»^{۲۰} تلقی می‌شد. اما امروزه، مسکن به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد مطرح است. در حقیقت، پرسودترین حوزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری در حوزه زمین و مسکن است. هم‌چنین، مسکن و بخش در اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی نقش مؤثر دارد؛ به طوری که پس از فعالیت‌های خدمات دولتی، از قبیل آموزش و بهداشت، دفاع و فعالیت‌های زراعی، می‌توان اشتغال‌زایی را برای طیف وسیعی از نیروی کار، اعم از ماهر و نیمه‌ماهر داراست. متوسط رشد سالانه اشتغال این بخش، از حدود یک درصد در دهه ۶۵-۱۳۵۵، به ۳٫۸ درصد در پنج ساله ۷۵-۱۳۷۰ افزایش یافته است.^{۱۲} هم‌چنین، داشتن مسکن مناسب بر مسائلی از قبیل بهره‌وری و کارایی اثر مستقیم دارد و تازه‌واردان به شهر و کارگران ساده را مشغول می‌کند. بدین ترتیب، به طور مؤثر با افزایش میزان اشتغال و درآمد، به توسعه اقتصادی و سیاسی کمک می‌کند.^{۱۵} به علاوه، احداث مسکن فرصت اشتغال را برای خیل عظیمی از بی‌کاران و کارگران بی‌سواد فراهم می‌آورد.

خانوارهای کم درآمد شهری است که متأسفانه تعداد آن‌ها هر سال رو به افزایش است. آمار منتشر شده از سوی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ میلادی نشان می‌دهد که حدود ۱/۵ میلیارد نفر از خانوارهای کم درآمد شهری در واحدهای مسکونی زیر استاندارد زندگی می‌کنند و بیش از ۵۰ درصد درآمدشان را برای سکونت هزینه می‌کنند.^{۱۸} در کشور ما نیز که برنامه ریزی مسکن با افزایش شتابان جمعیت همراه است، تأمین مسکن برای شهرنشینان دغدغه اصلی برنامه ریزان را تشکیل می‌دهد. عدالت اجتماعی نیز ایجاب می‌کند که نخست سرپناهی برای همه فراهم شود.

سامان دهی الگوی مصرف مسکن و نوآوری برای توسعه مسکن

به نظر می‌رسد، یکی از مشکلات موجود در راه تأمین مسکن و عرضه آن به شهروندان در کشورمان، بزرگ بودن مساحت خانه‌هاست. به طوری که آمارها نشان می‌دهند، ایران پس از استرالیا بیشترین متراژ مسکن شهری را دارد؛ به گونه‌ای که با وجود کاهش بعد خانوار از ۷/۵ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۵/۳ نفر در سال ۱۳۷۵، در مناطق شهری ایران، تقاضا برای فضا افزایش داشته و تا امروز هنوز هم مردم، چه دارای امکانات مالی باشند و چه نه، فضای مناسب و ضروری برای خانه را حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر (برای یک خانوار معمولی) می‌دانند که تراکم در آن، هیچ‌گونه تناسبی با تراکم‌های دو سه دهه قبل ندارد. در نتیجه ضرورت دارد، برای رفع این مشکل تغییری در الگوی مصرف مسکن به وجود آید و به سوی کوچک سازی گام برداریم.

همچنین، یکی از مشکلات موجود در راه توسعه مسکن، نبود بهینه سازی در ساخت و ساز است. جزئیات ساختمانی طبق ضوابط دقیق فنی و موازین اقتصادی طراحی و اجرا نمی‌شوند. ساختمان سازی عموماً به صورت تقلیدی است و فرصت و امکان نوآوری در صنعت ساختمان سازی در کشور، همپای حرکت‌های ناشی از انقلاب در ابعاد دیگر، شکل و روند مطلوب به خود نگرفته است. جا دارد تا دست درکاران و متخصصان امر برای نجات مهم‌ترین رکن سرمایه ملی، یعنی صنایع ساختمانی، فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوطه را زیر نظر بگیرند و در عدد رفع موانع موجود برآیند.

زمین شهری و ضرورت تحول در آن

یکی از عمده‌ترین عواملی که بر استقرار کاربری‌های مختلف در شهر اثر می‌گذارد، قیمت زمین است؛ به طوری که معیار قیمت

مکان‌های جامعه شهری و جایگاه‌های مختلف درون شهری، از طریق ارزیابی قیمت زمین انجام می‌گیرد. با رشد و گسترش شهر، قیمت زمین به ویژه در مرکز افزایش می‌یابد و از این رو، منحنی قیمت زمین بلندتر و مقعر می‌شود و به سمت بالا حرکت می‌کند. البته هر نوع فعالیت کاربری زمین در شهر، الگوی منحنی خاصی از رابطه قیمت زمین یا اجاره، با فاصله از مرکز دارد. فعالیت‌هایی که از موقعیت مکانی خود و جایی که در آن مستقرند، به علت نزدیکی به مرکز شهر، بهره بسیار می‌برند، منحنی‌های پرشیب خواهند داشت. بدین ترتیب، صاحبان فعالیت‌های دارای شیب تند با این نوع منحنی‌ها قادرند، به شیب‌های تند بهای زمین در اطراف بخش تجاری مرکزی چنگ بیندازند. ولی دیگران از منحنی‌های کم شیب استفاده می‌کنند و تنها در بخش‌های دوردست‌تر جای پای می‌یابند.^{۱۹}

با اندکی تأمل در مشکلات شهرنشینی و خانه‌های شهری، به خصوص در ایران، ملاحظه می‌شود که محور تمام مسائل موجود در مقوله زمین نهفته است. نگرش‌های حاکم بر زمین در شهرهای ایران به گونه‌ای است که آن را نوعی کالا تلقی می‌کند؛ بدین معنا که هرگاه تصمیم گرفته شود، می‌توان آن را تولید (تملک) و وارد بازار عرضه و تقاضا کرد و به بازار تعادل بخشید. در حقیقت، همین نگرش در مورد مقوله زمین سبب شد که طی سال‌های بعد از انقلاب، برخلاف روح و محتوای قانون، مالکیت اراضی موات شهری سطوح بسیار وسیعی از اراضی شهری، عمدتاً به خانواده‌های منفرد واگذار شود. و باز هم همین نگرش بود که طی سال‌های اخیر از سیاست ارزان فروشی انتقاد کرد و چاره را در آن دید که اراضی شهری به قیمت روز به فروش برسند. این نگرش هنوز هم بر سازمان‌های متولی زمین تسلط دارد؛ به نحوی که اخیراً تصمیم گرفته شده است، به منظور تعادل عرضه و تقاضا، در شهرها (به غیر از شهرهای بزرگ) به متقاضیان زمین داده شود.

متأسفانه، آنچه که تاکنون کم‌تر از آن انتقاد شده، نوع نگرش به مقوله زمین و زمین شهری است. مفهوم مقوله زمین شهری طی چند دهه اخیر تحولی بنیادی یافته است و حتی در کشورهایی که مالکیت خصوصی تقدس بسیار دارد و نیروی محرکه رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، قوانین مالکیت و نحوه استفاده از زمین، به نفع جامعه تغییر پیدا کرده است. در برخی کشورها، مفهوم مقوله زمین از یک کالای قابل تولید به ثروت ملی تغییر یافته است و اتفاقاً با این تحول ریشه‌ای در مفهوم مقوله زمین بوده که توانسته‌اند، بر بسیاری از بحران‌های شهری غلبه یابند. بر اساس نگرش جدید، زمین شهره

متعلق به افراد یا خانواده‌های متفرّد نیست و به خصوص اراضی متعلّق به دولت، به هیچ کس فروخته نمی‌شود (چه ارزان و چه به قیمت روز). مالکیت این گونه اراضی

همواره در دست دولت و یا مدیریت شهری قرار دارد. با اجرای مداوم سیاست‌های منتج از این نگرش، می‌توان امیدوار بود که مسئله مسکن، نه برای نسل امروز که برای نسل‌های بعدی نیز قابل حل باشد.

بحث و نتیجه گیری

محل سکونت، مهم‌ترین بخش هر شهر است و بخش عمده‌ای از سطح شهرها، به کاربری‌های مسکونی اختصاص دارد. در شهرهای کوچک، بیش از ۶۰ درصد سطح شهر و در شهرهای بزرگ، حدود ۴۰ درصد از شهر زیر پوشش کاربری مسکونی است. به علاوه، دسترسی به مسکن به عنوان یکی از هدف‌های اجتماعی، همواره در هر جامعه‌ای مطرح بوده است. با وجود این، در سال‌های اخیر نسبت به اهمیت مسکن در توسعه اقتصادی و اجتماعی توجه بیش‌تری شده و جای آن در برنامه‌های ملی روشن‌تر شده است. در هدف‌های کلی اجتماعی، غالباً بر مسکن به صورت تأمین یا فراهم آوردن زمینه تأمین آن برای مردم، تأکید می‌شود. چنین هدفی نیازهای سکونتی خانوارها را فقط در یک برنامه و یا دوره معینی از توسعه در برمی‌گیرد، در حالی که تأمین مسکن ابعاد وسیع‌تری دارد.

بررسی دقیق جمعیت شهرهای بزرگ طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اکثر شهرهای بزرگ، از رشد بالای ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت، ظرف ده سال برخوردار شده‌اند.^{۲۰} هم‌اکنون، جمعیت شهرنشینی کشورمان از مرز ۵۵ درصد هم گذشته است و پیش‌بینی می‌شود، این جمعیت تا سال ۱۳۹۰، به بیش از دو برابر فعلی برسد؛ به طوری که حداقل ۷۷/۱ میلیون نفر در نقاط شهری سکونت خواهند داشت. در دهه‌های گذشته، افزایش سریع جمعیت از یک طرف و مهاجرت‌های روستایی و گرایش به شهرنشینی از طرف دیگر، با شدید‌فزاینده مسائل و مشکلات شهری، از جمله تقاضای مسکن همراه بوده است.^{۲۱} در نتیجه ضرورت دارد، برای حل این مشکل، رزمینه‌های «دموکرافیک» اصلاحاتی صورت گیرد و جهت کاهش مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها، خصوصاً شهرهای بزرگ، امکانات اجتماعی و اقتصادی به صورت یکسان در نقاط شهری و روستایی زریع شود.

یکی از عواملی که تأمین مسکن را در شهرهای کشورمان دچار مشکل کرده، نحوه مصرف مسکن است. به عبارت دیگر، در حالی که نزدیک به دو میلیون نفر از جمعیت شهرنشین ما فاقد مسکن هستند، برخی از

شهروندان ما در خانه‌هایی با تراژ و وسیع زندگی می‌کنند که برخی از قسمت‌های آن ممکن است، اصلاً مورد استفاده قرار نگیرند. پس ضرورت دارد که در الگوی مصرف مسکن در شهرهای ما تغییراتی صورت گیرد. راهکاری که در این جا مؤثر خواهد بود، این است که به سوی کوچک‌سازی گام برداریم.

عمده‌ترین عاملی که بر استقرار کاربری‌های مختلف، به خصوص کاربری مسکونی در شهر، اثر می‌گذارد، قیمت زمین است. قیمت زمین نقش اساسی در تعیین قیمت مسکن دارد. متأسفانه در کشور ما، سهم زمین در هزینه مسکن در مقایسه با سایر کشورها اصولاً بسیار زیاد است. تراکم تعیین شده از طرف شهرداری‌ها موجب افزایش بیش‌تر سهم زمین در قیمت تمام شده مسکن، می‌شود.^{۲۲} اگر بپذیریم که از میان تمام مسائل مربوط به توسعه شهری، مهم‌ترین مسأله تأمین مسکن شهروندان است، و همچنین با توجه به سهم ۴۰ درصدی قیمت زمین در قیمت تمام شده مسکن، می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین مانع در حل مسأله مسکن، قیمت زمین است. هم‌چنین، مسأله بورس بازی روی زمین سبب شده است که سرمایه‌های زیادی به سمت زمین جلب شود و نهایتاً، جمع‌کنندگی از شهروندان، از داشتن سرپناه مناسب محروم بمانند. برای حل مشکل فوق، باید نگرش‌ها و عملکردهای گذشته در مورد زمین، به خصوص زمین شهری، کاملاً دگرگون شود و بر اساس نگرش جدید به تدوین سیاست‌ها و راهکارهای جدید در مورد استفاده از زمین شهری همت گماشت. تحقق این هدف تا حدود زیادی در گرو استفاده از نهادهای مردمی، مثل تعاونی‌های مسکن و شورای شهر و محله و مدیریت شهری نوین است. بدین ترتیب که طی یک روند چند ساله، زمین از بورس بازی خارج شود و به عنوان اهرم کنترل توسعه شهری و به نفع جامعه، در دست دولت و مدیریت شهری قرار گیرد.^{۲۳}

بنابراین، تا زمانی که مسائلی از قبیل اسکان منطقی جمعیت و پیش‌بینی و هدایت مهاجرت، به کار افتادن نیروهای تولید در چارچوب برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه صورت نگیرد، حل مشکل مسکن آسان نخواهد بود. زیرا سیاست‌های سکونتی نمی‌تواند از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی جدا باشد.

۶. دلال پور، محمدرضا. برنامه ریزی مسکن. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
۷. رفیعی، مینو، «مسکن شهری»، به سوی حکومت محلی، ماهنامه شهرداری‌ها، سال دوم، شماره ۱۹، آذرماه ۱۳۷۹.
۸. سعیدنیا، احمد. کتاب سبز «راهنمای شهرداری‌ها». جلد دوم. مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری-وزارت کشور. ۱۳۷۸.
۹. شکویی، حسین. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
۱۰. طلاسا، رویا. بررسی مسائل مسکن در تهران. پایان‌نامه. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۷۱.
۱۱. محمودی، علی، «کاربری اراضی و نقل شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۳.
۱۲. مومنی آکامی، منوچهر. نگرشی در برنامه ریزی فضایی مسکن شهری در رشت. پایان‌نامه. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۷۵.
۱۳. میرسعید قاضی، سید محمد ابراهیم، «گزیده‌هایی از مقاله بررسی وضعیت مسکن در ایران»، ماهنامه فنی-اجتماعی شهر، سال دوم، شماره ۱۳، ۱۴ و ۱۵، پاییز ۱۳۷۹.
۱۴. هاشم‌زاده همایونی، مهرداد، «ضرورت تحول در مفهوم مقوله زمین شهری»، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۴ و ۴۵، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۷.
۱۵. هاگت، پیتر. جغرافیا ترکیبی نو. ترجمه شاپور گودرزی نژاد. جلد دوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
16. Anonymous. Housing production: A policy perspective. journal of housing and community development. washington: Jan/ Feb 2001.
17. Chapin Stuart F. and J. Edward Kaiser. Urban land use planning. third edition. illinois press: 1979.
18. Choguill, C. L. Housing Policies Trend in Bangladesh: Meeting the Need of Low Income Population, Cities. Vol.10, No.,4,1993.
19. Gallion, Arthur and Others. The Urban Pattern. sixth edition, VNR: 1993.
20. Gruca, C, «Dispelling affordable housing myth», Journal of Property Management. Chicago: Jan/Feb 2001.
21. Pugh. C. Housing and Urbanization: A Study of India. London: Sage Publications, chapter 1, 1990.
22. Short John R. Urban Order; Black Well. First edition. 1996.
3. Chapin and Kaiser; 1979,P.25.
4. Zoning
6. Gallion and Others; 1993, p:265
10. Shelter
12. non productive
13. Choguill
14. میرسعید قاضی؛ ۱۳۷۹، ص ۶۱
15. Pugh; 1990, PP: 14-15
18. Anonymous, 2001, pp:1-2
۱۶. سعیدنیا؛ ص ۲۷
۱۷. رفیعی؛ ۱۳۷۹، ص ۳.
۱۹. هاگت؛ ۱۳۷۵، صص ۴ و ۲۲۳
۲۰. بصیری؛ ۱۳۷۷، ص ۵
۲۱. پیغمبرزاده؛ ۱۳۷۷، ص ۷.
۲۲. طلاسا؛ ۱۳۷۱، ص ۱۱۴
۲۳. هاشم‌زاده؛ ۱۳۷۷، ص ۹۰

منابع

- ۱- امری، زهرا و دیگران. مسکن حداقل. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن؛ وزارت مسکن و شهرسازی. ۱۳۷۶.
- ۲- ایرانمنش، نسیم، «مسکن مطلوب چیست؟» خلاصه مقالات چهارمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶.
۳. بصیری، رضا، «اهمیت مسکن در توسعه اقتصادی و اجتماعی»، روزنامه توسعه، ۱۳۷۷/۸/۲.
۴. پرهیزکار، اکبر، «ارائه الگوی مناسب مکان‌گزینی مراکز خدمات شهری با تحقیق در مدل‌ها و GIS شهری، رساله دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.
۵. پیغمبرزاده، سید مهدی، «نگاهی به مسائل و تنگناهای عرضه مسکن در شهرهای ایران»، روزنامه همشهری، ۱۳۷۷/۷/۶.

چرا حل این مسائل مشکل است؟

نویل کاستری^۱

مترجم: مهدی دهقان - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد

گرم شدن کره زمین، صید بیش از حد نهنگ، باران‌های اسیدی، نازک شدن لایه اوزن و آلودگی بیش از حد دریاها، همگی از جمله مسائل زیست محیطی بین‌المللی هستند. به عبارت دیگر، این‌ها مسائلی هستند که به وسیله انسان ایجاد شده و مردم را در کشورهای مختلف جهان تحت تأثیر قرار داده‌اند. به همین دلیل، گاهی اوقات این مسائل، مسائل زیست محیطی ماورای مرزها نام گرفته‌اند.

به عنوان مثال، گرم شدن کره زمین و اثر گلخانه‌ای را در نظر می‌گیریم. جو (اتمسفر) سیستمی است ماورای مرزها، زیرا که روی مرزهای همه بیش از ۱۶۰ کشور جهان قرار دارد. در نتیجه، هنگامی که انسان‌ها در کشورهای مختلف، یک گاز گلخانه‌ای نظیر دی‌اکسید کربن را -مثلاً از طریق سوزاندن چوب یا زغال سنگ- در فضا انتشار می‌دهند، این انتشار محلی به مسأله‌ای جهانی تبدیل می‌شود.

هم‌اکنون سازمان‌های بین‌المللی، نظیر «سازمان ملل»، به شدت در تلاشند تا کشورها را برای حل این مسائل زیست محیطی ماورای مرزی به همکاری وادارند. اولین اجلاس «سران زمین»^۲ که در سال ۱۹۹۲ در «ریود ژانیرو»، در برزیل برگزار شد، توجه جهانیان را به افزایش این قبیل مشکلات جلب کرد. در سال‌های بعد از اجلاس سران، مجموعه جدیدی از برنامه‌های زیست محیطی بین‌المللی اجرا شد که نشان‌دهنده افزایش «آگاهی بین‌دولتی» در مورد مسؤلیت مشترک برای کنترل ذخایر زمین است.

با این همه، امروزه موانع بزرگی سر راه

حل مسائل زیست محیطی بین‌المللی قرار گرفته‌اند که این مقاله در مورد بعضی از آن‌ها بحث می‌کند. در نتیجه‌گیری، این سؤال مطرح می‌شود که: «آیا می‌توان این موانع را از سر راه برداشت؟»

۱۰ دلیل برای این که چرا حل مسائل زیست محیطی بین‌المللی مشکل هستند:

۱. فراوانی کشورهای درگیر مسأله

این دلیل از یک مسأله زیست محیطی به مسأله دیگر متفاوت است. به طور کلی، هرچه تعداد کشورهای درگیر مسأله کم‌تر باشد، به توافق رسیدن در مورد چگونگی حل مسأله پیش آمده، آسان‌تر است. مثلاً، یکی از نخستین مسائل زیست محیطی بین‌المللی، فقط چهار کشور کانادا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و روسیه را در برمی‌گرفت. هر یک از کشورها، از دهه ۱۸۷۰ به منظور استفاده از پوست فک‌های موجود در اقیانوس آرام شمالی به شکار آن‌ها پرداخته بودند. چون فک‌ها در آب‌های بین‌المللی اقیانوس آرام شناور بودند، بنابراین هر کشور در محدوده کشتیرانی خود مجاز به شکار آن‌ها بود. تا سال ۱۹۰۰، گله اولیه فک‌ها که سه میلیون عضو داشت،

کاهش یافت و فقط چند هزار فک باقی ماندند. چون ۴ کشور با این مسأله سروکار داشتند، بنابراین همکاری برای توقف روند کاهش تعداد فک‌ها، به آسانی صورت می‌گرفت. نتیجه این همکاری «پیمان فک اقیانوس آرام شمالی» در سال ۱۹۳۰^۳ بود که به موجب آن، ۴ کشور توافق کردند تا به مدت ۱۰ سال شکار فک‌ها را متوقف سازند.

در عوض، بسیاری از مسائل زیست محیطی بین‌المللی، تعداد زیادی از کشورها را دربرمی‌گیرد. گرم شدن کره زمین روشن‌ترین مثال است، زیرا واقعاً یک مسأله جهانی است. در واقع می‌توان گفت، فوق‌العاده مشکل است که بیش از ۱۶۰ دولت بتوانند، برای حل این مسأله در مورد یک برنامه کلی به توافق برسند. بنابراین، یکی از دلایل این که چرا هم‌اکنون توافق الزام‌آور منطقی برای مسأله گرم شدن کره زمین وجود ندارد، این است که تعداد زیادی از کشورها درگیر مسأله هستند.

۲. شناخت مسأله

یک مسأله زیست محیطی بین‌المللی، موقعی حل می‌شود که کشورهای مرتبط با



خورشید به سطح زمین جلوگیری کند. به علت این عدم قطعیت علمی، در حال حاضر بسیاری از کشورها علاقه‌ای به صرف هزینه برای یافتن جایگزین‌هایی برای سوخت‌های فسیلی ندارند و همکاری برای رسیدن به توافق جهانی در جلوگیری از گرم شدن کره زمین، به دست فراموشی سپرده شده است.

۳. اختلافات سیاسی بین دولت‌ها

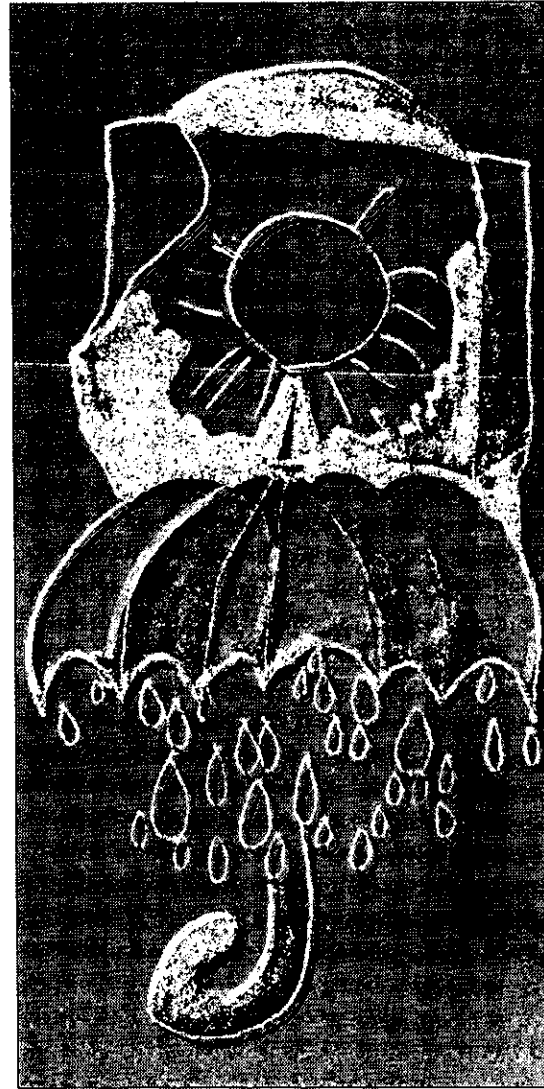
هنگامی که بین دولت‌ها اختلافات سیاسی وجود دارد، همکاری برای حل مسائل زیست محیطی مشکل است. یک مثال روشن امروزی در این زمینه، به کشورهای اردن و اسرائیل و استفاده از رودخانه اردن مربوط می‌شود. این دو کشور، مانند دیگر کشورهای خاورمیانه، اقلیم نیمه‌خشک دارند و با کمبود آب شیرین مواجه هستند. به علاوه، هر دو کشور طی چهار سال گذشته نرخ بالای رشد اقتصادی را تجربه کرده‌اند؛ مخصوصاً اسرائیل که به سرعت از لحاظ اقتصادی پیشرفت داشته است. راه حل منطقی برای اردن و اسرائیل این است که با همدیگر همکاری کنند و از آب رودخانه قبل از کم شدن ذخیره آن، به صورت عادلانه و برابر سهم ببرند. به جای این همکاری، اسرائیل سال‌هاست که قسمتی را که ساحل غربی رودخانه^۱ نامیده می‌شود و بین رودخانه اردن و مرز بین اسرائیل و اردن قرار دارد اشغال کرده است. این موضوع یک مانع عمده سیاسی برای به توافق رسیدن در مورد سهم آب است. تا زمانی که اسرائیل، در مورد برگرداندن قسمت‌هایی از ساحل غربی،



آلوده‌کننده‌ها آسان نیست. در واقع، بسیاری از دانشمندان معتقدند که در نتیجه انتشار این گازها، امکان خنک شدن کره زمین وجود دارد. ممکن است گرم شدن اولیه کره زمین، بعدها به تبخیر بیش‌تر در سطح زمین منجر شود و افزایش پوشش ابر، از رسیدن تابش

آن، بر سر مسأله بودن آن به توافق برسند. شناخت مسأله در مورد «فک‌ها» که در بالا ذکر شد، نسبتاً آسان بود؛ چون تا سال ۱۹۰۰ کشتی‌های صید فک، فک‌های کم‌تری صید می‌کردند. اما شناخت بسیاری از مسائل زیست محیطی بین‌المللی معاصر بسیار مشکل‌تر است.

در این مورد نیز، مسأله گرم شدن جهان مثال خوبی است. مطمئناً دانشمندان می‌توانند افزایش تراکم گازهای گلخانه‌ای را در جو اندازه‌گیری کنند. اما آن‌ها متوجه شده‌اند که اندازه‌گیری اثرات این افزایش روی درجه حرارت جهانی، بسیار دشوار است. به طور کلی، چون جو سیستم پیچیده و بزرگی است، پیش‌بینی پیامدهای احتمالی افزایش انتشار دی‌اکسید کربن و دیگر



حاضر به مذاکره با اردن شود که اثری از این اتفاق دیده نمی‌شود. دو کشور به رقابت گسترده در مورد آب رودخانه اردن (بیش از سهم بری از آن)، ادامه خواهند داد.

۴. برداشت و تعبیر مردم

معمولاً دولت‌ها برای حل یک مسأله زیست محیطی بین‌المللی به حمایت‌های مردمی نیاز دارند. با وجود این، همه مسائل زیست محیطی بین‌المللی تأثیر یکسانی روی عامه مردم ندارند. مسائلی که دارای جنبه‌های احساسی و عاطفی باشند، می‌توانند روی مردم تأثیر بگذارند.

مثال برجسته در این مورد به «وال‌ها» مربوط می‌شود. تا اوایل دهه ۱۹۸۰، صید

تجاری وال بدون هیچ‌گونه اعتراضی ادامه داشت. تا این که بعضی از گونه‌های وال در آستانه انقراض قرار گرفتند. فعالیت‌های رسانه‌ها به همراه سازمان‌های طرفدار محیط زیست، نظیر «صلح سبز»^۵، توجه عموم را به صید خشونت بار وال‌ها جلب کرد. آن‌ها وال‌ها را موجوداتی مهربان و بی‌گناه توصیف می‌کردند که با دست‌انگیزی و پل‌دوست صیادان قتل‌عام می‌شوند. در نتیجه در سال ۱۹۹۳، «کمسیون بین‌المللی صید وال» (IWC) که هیأتی بین‌المللی برای کنترل صید وال است، صید تجاری همه گونه‌های وال را به جز چند گونه، ممنوع اعلام کرد.

در مقایسه با مثال بالا، برای این که عموم مردم به اهمیت مسأله‌ای نظیر گرم شدن کره زمین پی ببرند، وقت بسیار زیادی لازم است. برخلاف صید وال، پی بردن به اهمیت گرم شدن جهان مشکل‌تر و تأثیر عاطفی آن کم‌تر است. به همین ترتیب، چون دولت‌ها برای حل این مسأله تحت فشار شدید مردم نیستند، شور و شوق چندانی برای حل آن نشان نمی‌دهند.

۵. نابرابری ثروت بین کشورها

میزان ثروت و توسعه کشورها یکسان نیست. در حالی که کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا و ژاپن به طور چشمگیری ثروتمندند و کشورهای مانند تایلند و مکزیک به سرعت در حال توسعه هستند، بعضی کشورها از فقر شدید رنج می‌برند و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز در این فقر باقی بمانند؛ از جمله: اتیوپی، بورکینافاسو و بوروندی. برای بسیاری از کشورهای فقیر، حفاظت از محیط زیست اقدامی تجملی و گران‌قیمت است. برای نمونه، با این که سوزاندن چوب، «دی‌اکسید کربن» جو را افزایش می‌دهد، اما تنها وسیله پخت غذا و گرم کردن خانه در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته به حساب می‌آید. در چنین شرایطی، کوشش برای محدود کردن انتشار

دی‌اکسید کربن به منظور داشتن جهانی بهتر، غیرممکن است. کشوری نظیر اتیوپی به سختی می‌تواند به فناوری لازم برای جایگزینی نیروی باد یا خورشید به جای سوخت چوب، دست یابد.

۶. مسؤلیت‌های نابرابر

بعضی از مسائل زیست محیطی بین‌المللی با مسؤلیت‌های نابرابر مواجه هستند که باعث می‌شود، همکاری بین دولت‌ها به تأخیر بیفتد. تخریب «لایه اوزون» و «گرم شدن جهان» مثال‌های خوبی در این مورد هستند. مقصران اصلی در این دو مسأله زیست محیطی فراملی، معدودی از کشورهای توسعه یافته هستند (مخصوصاً ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان، فرانسه، ژاپن و انگلستان). این کشورها مقدار زیادی از گازهای گلخانه‌ای و «CFC»^۶ را که باعث نابودی تدریجی اوزون جو می‌شود، وارد جو کرده‌اند. با این همه، همین کشورها از کشورهای در حال توسعه می‌خواهند که برای CFCها و سوخت‌های فسیلی، جانشینی پیدا کنند. همان‌طور که انتظار می‌رفت،

کشورهای در حال توسعه به این بی‌انصافی پی بردند. همان‌گونه که کشور هند در اجلاس سران زمین در سال ۱۹۹۲ قاطعانه اعلام کرد، کشورهای در حال توسعه اجازه می‌خواهند، بدون هیچ‌گونه محدودیتی از مزایای صنعتی شدن بهره‌مند شوند؛ ولو این که به معنای آسیب رساندن به محیط زیست جهانی باشد. کشورهای در حال توسعه چنین استدلال می‌کنند که با توجه به مشکلات و فقری که با آن مواجه هستند، این وظیفه کشورهای توسعه یافته است که باید به فکر دست‌یابی و عرضه فناوری‌های بدون آلودگی باشند.

۷. رهبری قوی

بعضی از مسائل زیست محیطی بین‌المللی حل شده‌اند؛ زیرا کشورهای درگیر

با آن‌ها، تحت تأثیر رهبری قدرتمند قرار دارند. این مورد درباره صید تجاری وال اتفاق افتاده است. «کمسیون بین‌المللی صید وال» به کشوری که در صید وال شرکت نمی‌کند، اجازه پیوستن به این کمسیون را نمی‌دهد. ایالات متحده آمریکا یکی از اعضای این کمسیون است. در سال ۱۹۳۳، بوش، و سپس کلینتون، رؤسای جمهور آمریکا می‌خواستند با استفاده از قدرت اقتصادی کشورشان، کشورهای صید کننده وال را مجبور کنند، از صید تجاری وال دست بردارند. مثلاً ایالات متحده به ژاپن که یکی از کشورهای مهم صید کننده وال است، هشدار داد، اگر از صید وال دست نکشد، از ماهی‌گیری این کشور در آب‌های «آلاسکا» که متعلق به ایالات متحده است، جلوگیری می‌کند (صید ماهی از آب‌های آلاسکا، سالانه ۲۵۰ میلیون دلار برای ژاپن سود دارد). با توجه به این که در حال حاضر فقط ۶ کشور در صید وال دست دارند، می‌توان گفت، در مسائل زیست محیطی بین‌المللی که کشورهای زیادی درگیر آن هستند، طبیعتاً هیچ کشوری نمی‌تواند با اجبار، سایر کشورها را به همکاری وادارد.

۸. یک سازمان دولتی جهانی

به علت نبود یک «سازمان دولتی جهانی» که بتواند با اجبار دولت‌های ملی را با هم هماهنگ سازد، همکاری در مورد مسائل زیست محیطی بین‌المللی غالباً با مشکل مواجه می‌شود. البته در حال حاضر، «سازمان ملل» شبیه چنین سازمانی است. اما سازمان ملل فقط یک «شبه دولت» است. یعنی، در حالی که نماینده بسیاری از کشورهای جهان محسوب می‌شود، ولی بدون اختیارات یک دولت ملی ایجاد شده است. در نتیجه، هرگاه دولت‌های ملی ترجیح دهند، سازمان ملل را نادیده می‌گیرند.

برای مثال در سال ۱۹۹۲، سازمان ملل از همه کشورهای جهان درخواست کرد تا

پیمان «تنوع زیستی»^۹ را امضا کنند. این پیمان می‌خواست از انقراض و آسیب به گونه‌هایی از حشرات، حیوانات و گیاهان محافظت کند. اما ایالات متحده آمریکا از امضای آن خودداری کرد؛ چون با مقتضیات ملی‌اش هم‌سویی نداشت.

۹. قوانین سست بین‌المللی

هم‌اکنون بسیاری از توافق‌های زیست محیطی بین‌المللی، به طور قانونی برای کشورها الزام‌آور نیست. به عبارت دیگر، این توافق‌ها سست و فاقد قوانین سخت یا ضمانت اجرایی کافی هستند. زیرا مجموعه‌های بین‌المللی، نظیر سازمان ملل، بر پایه اختیارات قانونی دولت‌های ملی ایجاد نشده‌اند.

۱۰. دشواری کنترل

حتی اگر همه کشورهای مرتبط با یک مسأله زیست محیطی، موافقت‌نامه‌ای را برای حل آن مسأله امضا کنند، اغلب کنترل این که کشورها با محیط زیست چه می‌کنند، دشوار است. مثلاً، انگلستان سیستم بسیار پیشرفته‌ای برای اندازه‌گیری انتشار دی‌اکسید کربن در اختیار دارد، در حالی که کشوری مانند زیمبابوه نمی‌تواند این اندازه‌گیری را انجام دهد. اگر ندانیم چه مقدار دی‌اکسید کربن به وسیله کشورها وارد جو می‌شود، چگونه می‌توانیم آلودگی دی‌اکسید کربن را کنترل کنیم؟

امید به آینده

امکان دارد خوانندگان فکر کنند، با در نظر گرفتن ۱۰ مانعی که در بالا از آن صحبت شد، تقریباً بسیاری از مسائل زیست محیطی معاصر غیر قابل حل هستند. اما این دیدگاه به چهار دلیل درست نیست:

* تاکنون، بعضی از مسائل زیست محیطی که کشورهای زیادی درگیر آن هستند، به طوری مؤثری حل شده‌اند. مثلاً، «توافق‌نامه سال ۱۹۸۷ مونترال» در مورد

CFCها باعث فرایندی شد که تقریباً استفاده از CFCها در بسیاری از کشورهای سراسر جهان را متوقف کرد.

* این مثال و مثال‌های دیگر نشان می‌دهند، امروزه بسیاری از دولت‌ها متوجه شده‌اند، مسائل زیست محیطی آن قدر جدی هستند که نمی‌شود آن‌ها را نادیده گرفت.

* سازمان ملل بودجه‌ای را با عنوان «تسهیلات محیط زیست جهانی» برای کشورها، مخصوصاً کشورهای فقیرتر در نظر گرفته است تا به عنوان بخشی از توافق‌های زیست محیطی بین‌المللی، برای ایجاد شکل‌های تمیزتر توسعه پرداخت شود.

* سرانجام، نباید توانایی کشورها را برای سازش با مزایای همکاری‌های بین‌المللی دست کم گرفت. برای مثال، سیستم جدید «مالیات کربن»^{۱۰} برای جلوگیری از گرم شدن جهان، صدها میلیون پوند هزینه برای کشورهای توسعه یافته در برداشته است. اما این امر باعث نشده است که کشورهایمانند ایالات متحده، انگلستان و... از این سیستم حمایت نکنند.

منبع

International environmental problems, why are they hard to solve? Noel castree, Geography Review vol 14, No3, January 2001.

زیرنویس

1. Noel Caste
2. Earth Summit.
3. 1910 North pacific Fur Seal convention.
4. West Bank
5. Green Peace
6. International Whaling commission
7. chlorofluorocarbons
8. convention on Biodiversity
9. New carbon tax system

تشکیل تلماسه^۱ در بیابان آتاکاما

نویسنده: مارک بروملی (مدیرمس دانشکده مارکهام - لیما)
ترجمه: شهرام بهرامی (دانشجوی دکتری جغرافیای طبیعی دانشگاه تهران)

چکیده

مقاله حاضر شرایطی را که باعث شکل گیری بیابان «آتاکاما» و انواع مختلف تلماسه های موجود در آن شده است، بررسی می کند. این مطالعه شامل مطالعه موردی یک ناحیه بیابانی در جنوب «پرو» است، و شکل گیری تلماسه های «برخانی» (تپه های شنی هلالی شکل با شاخه هایی که در جهت باد قرار گرفته اند)

تعریف خشکی

زمین های خشک را می توان نواحی دچار کمبود دائمی در بیلان رطوبت تعریف کرد. در زمین های خشک، ورودی^۲ (بارش) از خروجی^۳ (تبخیر) کم تر است.

برای اندازه گیری شدت کمبود، از یک شاخص خشکی^۱ بدین شرح استفاده می شود:

$$\text{شاخص خشکی} = \text{PET}/p$$

P برابر است با میانگین بارش سالانه و PET میانگین تبخیر و تعرق بالقوه^۵ سالانه است. با استفاده از این شاخص می توان ۴ نوع خشکی را مشخص کرد:

۱. نواحی بسیار خشک^۶، دارای شاخص کمتر از ۰/۳

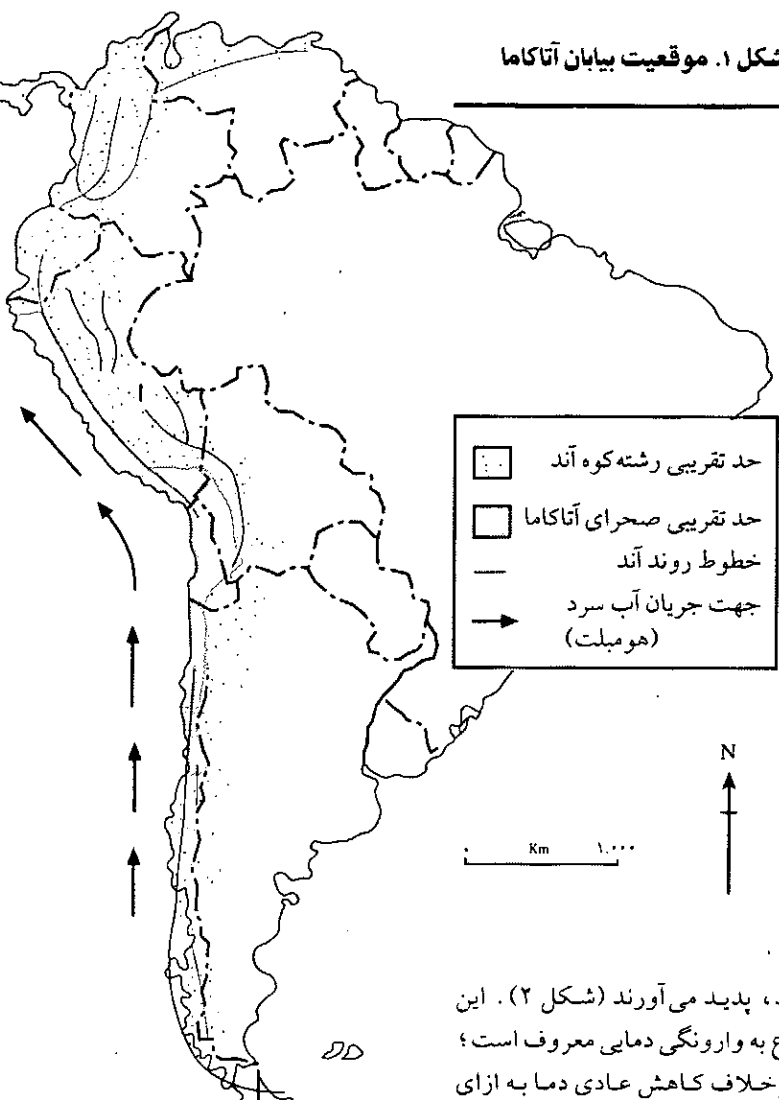
۲. نواحی خشک دارای شاخص ۰/۳ تا ۰/۲

۳. نواحی نیمه خشک از ۰/۲ تا ۰/۵

۴. نواحی نیمه مرطوب، دارای شاخص ۰/۵ تا ۰/۷۵

اغلب، نواحی خشک به عنوان نواحی کمتر از ۲۵۰ میلیمتر و نواحی نیمه خشک دارای بارندگی ۲۵۰ تا ۵۰۰ میلیمتر تعریف می شوند. به هر جهت این ارقام کاملاً مفید نیستند زیرا ورودی های بارش باید همیشه در رابطه با اتلاف تبخیر در نظر گرفته شوند.

شکل ۱. موقعیت بیابان آتاکاما



را مورد توجه قرار می دهد. بسیاری از برنامه های درسی شامل مطالعه شکل های گوناگون پدیده های بیابانی هستند. به علاوه، شکل گیری تلماسه ها موضوعی جالب توجه برای ژئومرفولوژیست ها است.

«آتاکاما» بیابانی بسیار خشک در طول ساحل غربی آمریکای جنوبی است (به تعریف خشکی و شکل ۱ مراجعه کنید). این بیابان که در کشور شیلی^۶ واقع است، با فقدان تقریباً کامل پوشش گیاهی و یک رشته کوه مرتفع، مشخص می شود که ارتفاع متوسط آن ۲۴۰۰ متر است. بیابان از ساحل به طرف بالای دامنه های غربی کوه های «آند»^۹ امتداد دارد. کوه های آند

از ورود بادهای باران آور که به طرف شرق می آیند، جلوگیری می کنند و توسعه رو به شرق بیابان را به خط باریک ساحلی محدود می سازند. محدوده عرضی بیابان، در نتیجه وجود یک جریان ساحلی، توسط ناحیه ای که «وارونگی دمایی»^{۱۰} روی آن توسعه یافته است، تحت تأثیر قرار می گیرد (شکل ۲). شرایط جغرافیایی، یک بیابان بسیار طولانی و کم عرض را ایجاد کرده است که از شمال شیلی تا اکوادور^{۱۱} و حاشیه شمالی پرو امتداد دارد.

دماهای اقیانوسی سردتری که به وسیله جریان اقیانوسی «هومبِلت»^{۱۲} ایجاد می شوند و از ساحل غربی آمریکای جنوبی بالا می روند، درجه حرارت را در امتداد ساحل کاهش می دهند و وضعیتی را که در آن هوای گرم روی هوای سردتر

نزول

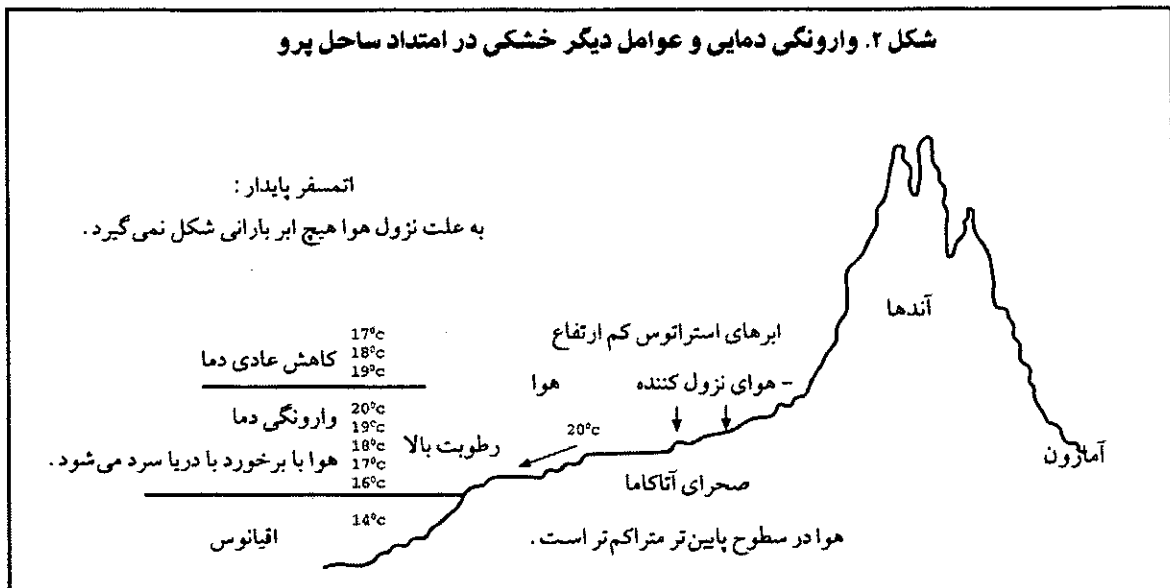
می کند، پدید می آورد (شکل ۲). این موضوع به وارونگی دمایی معروف است؛ زیرا برخلاف کاهش عادی دما به ازای ارتفاع^{۱۳} است. در شرایط وارونگی درجه حرارت، ریزش باران تقریباً غیرممکن است. هوای گرم تری که با هوای سرد نزدیک دریا تماس حاصل می کند، سرد می شود و تراکم زیادی را که به ایجاد مه و رطوبت زیاد منتهی می شود، به وجود می آورد. در اوضاع بیابان نیز، اغلب حالت «ابرناکی» همراه با ابرهای زیاد استراتوس کم ارتفاع که به ایجاد مه و رطوبت زیاد منتهی می شوند، به وجود می آورد. بارش در آتاکاما عمدتاً از مه، و بسیار ناچیز است. باران واقعی در آتاکاما، تنها در طول یک حادثه «ال نینو»^{۱۴}، آن هم هنگامی که جریان اقیانوسی هومبِلت به وسیله آب های

مداری گرم تر جایگزین می شود، امکان پذیر است. حادثه ال نینو، وارونگی دمایی را از میان برمی دارد و ابرهای بارانی می توانند، راحت تر شکل بگیرند. آتاکاما یک صحرای ماسه ای نیست اما دارای نواحی متعددی با ذرات دارای اندازه های مختلف است.

بارندگی در ارتفاعات رشته کوه های آند، رودخانه ها را به طرف ساحل هدایت می کند. بسیاری از این رودخانه ها موقتی هستند و پشت سر خود ذرات ریزی را که منبعی برای شکل گیری تلماسه فراهم



شکل ۲. وارونگی دمایی و عوامل دیگر خشکی در امتداد ساحل پرو



۶ نوع عمده تلماسه به شرح زیر وجود دارد:

۱. «توده‌های ماسه‌ای»^{۱۸} یا «تلماسه‌های به هم پيوسته»^{۱۹} در اندازه‌های متفاوت که توسط باد در پناه بوته‌ها، سنگ‌ها یا تپه‌های منفرد قرار گرفته‌اند.

۲. «تلماسه‌های بادرفتی شلجمی»^{۲۰} با یک رشته ماسه‌ای که در جهت رو به باد دامنه بادرفتی واقع شده‌اند و بازوها خلاف جهت باد را نشان می‌دهند.

۳. رشته‌ها یا تلماسه‌های عرضی که عمود بر جهت باد غالب حرکت می‌کنند و جایی که میدان‌های برخانی به هم می‌رسند، شکل می‌گیرند.

۴. تلماسه‌های شمشری شکل طولی متشکل از رشته‌های موجی شکل که موازی با جهت باد غالب حرکت می‌کنند.

۵. «برخان‌های هلالی شکل»^{۲۱} یا شاخه‌هایی که در جهت باد قرار گرفته‌اند.

۶. پهنه‌های ماسه‌ای با منشأ پیچیده و چندین دوره‌تحمیل اشکال تلماسه‌ای

پیوسته تغییر یابند.

انواع تلماسه

تلماسه‌ها ممکن است به عنوان تپه‌های کوچک، رشته‌ها، پشته‌ها یا تپه‌هایی از مواد دانه‌ای «بادرفتی» منفصل که معمولاً از ماسه هستند، تعریف شوند. به طور کلی، تلماسه‌ها تنها در جایی که منابع ماسه، مثل دریاچه خشک و بسترهای رودخانه‌ای در بیابان یا سواحل ماسه‌ای کنار دریا وجود دارد، توسعه می‌یابند. البته بادهایی با سرعت کافی برای حمل دانه‌های ماسه نیز لازم است. اگرچه، اندازه ذره حمل شده به سرعت باد مربوط می‌شود، اما در واقع برداشت ذرات سیلت و رس‌های ریزدانه توسط باد بسیار مشکل است.

این موضوع بدان علت است که ذرات سیلت و رس، محکم به هم می‌چسبند و سطح هموارتری را شکل می‌دهند. بنابراین، وضعیتی ایجاد می‌شود که در آن، ذرات درشت‌تر ماسه به عنوان تلماسه، روی سطوح بیابانی متشکل از ذرات بسیار ریز آمیخته با سنگ‌ها و صخره‌های درشت‌تر قرار می‌گیرند.

می‌کنند، باقی می‌گذارند. بسترهای دریاچه‌ای خشک که اغلب از نمک پوشیده شده‌اند، شرایط تغییرات آب و هوا را منعکس می‌کنند و هم‌چنین یک منبع ماسه‌ای برای تلماسه‌ها هستند. (شکل ۱، ۲)

تفاوت در انواع تلماسه‌ها

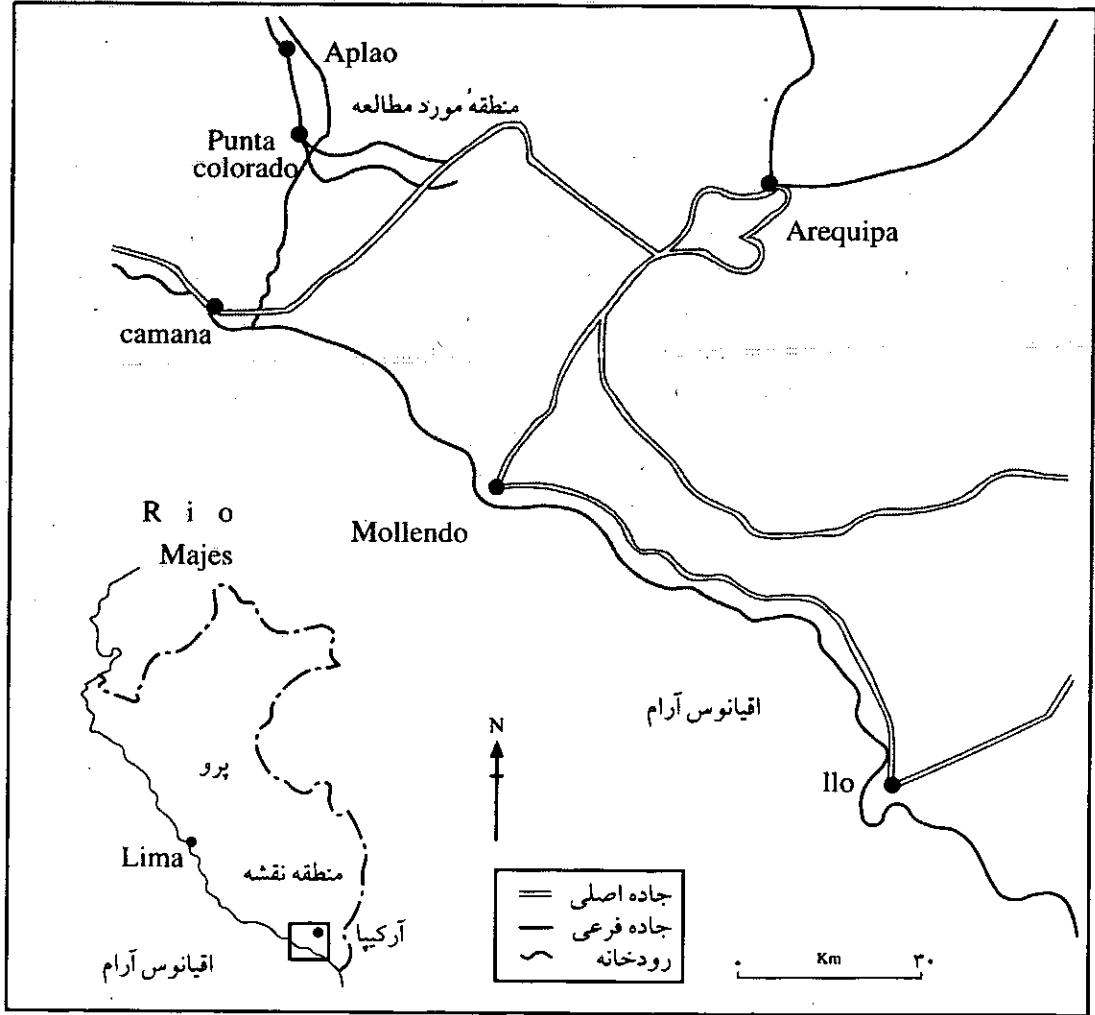
در نواحی دارای ذخیره ماسه فراوان که شرایط برای توسعه تلماسه‌ها مساعد است، تلماسه‌ای شکل می‌گیرد که تحت تأثیر توپوگرافی قرار دارد. این حالت در نواحی بسیار خشک مثل صحرای آتاکاما، جایی که ناهمواری‌های مختلف از توسعه نواحی بسیار بزرگ تلماسه‌های «شمشری» شکل طولی^{۱۵} یا «دریاهای ماسه‌ای مرکب»^{۱۶} (پهنه‌های وسیع ماسه‌ای به هم پیوسته) جلوگیری می‌کنند، قابل توجه است. در واقع در مقیاس جهانی، دریاهای ماسه‌ای، تنها حدود ۲۰ درصد از پوشش سطحی را در نواحی بیابانی دربر می‌گیرند. در صحرای آتاکاما، تلماسه‌ها به نواحی هموار نسبتاً کوچکی محدود هستند. در این جا تلماسه‌های برخانی می‌توانند شکل بگیرند. هنگامی که این تلماسه‌ها تحت تأثیر تغییرات توپوگرافی قرار گیرند، ممکن است به تلماسه‌های «عرضی»^{۱۷} و به هم

Jan	Feb	Mar	Apr	May	Jun	Jul	Aug	Sep	Oct	Nov	Dec
24.3	23.7	23.2	21.6	19.6	17.1	16.1	16.6	18.8	20.5	21.7	22.6
2.1	0.0	3.3	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	tr	0.0	tr	0.0

عرض جغرافیایی: 16°05' جنوبی (°C) درجه حرارت
 ارتفاع ۵۱۰ متر طول جغرافیایی: 72°30'
 منبع: سرویس ملی هواشناسی و هیدرولوژی پرو
 بارش ناچیز غربی (mm) tr=

مختلف که اغلب توسط رسوبات هرمی شکل یا عرضی مشخص می شوند. به علت این که توسعه رو به شرق بیابان آتاکاما محدود است، این صحرا دارای پهنه های ماسه ای وسیع یا تلماسه های شمشیری شکل بیابان های قاره ای مثل بیابان «صحرا»^{۳۳} (در شمال آفریقا) نیست.

جدول ۱. آمار آب و هوایی ایستگاه آپالانو (Aplao)، در آرکیبا (پرو)، ۱۹۹۵

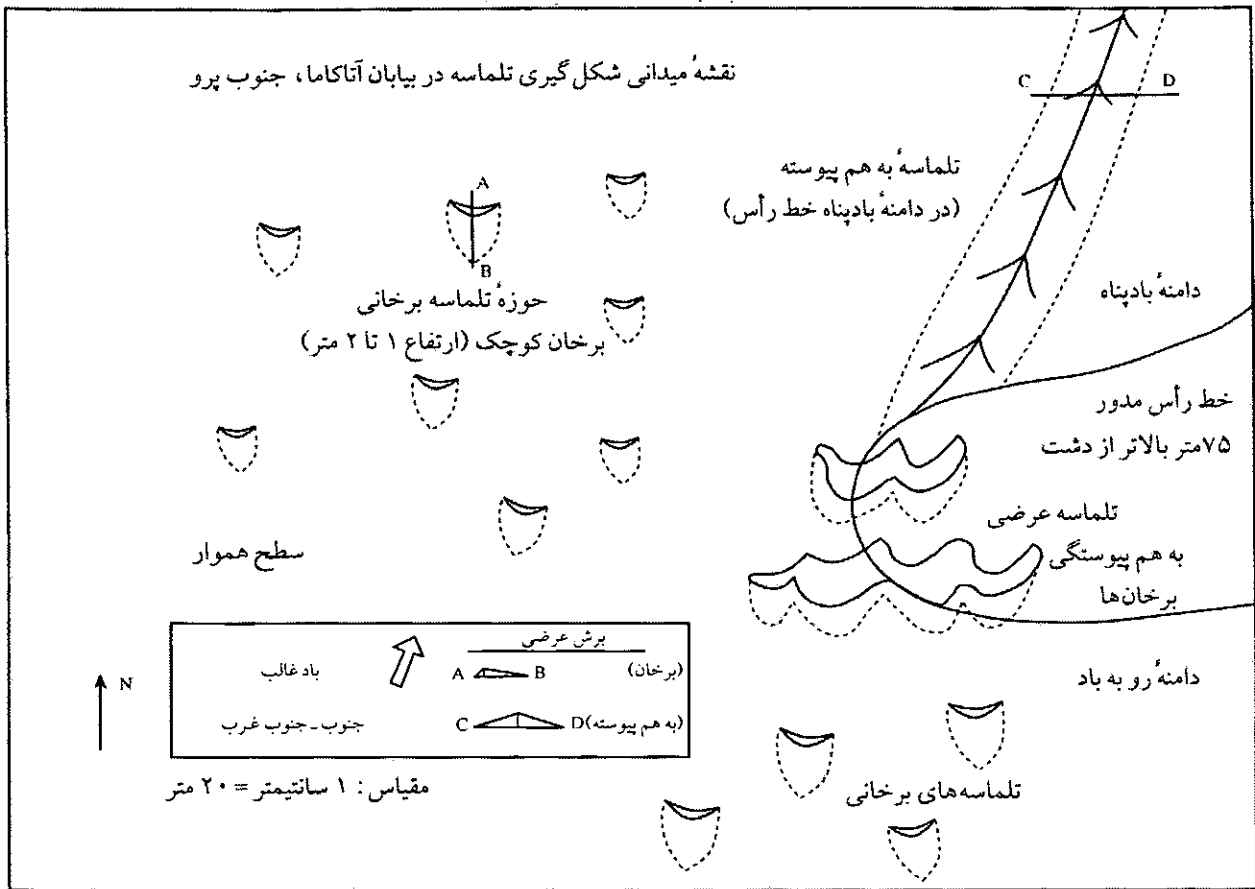


شکل ۳. موقعیت ناحیه مورد مطالعه در جنوب پرو

مهم آرکیبا مورد مطالعه قرار گرفت (شکل ۳). این منطقه دارای ۳ نوع متفاوت تلماسه در مجاورت هم است. منطقه در ارتفاع حدود ۷۰۰ متر واقع شده و دارای یک حوضه تلماسه های برنخانی روی یک ناحیه مسطح کوچک است. باد غالب با سرعت

مورد توجه قرار می گیرند (به جدول ۱ نگاه کنید). محیط های بسیار خشک، براساس فقدان پوشش گیاهی که به توسعه تلماسه کمک می کنند، مشخص می شوند. **مطالعه موردی: آرکیبا^{۳۳}، جنوب پرو** ناحیه ای در جنوب پرو تا جنوب شهر

وجود ناهمواری های نامنظم رشته کوه های آند به معنی آن است که وسعت نواحی، هموار محدود است. این نواحی که در طول ساحل غربی آمریکای جنوبی امتداد یافته اند، به علت وجود دوره های طولانی بدون هیچ بارندگی،



شکل ۴. نقشه ساده میدانی انواع تلماسه

جهت یابی اهمیت دارد (شکل ۵). در ساده ترین حالت، یک تلماسه نامتقارن متحرک شکل می گیرد (شکل ۶). پس این موضوع شرایطی را ایجاد می کند که تحت آن، مجموعه ای از موج ها، که در آن اشکال دائمی تثبیت می شوند، ظاهر می شوند. در آن نواحی که ذخایر ماسه ای برای پوشاندن کل سطح کافی نیست، تلماسه های برخانی غالب هستند. در نواحی ناهموار، آشفستگی^{۲۶} جریان هوا زیادتر است و امکان دارد، جریان های مارپیچی^{۲۷} یا حلزونی^{۲۸} تکامل یابند تا تلماسه های شمشیری موازی با جهت باد را ایجاد کنند. تلماسه های برخانی بررسی شده در این مقاله، حاصل دو جریان مارپیچی و موجی هستند که در شکل ۷ نشان داده شده اند. همچنان که ناهمواری با الگوی جریان هوا برخورد می کند، تلماسه ها به

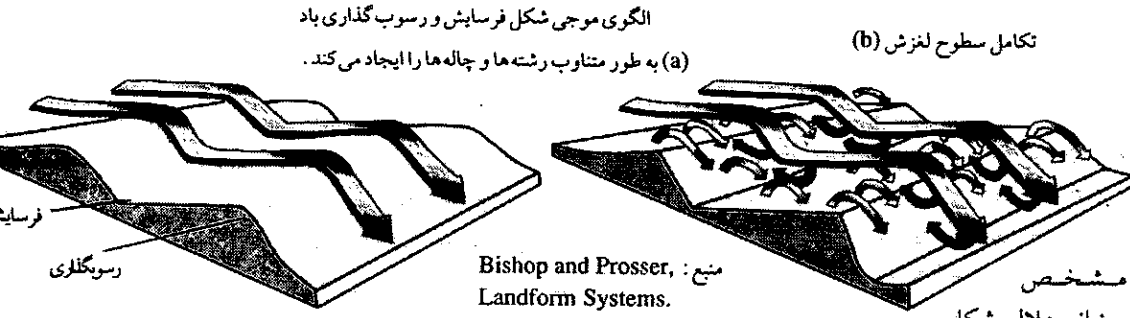
که در خط تند دامنه بادپناه، که مرز «سایه باد»^{۲۴} را مشخص می کند، به جا گذاشته می شود. بنابراین، تغییرات سریع ناهمواری، سه نوع مختلف تلماسه را، همان گونه که در نقشه ساده میدانی نشان داده شده است (شکل ۴)، ایجاد می کند. (جدول ۱) و (شکل ۳)

تأثیر جریان هوا

می توان توزیع تلماسه ها را با بررسی جریان هوا توضیح داد. هرچه سطح ناهموارتر و نامنظم تر باشد، جریان هوایی که در سطح بیابان می وزد، متلاطم تر خواهد بود. در نواحی که جریان هوا به شکل موجی است، تلماسه ها گرایش دارند که جریان هوا را امیل (در زوایای راست) کنند. پیش هایی^{۲۵} (آشفستگی هایی) که در بادپناه قله تلماسه ایجاد می شود، در ادامه این

۸ تا ۷ متر در ثانیه در بعد از ظهر، از جنوب می وزد. تلماسه ها از دانه های ماسه کوارتزی سفید که به وسیله عمل باد به خوبی جور شده اند، تشکیل شده اند. بستر بیابان از قطعات نامنظم کانی های دیگر، بدون جورشدگی با رنگ پرتقالی تشکیل شده است. ماسه های کوارتزی به راحتی توسط باد حمل می شوند. ماسه های برخانی، دارای یک ناحیه منبع، در خلاف جهت باد روی بستر بیابانی هستند که روی آن حرکت داده می شوند. جایی که دشت توسط یک تپه منفرد به ارتفاع حدود ۷۵ متر قطع شود، دامنه عرضی را، هم چنان که حاشیه تلماسه ها با هم پیوند می خورد، شکل دهد. هنگامی که ماسه به رأس این تلماسه ها می رسد، روی دامنه حرکت می کند تا این

شکل های مختلفی
تکامل می یابند.
(شکل ۴. شکل
۵. شکل ۶. شکل ۷).



شکل ۵. تکامل تلماسه های عرضی

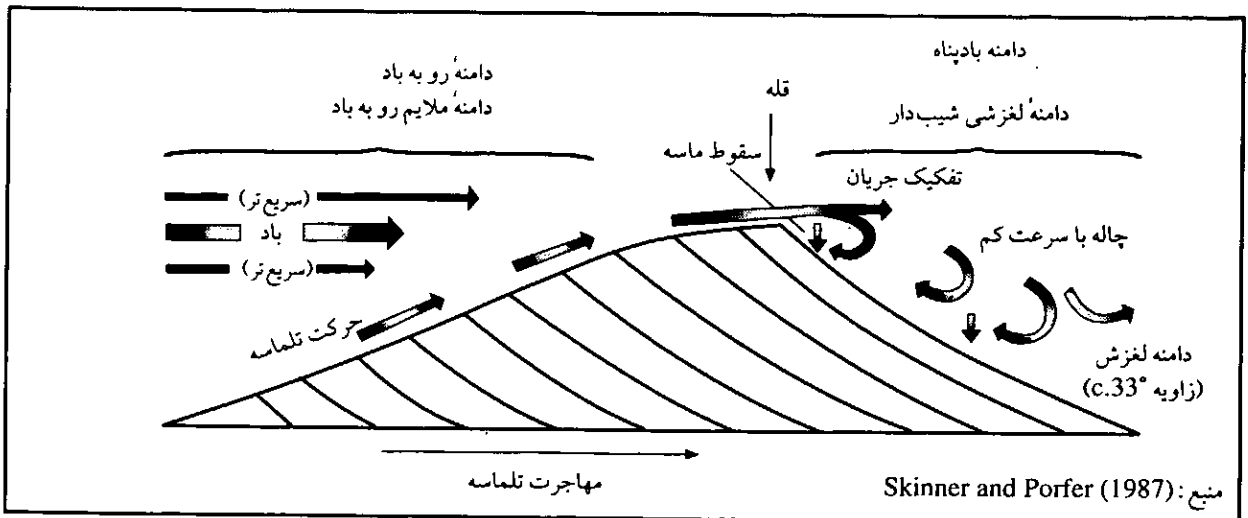
به طور میانگین، فواصل بین شاخه های تلماسه ها، ۳۴ متر بود. بنابراین، عدم دخالت ناهمواری ها، به برخان های تعریف شده اجازه داده است که به مقدار زیادی توسعه یابند. هنگامی که تلماسه ها در عرض جاده ها یا مزرعه ها حرکت می کنند، مورد تهدید قرار می گیرند. در بزرگراه «پنان آمریکن»^{۲۴} مجبور بودند، دائماً ماسه ها را جارو کنند؛ زیرا برخان های در حال حرکت، عمود بر مسیر جاده حرکت می کردند. منظره بیابان، که در نگاه اول بی اهمیت می نماید، به وضوح فرآورده های هوازدگی و انتقال را نشان می دهد. آتاکاما با ناهمواری های مختلف آن مشخص می کند که چگونه انواع تلماسه ها می توانند در فواصل کوتاهی عوض شوند.

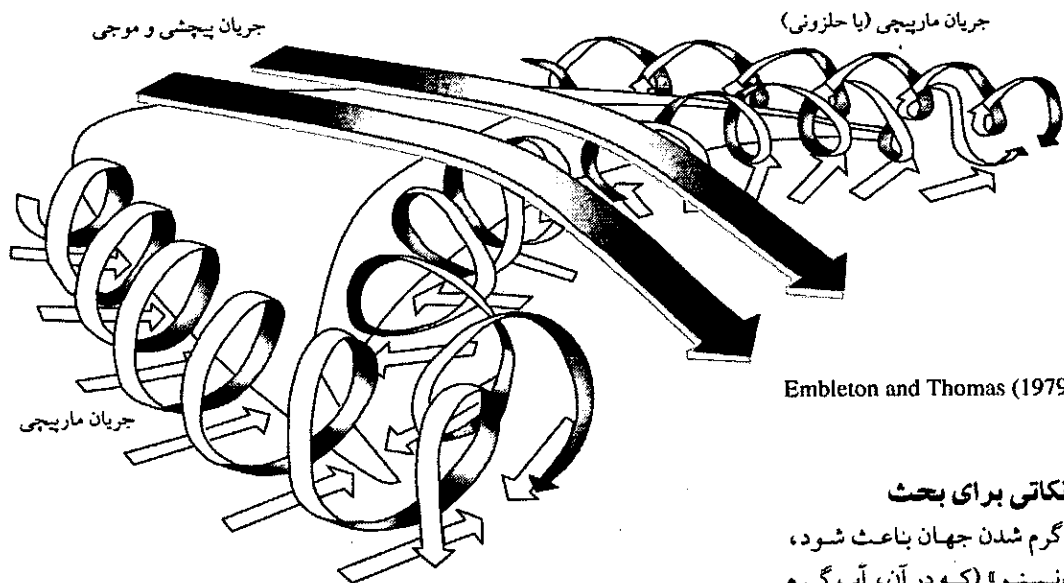
است. برخان ها در نواحی هموار کم وسعت، به اندازه نواحی هموار وسیع تر، توسعه نمی یابند. به عنوان مثال، در ناحیه ذکر شده در بالا، ارتفاع قله برخان ها، ۱ تا ۲ متر بود، دامنه رو به باد، با میانگین شیب ۴/۲ درجه، بسیار وسیع و کم ضخامت بود و دامنه پشت به باد با ۲۸ درجه، پر شیب تر بود، و به طور متوسط، فاصله بین شاخه ها ۲۵ متر بود. اندازه گیری یک حوضه تلماسه بسیار وسیع، حدود ۱۰ کیلومتر دورتر نشان داد که برخان ها، هنگامی که شرایط مهیا باشد، بهتر توسعه می یابند و به ارتفاعی بین ۳ تا ۴ متر می رسند. دامنه رو به باد^{۲۱} یک شیب متوسط ۱۱/۳ درجه و دامنه پشت به باد، ۳۹ درجه داشت.

تلماسه های برخانی

با نگاه از بالا، مشخص می شود که تلماسه های برخانی هلالی شکل با شاخه های در امتداد باد، در جهت باد حرکت می کنند. دامنه بادپناه^{۲۱} پر شیب تر از دامنه رو به باد است زیرا ماسه ها در مجموعه حرکتی به نام جهش^{۲۰} به طرف بالای دامنه کم عمق طولانی، حرکت می کنند. همچنان که ماسه از رأس قله پائین می افتد، در بادپناه قرار می گیرد و بنابراین، دامنه شیب دار ایجاد می شود. شاخه های تلماسه، شیب کم تری دارند. بر همین اساس، ماسه در این قسمت ها سریع تر از بدنه اصلی تلماسه حرکت می کند. هنگامی که برخان را در جهت باد نگاه کنیم، مانند یک تپه کوچک به نظر می رسد. با نگاه در خلاف جهت باد، تلماسه دارای قله تیز کلاسیک است. توسعه حوزه های بزرگ تلماسه های برخانی، نیازمند فواصل یکسان طولانی و ذخایر ماسه ای فراوان از رودخانه های خشک یا بسترهای دریاچه ای

شکل ۶. جریان موجی شکل و شکل گیری یک تلماسه نامتقارن





منبع: Embleton and Thomas (1979):

شکل ۷. جریان هوا و توسعه برخان‌ها

نکاتی برای بحث

۱. اگر گرم شدن جهان باعث شود، حوادث «ال‌نینو» (که در آن، آب گرم جایگزین آب سرد جریان دریایی هومبالت می‌شود) بیش‌تر تکرار شوند، این موضوع چه تأثیری روی منابع رسوبی برای توسعه تلماسه در صحرای آتاکاما خواهد داشت؟
۲. چرا رشته کوه‌های بزرگ مثل «آند»، باران پناه^{۳۳} ایجاد می‌کنند؟

نکات کلیدی

● شرایط بسیار خشک بیابان آتاکاما، به وسیله شرایط وارونگی دمایی ایجاد شده توسط جریان آب سرد که به طرف شمال در امتداد آمریکای جنوبی جریان می‌یابد، به وجود می‌آید. به علاوه، رشته کوه آند به طرف شرق یک اثر باران پناه ایجاد می‌کند.

● فقدان دریاها و ماسه‌ای در آتاکاما به این معنی است که این بیابان در گروه «بیابان‌های سنگی»^{۳۴} طبقه‌بندی می‌شود و با وجود ناهمواری نامنظم، تلماسه‌ها در نواحی معدودی می‌توانند شکل گیرند.

● در آن نواحی که ذخیره ماسه محدود است، شرایط برای توسعه برخان مساعد است.

● برخان‌هایی که به داخل اشکال تلماسه‌ای دیگر وارد می‌شوند، مربوط به ناهمواری‌های محلی هستند که باعث

18. sand drifts
19. tied dunes
20. parabolic blow - out dunes
21. crescent - shaped barchans
22. Sahara
23. Arequipa
24. wind shadow
25. eddies
26. turbulence
27. helical
28. spiral
29. leeward slope
30. saltation
31. wind ward slope
32. pan - American
33. rain shadows
34. stony desert

تغییرات جریان هوا در سطح زمین می‌شوند. همچنین، شکل و مقیاس برخان‌ها، به وسیله ناحیه‌ای که باد روی آن می‌وزد، تعیین می‌شود؛ به طوری که تلماسه‌های برخانی بزرگ‌تر و بهتر توسعه یافته، در نواحی هموار و وسیع یافت می‌شوند.

زیرنویس

1. dune
2. input
3. output
4. aridity index
5. Potential evapotranspiration
6. hyper- arid
7. Atacama
8. chile
9. Andes
10. temperature inversion
11. Ecuador
12. Humboldt current
13. normal adiabatic lapse rates
14. El Nion
15. longitudinal Seif dunes
16. complex sand seas
17. transverse

منبع

مقاله حاضر in the (Dune formation in the Atacama) از مجله Geography Review، شماره ۵، می ۲۰۰۰، صفحه ۳۶-۴۱ ترجمه شده است.

جغرافیا

دکتر شوکت مقیمی

دانش گذشته



حال



و آینده

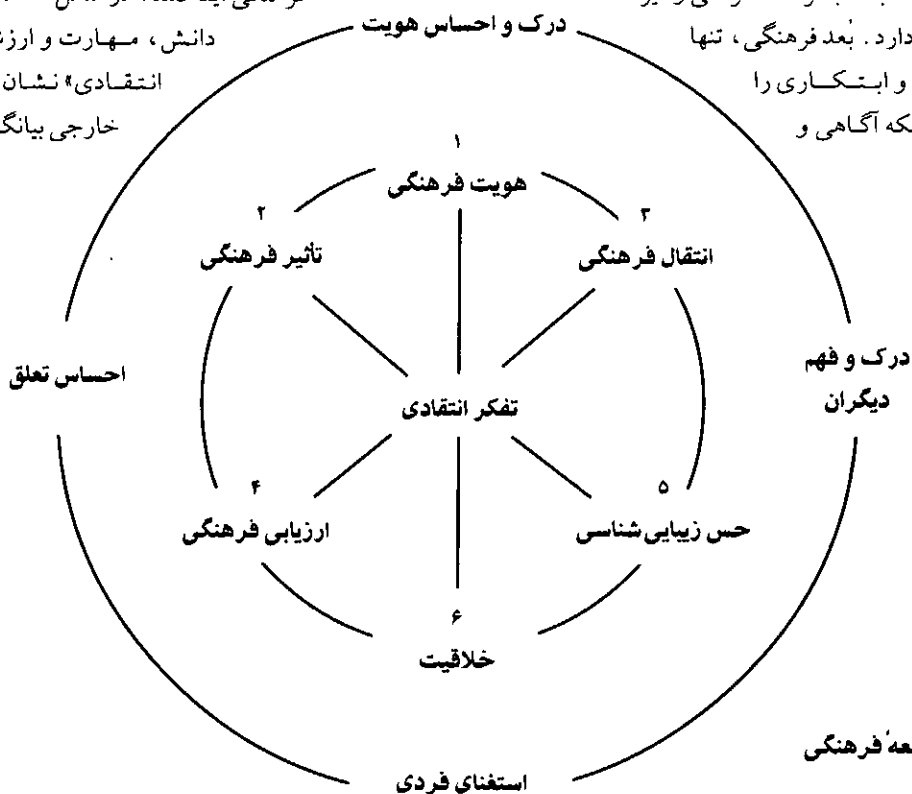
(قسمت دوم)



ابعاد فرهنگی جغرافیا

«فرهنگ» عبارت است از مجموعه ویژگی‌های مادی و معنوی، و فکری و احساسی متمایزی که خاص یک جامعه یا گروه اجتماعی باشد. فرهنگ به ایده‌ها، ارزش‌ها، فرایندها و تولیدات مؤثر بر شیوه تفکر و احساس و زندگی مردم اطلاق می‌شود. فرهنگ هر کشور به فرهنگ تحصیل کردگان و دانش‌آموختگان آن کشور محدود نیست، بلکه با فرهنگ مردمی و میراث فرهنگی هم ارتباط دارد. بُعد فرهنگی، تنها هنرهای خلاق و ابتکاری را دربر نمی‌گیرد، بلکه آگاهی و

درک نقادانه تجربه‌های زندگی و خود شخص را نیز شامل می‌شود. مفاهیم اساسی و کلیدی بُعد فرهنگی، «هویت فردی و جمعی»، «تعلق خاص»، «مالکیت» و «گوناگونی و تنوع» هستند. معلمان و برنامه‌ریزان می‌توانند، با طراحی و آموزش مهارت‌ها، دادن اطلاعات و تقویت ارزش‌هایی همچون احساس تعلق و چگونگی ارتباط با سایر فرهنگ‌ها و گروه‌ها، نقش مهمی در انتقال فرهنگی ایفا کنند. در شکل ۱، دایره داخلی رابطه دانش، مهارت و ارزش را با «تفکر انتقادی» نشان می‌دهد. دایره خارجی بیانگر هدف‌ها یا نتایج



شکل ۱. رشد و توسعه فرهنگی

● بررسی و بیان باورها، ایده‌ها، احساسات و اقدامات جوامع از طریق اشکال گوناگون ارتباطی.

● طرح سؤال‌ها، تجزیه و تحلیل و ارزیابی پاسخ‌ها و عکس‌العمل‌های افراد در موقعیت‌ها و شرایط فرهنگی یکسان.

شناخت هویت و حفظ آن

دانش‌آموزان همیشه نسبت به محل زندگی و محیط اطراف خود بیش از سایر مناطق و حتی کشورشان دلبستگی و علاقه نشان می‌دهند؛ زیرا در آن‌جا هویت خود را به راحتی شناسایی می‌کنند. هر جامعه از مجموع افرادی که در آن فضا و مکان زندگی می‌کنند، تشکیل می‌شود و هویتی که اساس آن بر احساس تعلق و وابستگی به یک گروه همسان استوار است، در افراد به وجود می‌آورد. افراد، به ویژه کودکان و جوانان، باید بدانند کیستند، از کجا آمده‌اند، برای چه در این‌جا هستند، چگونه با دیگران باید ارتباط برقرار کنند و چگونه آن‌ها را درک کنند.

دانش‌آموزان باید بیاموزند که هویت فرهنگی خود را حفظ کنند و آن را به دیگران انتقال دهند. برای رسیدن به این هدف لازم است، به دانش، شناخت و مهارت کافی و متناسب با محیط زندگی خود مجهز باشند. رسانه‌های ارتباطی به ویژه تلویزیون‌های بیگانه، از طریق سیستم‌های ماهواره‌ای جوانان را وارد جهانی می‌کنند که در آن، بین خواسته‌های جوانان و بزرگسالان و فرهنگ قومی و ملی، تضاد چشم‌گیری وجود دارد. در چنین شرایطی، مهارت‌ها، فعالیت‌ها و فرهنگ‌هایی که پایه و اساس زندگی به شیوه سنتی و قومی هستند، رو به انحطاط و ضعف می‌روند. بنابراین، هنگامی که اطلاعات علمی و فرهنگی مانند بمب، مغز هزاران بلکه میلیون‌ها کودک، جوان و بزرگسال را مورد تهاجم قرار می‌دهد، ما در کشورمان جز با تقویت فرهنگ غنی «اسلامی-ایرانی» و تقویت ایمان و اعتقاد به آرمان‌های «دینی-ملی»، نمی‌توانیم در مقابل جنبه‌های منفی این سیل خروشان مقاومت کنیم.

آموزش جغرافیا، دانش‌آموزان را برای زندگی در شهر، روستای محل زندگی، کشور و جهان آماده می‌سازد. به آنان هویتی می‌بخشد که مبتنی بر سلسله مراتب است و در این سلسله مراتب، محل تولد و محل زندگی اجزای ثابت محسوس می‌شوند. وابستگی منطقه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا سبب می‌شود تا عوامل هویت در مکان، دارای معنی و مفهوم شوند. حافظه جمعی، فرهنگ و اساطیر، زیربنای اصلی هویت را تشکیل می‌دهند.

برای این که جوانان هویت خود را پیدا کنند، ابتدا باید بدانند

حاصل از توسعه فرهنگی است. «سواد فرهنگی» به دانش مورد نیاز مردم گفته می‌شود که برای مطالعه در زمینه‌های نژادی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر فرهنگ ملی، لازم و ضروری است.^۱ فرهنگ اول فرد، به وابستگی او به نژاد، ناحیه و محل زندگی‌اش که بدان پای‌بند است، اختصاص دارد. فرهنگ دوم جهانی است و در آن، مردم از طریق زبان اطلاعات، کنایه‌ها و تصورات و انگاره‌ها با یکدیگر ارتباط دارند. در جغرافیا، در ساخت اصطلاحاتی از دانش محلی و اطلاعات جهانی درباره فرایندها و رویدادهای ویژه و مخصوص جهان (مانند مناطق زلزله خیز یا مسیر حرکت مهاجران)، تشریح مساعی وجود دارد. (شکل ۱)

مردم هر کشور باید قادر به گفت‌وگو با یکدیگر باشند. علاوه بر این، باید بتوانند، در مورد مسائل مشترک نیز با هم به گفت‌وگو بنشینند. اگر چارچوبی برای بیان و گفت‌وگوی فرهنگی مطرح شود، با آموزش جغرافیا می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد تا بخش‌هایی از این بیانیه را درک کنند. بحث توسعه فرهنگی به طور جدی در آموزش جغرافیا قابل طرح است و از این طریق می‌توان، به آموزشی برای گفت‌وگو دست یافت. به این منظور، دانش‌آموزان باید به مواردی به شرح زیر بپردازند:

● شناخت باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، و گذشته تاریخی که شکل‌دهنده و پایه استنباط و بینش و مبین انسجام و یکپارچگی یا برخوردها و مخالفت‌ها در گروه‌ها و جوامع، در گذشته و حال است.

● آشنایی با این امر که شناخت هر فرد در حیطه طیفی از تأثیرات فرهنگی در سطوح محلی، ناحیه‌ای، ملی، قاره‌ای و جهانی قرار دارد.

● تبیین چگونگی جنبه‌های فرهنگی مؤثر در شیوه‌های تفکر، احساسات، ابداعات، رفتار و زندگی فردی، گروهی و اجتماعی.

● مطالعه و بررسی جنبه‌های گوناگون فرهنگ‌هایی که با یکدیگر تعامل دارند، تغییر می‌یابند یا باقی می‌مانند. تشخیص مشارکت فرهنگ‌ها از نظر تولید دانش، رویدادهای تاریخی، ویژگی‌های فردی و گروه‌های ویژه برای ارزیابی فرهنگ‌های مختلف.

● آشنایی با اشکال گوناگون درک و فهم و تجربه، آداب و رسوم، مجموعه آثار و گنجینه‌های فرهنگ‌ها، و چگونگی رشد ادراکات و احساس زیبایی‌شناختی و فرهنگ لغات آن‌ها.

نظام‌مند جهان درک درستی کسب کنند. بدانند که گذشته، حال و آینده باهم ارتباط دارند و درهم تنیده‌اند و بین مسائل جهانی وابستگی‌های متقابلی وجود دارد. آن‌ها باید بتوانند درکی فراگیر از توانایی‌های خود داشته باشند و استقلال و اقتدار فردی خود را تعالی بخشند.

ابعاد اخلاقی

اخلاق هر فرد مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه، قوانین اجتماعی و آداب و رسوم است. این ترکیب در انجام کارهایی که با عمل صحیح یا غلط همراه است، اغلب با تنش و کشش شخصی همراه می‌شود. اکثر مدارس برای رشد دادن عادت‌ها و خصوصیات مورد نظر فرد، قوانین و سیستم‌هایی دارند. ارزش‌ها و هنجارهایی را تشویق می‌کنند یا با برخی از آن‌ها مخالفت می‌ورزند و از آموزش آن‌ها سر باز می‌زنند. از گذشته‌های دور، ابعاد اخلاقی در آموزش جغرافیا مطرح بوده است. به همین دلیل، برای برنامه‌ریزی و آموزش «آینده‌نگر» لازم است، برنامه‌ریزان و معلمان جغرافیا به این جنبه از آموزش توجه کنند؛ از جمله:

- به دانش‌آموزان کمک کنند، نسبت به ابعاد اخلاقی موضوعات و شیوه‌های تشخیص درست از نادرست شناخت پیدا کنند تا بینش و بصیرت آن‌ها تقویت شود و بتوانند به مجموعه‌ای از تعهدات و اعتقادات که راهنمای زندگی آن‌ها باشد، دست یابند.
- به دانش‌آموزان امکان و فرصت دهند تا دیدگاه‌ها، احساسات و ارزش‌ها و علایق خود را بیان کنند.
- دانش‌آموزان را تشویق کنند، در برابر کارها و انتخاب‌های خود احساس مسؤلیت داشته باشند و پیامدهای آن‌ها را به عهده بگیرند.
- برای راهنمایی دانش‌آموزان، در مورد رفتارها و اعمالی که می‌توانند تغییر ایجاد کنند، ارزش‌های مستدل و اصولی ارائه دهند.
- دانش‌آموزان را به سمت علایق و دل‌بستگی‌های صحیح راهنمایی کنند.

ارزش‌ها

ارزش‌ها مبنای جهان‌بینی ما را تشکیل می‌دهند و به مدد آن‌ها، تجربه‌های خود را تفسیر می‌کنیم. اگر این اصول را به دانش‌آموزان بیاموزیم، و به آن‌ها بی‌تفاوتی، بی‌ارتباط بودن ارزش‌ها با آمادگی برای زندگی آینده، و بی‌توجهی به اخلاق و معنویات را القا کنیم، تعلیم و تربیت بدون هدف خواهد شد. چند مورد از مهم‌ترین ارزش‌ها در جغرافیا عبارتند از:

محل زندگی آن‌ها در جهان چه موقعیت و شرایطی دارد و چرا به این صورت درآمد است. این امر برنامه‌ریزان و معلمان را موظف می‌کند که برنامه‌ریزی را توسعه دهند تا برای پرسش‌های دانش‌آموزان پاسخ مناسبی تدارک ببینند؛ پرسش‌هایی از این دست:

- انسان و جغرافیا در جامعه چه وضعیتی دارند؟ (مکان، فضا، ارتباط محیط و مردم)
- انسان و جغرافیا در جامعه چه نقشی ایفا می‌کنند؟
- مردم چگونه باید درک کنند و ادراکات خود را چگونه با تاریخ، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و محیط‌های طبیعی مؤثر در زندگی پیوند دهند؟
- مردم با شناخت هویت، آرمان‌ها و احساسات تعلق، مقاصد و هدف‌های خود در زندگی، چه چیز را باید تدارک ببینند؟

شناخت پیوستگی جهان

جهان امروز، جهانی به هم پیوسته است. فناوری جدید، وسایل و ابزارهای را در اختیار انسان قرار داده که به وسیله آن‌ها، جهان به صورت مجموعه‌ای نظام‌دار (سیستماتیک) و به هم پیوسته درآمد است. این پیوستگی با پیشرفت فناوری روز به روز بیش‌تر می‌شود. اگر در یک روستا، کارخانه یا شهر پیشرفتی به دست آید، بر سایر نقاط جهان اثر خواهد گذاشت؛ و لو این اثر اندک و جزئی باشد. اگر در گوشه‌ای از جهان اکتشاف، اختراع، تحول فکری یا کودتایی روی دهد، در کشور، شهر و حتی روستایی دور دست، تأثیر آن را می‌توان دید. توان و زیبایی جغرافیا به ما اجازه می‌دهد که شبکه‌های ارتباطی بین مردم، مکان‌ها و محیط‌ها را ببینیم، آن‌ها را درک کنیم و از آن‌ها استفاده کنیم.

جغرافی‌دان، در مقیاس کوچک می‌تواند، رابطه بین فعالیت فروشندگان محلی و شلوغی خیابان‌ها، شیوه‌های کاربری اراضی کشاورزی و سیاست مسؤلان امور املاک را تشخیص دهد. در مقیاس بزرگ نیز او می‌تواند از رابطه بین توفان‌های شدید و ضررهای احتمالی ناشی از تصادف اتومبیل‌ها در جاده‌ها، یا حرکت فصلی کارگران مهاجر جویای کار و گردشگران در جست‌وجوی آفتاب سوزان و گرم، در سطح و مقیاس جهانی آگاه شود. فردی که دارای اطلاعات جغرافیایی است می‌تواند، ارتباط بین دوره‌های خشک‌سالی و انسان‌های گرسنه ساحل آفریقا، صدمات ناشی از انفجار اتمی «چرنوبیل» و تأثیر طولانی مدت آن‌ها بر سلامتی انسان، تأثیر تشکیل اتحادیه اروپا در اقتصاد جهانی و نقش قطع درختان جنگل‌های استوایی در آب و هوای جهان را درک و احساس کند. دانش‌آموزان باید بتوانند به صورت نظام‌دار فکر کنند، پدیده‌ها و وقایع را با مجموعه پیچیده‌ای از تعامل‌ها ببینند، و از ماهیت

خود

هر فرد، توان و ظرفیت عقلی، اخلاقی، معنوی و رشد فیزیکی خاصی دارد و باید فرصت‌هایی برای انعکاس تجربیات شخصی و فعالیت‌های اجتماعی داشته باشد تا بتواند آن‌ها را با یادگیری‌های قبلی‌اش ارتباط دهد و بینش جدیدی به دست آورد. او خود باید کشف کند و «خوب» و «بد» را از هم تشخیص دهد تا به رشد و بالندگی برسد. بر پایه ارزش‌ها، ما باید:

- درک و شناخت خود را از ویژگی‌ها، توانایی‌ها و ضعف‌هایمان تقویت کنیم.
- برای خود و انضباط فردی احترام قائل شویم.
- معنی و هدف زندگی، نحوه تصمیم‌گیری، و ایده‌آل‌های زندگی خود را تبیین و روشن کنیم.
- برای رعایت قانون و استفاده از امکانات، فرصت‌ها، استعدادها و توانایی‌های خود، مسئولیت بپذیریم.
- در تمام مراحل زندگی، برای کسب دانش، خرد، درک و فهم، سعی و تلاش مداوم داشته باشیم.

روابط

- ما انسان‌ها را باید با خودشان مقایسه و ارزیابی کنیم. نباید بر اساس آنچه که دارند یا کارهایی که می‌توانند برای ما انجام دهند، آن‌ها را بسنجیم.
- ما رابطه خود را با دیگران، بر اساس رضایت خاطر خود و خوب بودن آن برای جامعه، بسنجیم و ارزیابی می‌کنیم. بر پایه این ارزش‌ها و نگرش‌ها، ما باید:
- به تمام افراد بشر، از جمله کودکان احترام بگذاریم.
 - از دیگران مراقبت کنیم و حسن‌نیت خود را در رفتار و معاشرت با آنان نشان دهیم.
 - نشان دهیم که همه انسان‌ها مهم و باارزش هستند.
 - وفاداری، صداقت و اعتماد خود را به دیگران نشان دهیم.
 - با دیگران در کارها مشارکت و همکاری داشته باشیم.
 - به تنهایی، خلوت و مالکیت خصوصی دیگران احترام بگذاریم.
 - برای رفع اختلافات، گفت‌وگوی دوستانه و توأم با آرامش را پیش بگیریم.

جامعه

ما برای حقیقت، آزادی، عدالت، حقوق انسانی و حاکمیت

همزیستی: هنگامی آموزش «همزیستی مسالمت‌آمیز» از طریق آموزش درس جغرافیا امکان‌پذیر است که دانش‌آموزان از تعلیمات مورد نیاز، از طریق این درس بهره‌مند شوند. ما نمی‌توانیم مکتب عقیدتی، ارزش‌ها و هنجارهای «دینی-ملی» را نادیده بگیریم. بلکه موظفیم، با نظام‌های ارزشی خود و دیگران آشنا شویم و ترتیبی اتخاذ کنیم که میان این نظام‌های متفاوت ارتباط برقرار شود.

مشارکت: دانش جغرافیا مردم را به مشارکت فعال و سازنده در امور مربوط به سیاره زمین فرامی‌خواند. با تقویت و تعمیق ارزش‌ها و دادن آگاهی‌های لازم به دانش‌آموزان، آن‌ها قادر خواهند بود، در امور جامعه خود و حتی جهان، مشارکت مؤثری داشته باشند و مهارت‌های لازم برای تصمیم‌گیری‌های اساسی و اقدامات اصلی برای اداره جامعه در آینده را فرا بگیرند. دانش‌آموزان باید شیوه‌های مشارکت در مدرسه و جامعه را بررسی و کشف کنند، نحوه مشارکت را تمرین کنند و قدرت تشخیص و فضاوت خود را برای شرکت در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت در فرایندهای اجتماعی پرورش دهند.

احساس تعلق: وظیفه اصلی جغرافیا ایجاد پل‌های ارتباطی بین مناطق مختلف جهان است. ما برای رسیدن به جهان شمولی باید از کلیه ابعادی که نزدیکی و همدلی ایجاد می‌کنند، درک کاملی به دست آوریم و از بی‌عدالتی‌های اجتماعی نیز آگاه شویم. به عبارت دیگر، جغرافیا به ما می‌آموزد که چگونه به محیط‌های زندگی و جهان احساس تعلق کنیم. مدت مدیدی است که در آموزش جغرافیا «احساس تعلق به مکان» مطرح شده است. این احساس که بر اساس روش‌های رایج در نیمه اول قرن حاضر تشخیص داده شد، معمولاً جنبه‌های ملی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

بیانیه ارزش‌ها

در سال ۱۹۹۶ میلادی، یک گردهمایی با هدف تعیین «ارزش‌ها» برگزار شد تا مشخص شود: «آیا ارزش‌هایی وجود دارند که جامعه بتواند روی آن‌ها به طور مشترک به توافق برسد؟» در جلسات گردهمایی، تعدادی از این ارزش‌ها شناسایی شدند. همه شرکت‌کنندگان در آن عقیده داشتند که جامعه به طور کلی با این بیانیه موافق خواهد بود. از ۵۰۰ نفر نیز نظرخواهی شد و پاسخ‌های آن‌ها نشان داد که در این زمینه توافق جمعی وجود دارد.

پیشنهاد همایش این نیست که مدارس و معلمان خود را به این ارزش‌های پیشنهادی محدود کنند. به علاوه، هیچ لزومی ندارد که «ارزش‌ها» به شیوه و روش خاصی تفسیر شوند. بیانیه ارزش‌ها در چهار محور «خود»، «روابط»، «جامعه» و «محیط» مطرح شد.

قانونی ارزش قائلیم. به خانواده، به عنوان کانون عشق و محبت و حمایت از اعضای خود، احترام می‌گذاریم و آن را پایه و اساس اجتماع می‌دانیم. بر پایه این ارزش‌ها، ما باید:

- مسؤلیت خود را به عنوان یک شهروند درک کنیم و به آن عمل نماییم.
 - ارزش‌ها و اقدامات مضر به حال فرد و جامعه را نپذیریم.
 - از خانواده‌هایی که فرزندان خود را خوب تربیت می‌کنند و در رشد و ارتقای آن‌ها می‌کوشند، حمایت کنیم.
 - به افراد در شناخت حقوق و قانون کمک کنیم.
 - به رعایت قانون احترام بگذاریم و دیگران را به این کار تشویق کنیم.
 - به مذاهب و فرهنگ‌های گوناگون احترام بگذاریم.
 - دادن امکان و فرصت به همه را رواج دهیم و آن را تشویق کنیم.
 - از افرادی که در زندگی شرایط مناسبی ندارند، حمایت کنیم.
- همچنین، سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار باید مردم را برانگیزند تا در فرایندهای مردم‌سالارانه، در تمامی بخش‌های اجتماعی، مشارکت داشته باشند. آن‌ها وظیفه دارند، مشارکت همگانی برای بهره‌برداری منصفانه از منابع فرهنگی و اقتصادی، و اولویت قائل شدن برای ارزش‌هایی همچون حقیقت، حسن نیت، امانت‌داری، درستی و صداقت در زندگی فردی و جمعی را تشویق کنند و ترویج دهند.

محیط

- محیط‌های طبیعی و انسانی، به عنوان پایه و مبنای زندگی و منبع الهام و شگفتی، برای همه ما ارزشمندند. بر پایه این ارزش ما باید:
- مسؤلیت خود را برای حفظ محیطی سالم و پایدار در آینده بپذیریم.
 - درک کنیم که مکان زندگی انسان در درون طبیعت قرار گرفته است.
 - در قبال سایر محیط‌ها هم احساس مسؤلیت کنیم.
 - توسعه عدالت اجتماعی را تقویت کنیم.
 - هر جا که امکان دارد، تعادل و تنوع در طبیعت را تقویت کنیم.
 - محدوده‌های زیبا و جالب را، برای نسل آینده هم حفظ کنیم.
 - در صورت امکان، محیط‌هایی را که بر اثر توسعه زندگی انسان و سایر عوامل تخریب شده‌اند، بازسازی کنیم.

نگرش‌های گوناگون به جهان

هرکس بینش و دیدگاه خاص خود را دارد و پدیده‌های جهان را براساس آن درک می‌کند. به عبارت دیگر، افراد واقعیت را در قالب و چارچوب فکری و ادراکی و طبق فرضیات خود تعبیر و

تفسیر می‌کنند. اطلاعات و تصاویر جدیدی که ذهن دریافت می‌کند، با گذشته ارتباط می‌یابد و براساس دیدگاه‌ها و پیش فرض‌های فردی، اولویت‌بندی و انتخاب می‌شوند و بقیه در حاشیه قرار می‌گیرند یا رد می‌شوند. در این امر باورها، عقاید، ویژگی‌های فرهنگی سطح آگاهی و طرز تفکر فرد نقش قاطعی دارد. شیوه تفکر فرد بر تحلیل و تفسیر و عکس‌العمل او نسبت به موضوع اثر می‌گذارد.

با این توضیحات، دانش‌آموزان باید دریابند که دیدگاه آنان نسبت به جهان مانند دیدگاه سایر افراد نیست. دیدگاه‌ها و نظرات افراد بشر تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند: سن، طبقه اجتماعی، فرهنگ، اخلاق، جنسیت، مکان‌های جغرافیایی، جهان بینی (ایدئولوژی)، زبان، ملیت و نژاد قرار می‌گیرد. پس لازم است، دانش‌آموزان تحمل دیدگاه‌های دیگران را داشته باشند تا بتوانند مفروضات خود را زیر سؤال ببرند، تفکر و تخیل خویش را تقویت کنند و تفکر چندجانبه را در خود پیروانند. این فرایند موجب بازنگری عمیق در ماهیت مشکلات و راه‌حل آن‌ها خواهد شد.

اطلاعات و درک ما از جهان

اطلاعات جغرافیایی فراوانند و به همین دلیل لازم است، اطلاعات تلخیص و برگزیده شوند. ابتدا باید مشخص شود که از این اطلاعات چه استفاده‌ای خواهد شد. آیا قرار است کتاب درسی نوشته شود یا می‌خواهند «سی‌دی» یا یک فیلم مستند تلویزیونی تهیه کنند؟ اطلاعاتی که ما در مورد جهان داریم، اغلب مخدوش، ناقص یا مغرضانه‌اند و همیشه با واسطه به ما می‌رسند. بنابراین، ما مجبوریم، در چگونگی استفاده و درکی که از آن‌ها داریم، توجه و دقت زیادی به خرج دهیم. این نتیجه‌گیری باید به ما در فهم و درک دانش جغرافیا کمک کند.

درک سه مرحله‌ای دانش جغرافیا

مرحله ۱: اطلاعات و دانش ما مخدوش، ناقص و همراه با غرض است.

ما از طریق تلویزیون، رایانه، روزنامه، کتاب (درسی و غیردرسی)، معلم، خانواده و دوستان خود، داده‌ها و اطلاعاتی به دست می‌آوریم. برخی از این اطلاعات و داده‌ها مخدوش، مبهم، ناقص یا همراه با غرض هستند.

مرحله ۲: دانش ما مشروط است.

نگرش و دیدگاه ما در استفاده از اطلاعات، نامشخص، وابسته

و غیر قطعی است؛ زیرا:

الف) تجربه ما (یا بی تجربگی ما) ممکن است، در شکل دادن اطلاعات به روش های مخصوصی که ما احساس می کنیم، تأثیر بگذارد. از طرف دیگر، تجربه و احساس ما ممکن است در شرایط و زمان های مختلف تغییر کند.

ب) اطلاعات ما معمولاً کامل نیست. شواهد و تجربیات بیش تر یا کسب اطلاعات جدید، به طور مداوم دانش و آگاهی ما را نسبت به جهان تغییر می دهند.

مرحله ۳: دانش ما همیشه در حال گسترش است.

اطلاعات و دانش ما درباره جهان ناشی از نگرش و دیدگاه ماست. این نگرش و دیدگاه می تواند، بر اثر یادگیری، تا حد زیادی تغییر کند:

الف) از طریق تجربه و حواس (شنیدن، بویدن، دیدن، لمس کردن و...).

ب) از طریق فرایندهای درونی تفکر (آنچه که از طریق تجربه های گوناگون در موردشان فکر و آن ها را احساس می کنیم).

ابعاد اجتماعی جغرافیا

«بعد اجتماعی»، به بیانی ساده درباره اشکال اصلی جوامع و کارکرد اجتماعی بحث می کند. با مطالعه جغرافیا می توان پیشنهادات و راه حل هایی درباره موارد یاد شده ارائه دهند. دانش آموزان باید درباره مکان زندگی خود و فرایندهای مؤثر در آن، به کسب اطلاعات دست بزنند و احتمالاً نقشی فعال در محیط پیرامون خود ایفا کنند. این ایفای نقش به ارزش های حاکم در جامعه و چگونگی ارزش ها، باورها و اعتقاداتی بستگی دارد که باید بیاموزند.

آموزش از گذشته تا به امروز، نقش فعالی در قبول ارزش ها، مقررات، باورها، پیشداوری ها و تعصبات داشته است. شاید افراد با شناخت واقعیت ها و آموزش جغرافیا بتوانند، به بسیاری از خواسته ها و نیازها پاسخ دهند، آن ها را درک کنند و با تجزیه و تحلیل مسائل، چگونگی ارتباط بین جامعه و آموزش را نشان دهند. در عصر حاضر، مسائلی همچون: سیاست های جهانی شدن، کارایی و نیازهای ما در برابر خطرات جهانی شدن فرهنگ و اقتصاد، تأثیر و تأثر متقابل اعتقادات و باورهای ما و این آسیب ها، به طور جدی مطرح هستند.

مهارت های شهروندی

سلامت و پویایی جامعه تا حد زیادی به شهروندانی وابسته است که برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی احساس تعهد و

مسئولیت کنند و از مهارت های لازم برای تصمیم گیری و عمل در امور اجتماعی و از آگاهی لازم در این زمینه، برخوردار باشند. به عبارت دیگر، افراد جامعه باید «جامعه پذیر» شوند. می دانیم که جامعه پذیری، فرایندی است که طی آن، افراد گرایش ها، ارزش ها و اعمالی را که به عنوان شهروند باید انجام دهند، می آموزند. برای تربیت شهروندانی مسؤول، علاوه بر شناسایی نهادهای مردم سالارانه، لازم است به اخلاق و حس مسئولیت در زمینه های گوناگون اجتماعی و فردی، محیط زیست، تندرستی و عدالت دست یافت. به این منظور باید برای شهروندان و دانش آموزان آموزش بین فرهنگی و چندفرهنگی در نظر گرفته شود. در واقع، هدف باید شناخت فرهنگ خودی و ارج نهادن به فرهنگ ملل همسایه و در نهایت، فرهنگ جهانی باشد.

آموزش «مهارت های شهروندی» به همه شهروندان ضروری است. ارتقای مهارت های ارتباطی گفت و شنود، همراه با توانایی کار کردن به عنوان عضوی از گروه برای رشد شهروندان جدید، کاری اصولی و بنیادی است. آموزش و پرورش باید شهروندانی را تربیت کند که:

- روحیه جست و جوگری داشته باشند و بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند.
- به مسائل جهانی بیندیشند.
- به ارزش های والای انسانی معتقد باشند.
- حافظ قانون و درست کار باشند.
- بتوانند به یاری درک سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود و با تفکر منطقی و نقاد، سرنوشت جامعه جهانی را بررسی و ارزیابی کنند.
- برنامه ریزی و آموزش صحیح به دانش آموزان کمک می کند تا:
- مسئولیت شهروندی را درک کنند و به آن عمل نمایند.
- از قانون و فرایندهای قانونی و حقوقی اطلاع یابند.
- به مذاهب و فرهنگ های گوناگون احترام بگذارند.
- فرصت ها و امکانات مساوی را درک و از آن حمایت کنند.
- در فرایندهای مردم سالارانه مشارکت نمایند.
- درک ژرف و عمیقی از توزیع و مصرف نابرابر منابع داشته باشند.
- به حقیقت احترام بگذارند و از آن پیروی کنند.

تصمیم گیری

تصمیم گیری، سازوکار اساسی در همه مسائل جغرافیایی است. در جغرافیا، تصمیم گیری تأثیرات خود را در پراکندگی فضایی فعالیت های انسانی به شکل عینی ظاهر می سازد. شکل گیری محدوده های جغرافیایی، حاصل تصمیم گیری گروه ها، افراد و سازمان های دولتی و غیردولتی است. هر تصمیم گیری از یک

سیاست، جهان‌بینی و تفکر خاص تأثیر می‌پذیرد. یعنی، در هر تصمیم‌گیری شرایط محیطی، فرهنگی و اقتصادی تصمیم‌گیرندگان تأثیرگذار هستند. روشن است که در همه فرهنگ‌ها، ادراکات محیطی در تصمیم‌گیری‌های شخصی نقش اساسی دارند.

تفکر انتقادی و خلاق

دانش‌آموزان برای ورود به جهان پر از تغییر و تحول آینده باید مهارت‌های تفکر خلاق و انتقادی را بیاموزند تا بتوانند، تصمیم‌های مناسبی بگیرند و مسائل پیچیده را حل کنند. دانش‌آموزان باید به مهارت‌های تحقیق و پژوهش و حل مسأله مجهز شوند و روحیه جست‌وجوگری را در خود تقویت کنند. یکی از ابعاد مهم تربیت شهروندان، پرورش روحیه و توانایی انتقادگری اجتماعی در آنان است. انتقادگری اجتماعی، داشتن یک موضع فعال، حساس و پویا و منطقی در مقابل جامعه است؛ به نحوی که فرد مسائل و مشکلات اجتماعی را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

زیرنویس

1. Lambert & Dowgill, 1999.
2. Working paper, SCAA 3/3418/1

منابع

۱. احمدی، غلامعلی. «کاربرد روش حل مسأله در آموزش علوم». فصل‌نامه‌تعلیم و تربیت، شماره ۶۵، ۱۳۸۰.
۲. برنامه‌ریزی در فرایند توسعه. ترجمه غلامرضا احمدی، سعیده شهابی. انتشارات ققنوس. ۱۳۷۴.
۳. تاجیک، محمدرضا. سخنرانی: دنیای نوین و جایگاه ارتباطات در آن. ۱۳۷۹.
۴. آموزش برای یک آینده پایدار. ترجمه حسن پویان. انتشارات سازمان حفاظت از محیط‌زیست. ۱۳۷۹.
۵. پاپلی‌یزدی، محمدحسین. «تکمله‌ای بر مقاله تعریف، مفهوم و دیدگاه‌های تازه از جغرافیا». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶، ۱۳۶۹.
۶. دهقان، داریوش. «تربیت معلم، تعریفی نو برای آسیای نوین». فصل‌نامه پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۶.
۷. بی‌هندی، چارلز. عصر تضاد و تناقض. ترجمه محمود طلوع. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. ۱۳۷۵.
۸. بی‌هندی، چارلز. عصر سنت‌گریزی. ترجمه عباس مخبر. انتشارات طرح‌نو. ۱۳۷۴.
۹. رابسون و ماتیسوس. کیفیت در آموزش و پرورش، ترجمه عربعلی رضایی. انتشارات دفتر همکاری‌های علمی، بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۷۸.
۱۰. رامشت، محمدحسین. «هارتلندهای فرهنگی». فصلنامه تحقیقات

- جغرافیایی، شماره ۴۸، ۱۳۷۷.
۱۱. سلیس، دیوید. آموزش جهانی. انتشارات یونیسف. ۲۰۰۱.
 ۱۲. سی. جی. بارو. «توسعه پایدار: مفهوم، ارزش و عمل». ترجمه سیدعلی بدری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴، ۱۳۷۶.
 ۱۳. شاپان، سیاروش. «همزیستی مسالمت‌آمیز از طریق آموزش جغرافیا». رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۱، ۱۳۷۸.
 ۱۴. شکویی، حسین. رشد اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. انتشارات گیثاشناسی. ۱۳۷۷.

۱۵. علیجانی، بهلول. «اصول و قوانین در جغرافیا». رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۰، ۱۳۷۸، ص ۲۶-۲۰.
۱۶. عنان، کوفی. «سخنرانی در نود و هفتمین اجلاس سالانه انجمن جغرافی دانان آمریکا». ترجمه بهلول علیجانی. رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۸، ۱۳۸۰، ص ۳-۵.
۱۷. لیدستون، جاده. «موضوعات جهانی روزگار ما». ترجمه ناهید فلاحیان. رشد آموزش جغرافیا، شماره ۴۳، ۱۳۷۶.
۱۸. کلوال، پل. «جغرافیای فرهنگی امروز». ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴، ۱۳۷۶.
۱۹. کندی، پل. در تدارک قرن ۲۱ تا جهان ۲۰۲۵. ترجمه عباس مخبر. انتشارات طرح‌نو. ۱۳۷۲.
۲۰. «منشور بین‌المللی آموزش جغرافیا». ترجمه ناهید فلاحیان. شماره ۴۰، ۱۳۷۵، ص ۱۰-۴.

۲۱. عنان، کوفی. سخنرانی در نود و هفتمین اجلاس سالانه انجمن جغرافی دانان آمریکا. ترجمه بهلول علیجانی. شماره ۵۸.
۲۲. فرید، یدالله. شناخت شناسی جغرافیای انسانی. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر. ۱۳۷۹.
۲۳. محرم‌نژاد، ناصر. معیارهای توسعه پایدار شهری و ناپایداری‌های آن. بولتن شماره ۶، شورا‌های حفاظت محیط‌زیست، کمیته ملی توسعه پایداری، آبان‌ماه ۱۳۷۹، ص ۴۰-۶.
۲۴. وثوقی، فاطمه. «اینترنت، ناحیه بدون مرز». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳، ۱۳۷۵.
۲۵. نفیسی، عبدالحسین. آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰. مجموعه ششم پژوهشکده تعلیم و تربیت. ۱۳۷۶، ص ۲۳-۱۳.

26. Lambert David & Balderstone. Learning to teach Geography in the Secondary School. Root Ledey falmer. 2000.



به باور برساند.

متن حاضر دیدگاه‌ها و یافته‌های انجمن جغرافی دانان آمریکا (A.A.G) در مورد جغرافی دانانی است که در مشاغل متنوعی شاغل بوده‌اند. این در حالی است که آموزش‌های دانشگاهی ما اگر از دانشگاه‌های آمریکا بیش‌تر نباشد، کم‌تر نیست. علاوه بر این، استعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان ما در سراسر دنیا زبانزد است. امید است، این مختصر گامی ناچیز در اثبات توانایی‌های فارغ‌التحصیلان جغرافیا باشد.

مقدمه مترجم

مسئله اشتغال و بی‌کاری از جمله مسائل روز بسیاری از جوامع است. از آن‌جا که در کشور ما نیز، فارغ‌التحصیلان رشته‌های گوناگون دانشگاهی در انتقال توانمندی‌هایشان به بازار کار، چندان موفقیتی کسب نکرده‌اند، متن حاضر با دو هدف تهیه شده است: اولاً کارفرمایان را از قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان رشته جغرافیا مطلع سازد، ثانیاً فارغ‌التحصیلان جغرافیا را به توانمندی‌های متنوع خود

چه مشاغلی را به عنوان جغرافی دان می‌توانید انجام دهید؟

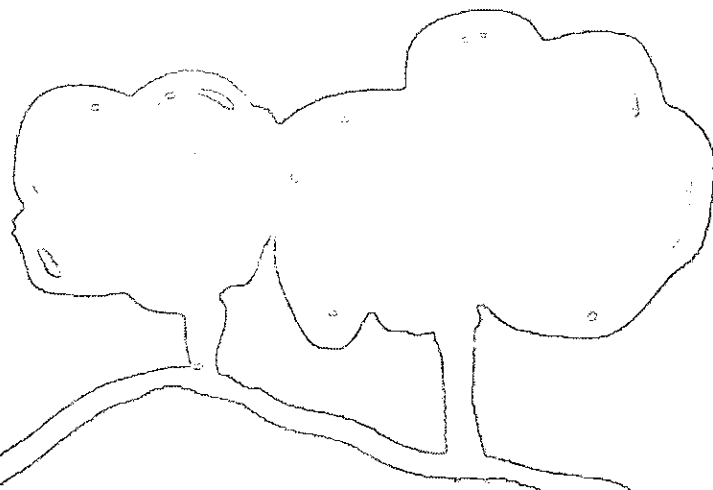
مشاغل جغرافی دانان

جغرافیا یکی از رشته‌های جذاب و پرطرفدار بین دانشجویان است. تئوری‌ها و روش‌های این دانش، تکنیک‌های تحلیل گرایانه قابل اجرایی را عرضه می‌دارند که پاسخ دهنده بسیاری از سؤالات؛ سؤالاتی که طیف وسیعی از مشاغل با آن‌ها روبه‌رو هستند.

دانش جغرافیا در پایان آموزش‌های رسمی با درجه لیسانس، مهارت‌های وسیعی در زمینه‌های بازاریابی و حفاظت محیطی و اجتماعی به دانش‌آموختگان می‌بخشد. به علاوه، نگرش ژرفی برای فارغ‌التحصیلان خود فراهم می‌آورد تا بتوانند، در زمینه‌های متنوعی به کار بپردازند؛ به نحوی که از جغرافیا می‌توان بازمینه‌های تجارت، کاربری اراضی، طراحی، حقوق و پزشکی ارتباط برقرار کرد. در سال‌های اخیر، امکانات جغرافیای عملی، توسعه قابل ملاحظه‌ای در امور محرمانه پیدا کرده است؛ اگرچه تعداد کمی از این موقعیت‌ها را کسانی که عنوان جغرافی دان دارند، کسب کرده‌اند. حدود یک چهارم از جغرافی دانان در ایالات متحده، در بخش‌های محرمانه مهم دولتی مشغول به کار هستند. در این جا به برخی از موقعیت‌های شغلی که این جغرافی دانان احراز کرده‌اند، اشاره می‌شود:

۱. مفسر عکس‌های هوایی؛
۲. کارشناس آلودگی هوا برای یک بخش از کنترل کیفیت هوای ناحیه؛
۳. تحلیل‌گر کیفیت هوا؛
۴. مجری بازاریابی حمل و نقل هوایی؛
۵. محقق در خطوط هوایی؛
۶. ارزیاب یک اتحادیه املاک؛

ترجمه: دکتر مهدی چوبینه





- متحده؟
۴۶. جغرافی دان در اداره کل علوم جوی و اقیانوسی ملی ایالات متحده؟
- متحده؟
۴۷. جغرافی دان به عنوان مدیریت آب ناحیه
۴۸. جغرافی دان برای رسته مهندسان ارتش ایالات متحده؟
۴۹. جغرافی دان برای مرکز مهندسی توپوگرافی ارتش ایالات متحده؟
۵۰. جغرافی دان برای بخش خدمات جنگل های ایالات متحده؟
۵۱. جغرافی دان مشاور؟
۵۲. جغرافی دان در یک اتحادیه؟
۵۳. متصدی منابع و نقشه های جغرافیایی؟
۵۴. کارشناس جغرافیایی در تشکیلات یک ایالت در آمریکا؟
۵۵. کارشناس آموزش جغرافیا برای یک ناشر دایرةالمعارف؟
۵۶. زمین شناس برای تشکیلات محیط و صرفه جویی یک ایالت؟
۵۷. ژئومورفولوژیست در سرویس زیست شناسی ملی ایالات متحده؟
۵۸. کارشناس ژئوپلیتیک برای یک اتحادیه نرم افزاری؟
۵۹. تحلیل گر سیستم اطلاعات جغرافیایی در یک اتحادیه؟
۶۰. هماهنگ کننده سیستم اطلاعات جغرافیایی برای یک شهرستان؟
۶۱. هماهنگ کننده سیستم اطلاعات جغرافیایی در مطالعات محیطی؟
۶۲. کارشناس سخت افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی برای یک کتابخانه ایالتی؟
۶۳. مدیر برنامه سیستم اطلاعات جغرافیایی برای سرویس تشکیلات اطلاعات و اجرایی یک شهرستان؟
۶۴. هتل دار؟
۶۵. مشاور متخصص آب شناسی؟
۶۶. هیدرولوژیست برای آژانس حفاظت آب و خاک در یک ایالت؟
۶۷. تحلیل گر بیمه؟
۶۸. تحلیل گر اطلاعات محرمانه مرکز ملی تفسیر عکس ایالات متحده؟
۶۹. مدیر اطلاعات محرمانه آژانس ضد جاسوسی ایالات متحده؟
۷۰. متخصص علوم زمین (مشاور)؟
۷۱. برنامه ریز کاربری زمین برای یک شهر؟
۷۲. تحلیل گر موقعیت جغرافیایی؟
۷۳. تحلیل گر نقشه؟
۷۴. متصدی نقشه؟
۷۵. ناظر نقشه؟
۷. متخصص ناحیه ای؟
۸. متخصص بهمن در سازمان جنگل های ملی ایالات متحده؟
۹. زیست شناس (مشاور)؟
۱۰. مدیر طراحی جویچه و سیاستساز برای یک کلان شهر؟
۱۱. تحلیل گر امور تجاری در یک شرکت؟
۱۲. کارتوگراف (نقشه کش)؟
۱۳. مفسر کارتوگرافی؟
۱۴. تصحیح کننده نقشه؟
۱۵. تکنسین رسایی نقشه؟
۱۶. اقلیم شناس؟
۱۷. سرهنگ ارتش ایالات متحده؟
۱۸. تحلیل گرسوسه اجتماعی؟
۱۹. کارشناس نقشه کشی رایانه ای؟
۲۰. کارشناس رایانه در پارک ملی ایالات متحده؟
۲۱. هماهنگ کننده آموزش صرفه جویی برای یک ایالت؟
۲۲. تحلیل گر اطلاعات برای یک شرکت بیمه؟
۲۳. آمارگر در تشکیلات کشاورزی ایالات متحده؟
۲۴. تحلیل گر جمعیت برای یک شهرستان؟
۲۵. معاون مدیرکل در موسسه ملی علوم ایالات متحده؟
۲۶. مدیر گزارش های کمک رسانی رایانه ای برای یک روزنامه در یک شهر بزرگ؟
۲۷. مدیر توسعه صنعتی برای یک بندر معتبر؟
۲۸. مدیر برنامه ریزی و منطقه بندی برای یک شهرستان؟
۲۹. اکولوژیست (بوم شناس)؟
۳۰. تحلیل گر توسعه اقتصادی؟
۳۱. اقتصاددان؟
۳۲. تحلیل گر انرژی؟
۳۳. مهندس راه و ساختمان؟
۳۴. مهندس مشاور؟
۳۵. مهندس فتوگرامتری (عکس های هوایی)؟
۳۶. مدیر محیط؟
۳۷. برنامه ریز محیطی برای تشکیلات حمل و نقل در یک ایالت؟
۳۸. متخصص محیطی برای تشکیلات منابع طبیعی یک ایالت؟
۳۹. متخصص ژئودری در آژانس نقشه برداری وزارت دفاع آمریکا؟
۴۰. جغرافی دان مؤسسه اسمیسون؟
۴۱. جغرافی دان در دایره ممیزی مالیات ایالات متحده؟
۴۲. جغرافی دان در تشکیلات کشاورزی ایالات متحده؟
۴۳. جغرافی دان در اداره کل توسعه اقتصادی آمریکا؟
۴۴. جغرافی دان در آژانس حفاظت محیط ایالات متحده؟
۴۵. جغرافی دان در اداره کل فضا و هوانوردی ملی ایالات متحده؟



- ۱۱۰. محقق هواشناسی برای مرکز اطلاعات اقلیمی ملی ایالات متحده؛
- ۱۱۱. متخصص تحقیقات در سرویس هواشناسی ملی ایالات متحده؛
- ۱۱۲. مدیر توسعه منابع در اداره کانادایی سرخ پوستان و امور مناطق شمالی؛
- ۱۱۳. متخصص امور اقتصادی منابع؛
- ۱۱۴. طراح منابع برای یک ایالت؛
- ۱۱۵. تحلیل گر خطر در یک اتحادیه؛
- ۱۱۶. تحلیل گر تحقیقات مربوط به تسهیلات فروش؛
- ۱۱۷. محقق مکانی؛
- ۱۱۸. متخصص حفاظت خاک برای سرویس حفاظت منابع طبیعی در یک ایالت؛
- ۱۱۹. مهندس ناظر توپوگرافی برای سازمان زمین شناسی یک ایالت؛
- ۱۲۰. معلم؛
- ۱۲۱. توسعه دهنده صنعت تورسیم؛
- ۱۲۲. کارشناس مدیریت ترافیک در تشکیلات کشاورزی ایالات متحده؛
- ۱۲۳. طراح حمل و نقل برای یک شهرستان؛
- ۱۲۴. طراح حمل و نقل برای عبور و مرور در یک بخش از شهرستان؛
- ۱۲۵. طراح و مشاور مسافرت؛
- ۱۲۶. طراح حفاظت آب برای سیستم آب یک شهر؛
- ۱۲۷. کارشناس منابع آب برای تشکیلات محیط یک ایالات؛
- ۱۲۸. طراح منابع آب برای رسته های مهندسان ارتش ایالات متحده؛
- ۱۲۹. مدیر شبکه اینترنتی؛
- ۱۳۰. ناظر حفاظت مناطق مرطوب برای یک مؤسسه احیای اراضی معتبر؛
- ۱۳۱. رئیس منطقه بندی جغرافیایی؛
- ۱۳۲. بازرس منطقه بندی اجرایی برای یک شهرستان؛
- ۱۳۳. بازرس منطقه بندی برای یک شهر.

منبع اینترنتی:

<http://w.w.aag.org/careers/what-can-you-do.html>

- ۷۶. طراح نقشه برای یک اتحادیه؛
- ۷۷. کارشناس نقشه برای یک مؤسسه بازرگانی و تجاری؛
- ۷۸. مدیر توسعه بازار (بازاریابی) برای یک اتحادیه نرم افزاری؛
- ۷۹. تحلیل گر مسائل بازاریابی؛
- ۸۰. هواشناس در سرویس هواشناسی ملی ایالات متحده؛
- ۸۱. هواشناس تلویزیون؛
- ۸۲. کارشناس میکروورایانه در یک اتحادیه؛
- ۸۳. متخصص تاریخ طبیعی در سرویس حفاظت خاک ایالات متحده؛
- ۸۴. داوطلب گروه های صلح (سپاه صلح)؛
- ۸۵. متخصص علوم طبیعی در سازمان زمین شناسی ایالات متحده؛
- ۸۶. متخصص علوم طبیعی برای آژانس نقشه برداری وزارت دفاع ایالات متحده؛
- ۸۷. برنامه ریز اجتماعی؛
- ۸۸. برنامه ریز در شهرستان؛
- ۸۹. برنامه ریز منابع؛
- ۹۰. برنامه ریز حمل و نقل؛
- ۹۱. برنامه ریز شهری؛
- ۹۲. برنامه ریز برای تحکیم دولت؛
- ۹۳. مدیر برنامه ریزی اطلاعات برای یک شهرستان؛
- ۹۴. تحلیل گر سیاسی؛
- ۹۵. کارشناس کنترل آلودگی برای یک ناحیه کلان؛
- ۹۶. مدیر علوم در یک اتحادیه؛
- ۹۷. طراح پروژه برای یک شهرستان؛
- ۹۸. نگهبان پارک ملی ایالات متحده؛
- ۹۹. ارزیاب املاک؛
- ۱۰۰. برنامه ریز املاک؛
- ۱۰۱. تحلیل گر تحقیقات املاک برای یک اتحادیه؛
- ۱۰۲. مدیر تحقیقات املاک؛
- ۱۰۳. هماهنگ کننده امور زباله برای یک ایالت؛
- ۱۰۴. هماهنگ کننده توسعه مجدد برای یک شهر؛
- ۱۰۵. محیط شناس ناحیه ای برای تشکیلات حمل و نقل یک ایالت؛
- ۱۰۶. برنامه ریز ناحیه ای؛
- ۱۰۷. کارشناس سنجش از دور (عکس های ماهواره ای)؛
- ۱۰۸. متخصص سنجش از دور در سازمان زمین شناسی ایالات متحده؛
- ۱۰۹. تحلیل گر تحقیقات برای شرکت برق و گاز در یک ناحیه؛

برنامه ریزی توریسم

به هنگام برنامه ریزی به چه نکاتی باید توجه داشت؟

مایکل ای. کلی
ترجمه: بهزاد انتظاری



اولویت بودند. به این برنامه‌های تبلیغاتی هنوز هم اهمیت داده می‌شود و حکومت‌ها باز هم بیش‌تر دلارهای اختصاص یافته به توسعه توریسم را خرج آن‌ها می‌کنند.

از نظر بسیاری از مردم محلی، توریسم موضوعی ضد و نقیض است. هم خوب است و هم بد. هیولای دعوت نشده‌ای است که در جامعه فرود می‌آید و در بهترین شرایط، سود اقتصادی می‌آورد. اما این امر به قیمت تخریب اجتماع و فشار بر زیرساخت‌ها و جامعه صورت می‌گیرد. وقتی که من به عنوان یک برنامه‌ریز کاربری زمین روی «زیستگاه‌های» در شمال شرق «آریزونا» کار می‌کردم، بارها از مردم شنیدم که می‌گفتند: «افرادی که به این جا می‌آیند تا مراسم ما را تماشا کنند، خیلی بی‌نزاکت هستند...». و یا: «من واقعاً خوشحال می‌شوم، اگر آن‌ها فقط پولشان را بفرستند و خودشان اصلاً تشریف نیاورند!»

و نباید از این اظهارات شگفت زده شد. جریان توریسم به «های» در سال ۱۹۹۰، سالانه ۵۰ تا ۹۰ هزار نفر تخمین زده شد و احتمالاً از آن زمان تا به حال نیز افزایش یافته است. در مقابل، کم‌تر از ۱۰ هزار نفر از مردم بومی در این زیستگاه زندگی می‌کنند. به علاوه، «های» برای پذیرش این همه دیدارگر مجهز نیست. در این زیستگاه، تنها ۲ مبل که روی هم رفته دارای ۵۵ اتاق هستند و ۲ رستوران قابل استفاده وجود دارد. این دو رستوران، ۴۰ مایل از همدیگر فاصله دارند. از ۱۲ روستای «های»، تنها یکی از آن‌ها دارای تور سیاحتی پیاده و دارای راهنمای دهکده است. ۳ راهنما از کارمندان روستا هستند و از مؤسسات خارج از روستا مزد می‌گیرند. تور، هزینه‌ای ندارد؛ هر چند که بخشش‌ها (مثلاً پرداخت انعام) قبول و تشویق می‌شوند. توالت‌های عمومی اندکی در نقاط مختلف زیستگاه وجود دارد.

حکومت قبیله‌ای «های» برنامه‌ای برای ترویج توریسم در زیستگاه ندارد. در عوض، ادارات قبیله‌ای مختلفی مسؤول جوابگویی به پرسش‌های اتفاقی پستی یا تلفنی هستند. با وجود این، در مرکز، در ادارات دولت ایالتی در «فینیکس، آریزونا»، توریسم با حرص و ولع تبلیغ می‌شود و از مردم می‌خواهند، به این زیستگاه بروند و سرخوستان را ببینند. (البته همراه این تبلیغات، برنامه‌ای نه چندان مخفی هم برای خرج پول‌های آن‌ها وقتی که در سایر

خلاصه

این مقاله مروری بر فرایند برنامه‌ریزی توریسم دارد. براساس هدف‌های این برنامه‌ریزی، توریسم از دو نقطه نظر تعریف می‌شود: نخست به عنوان یک تجربه اجتماعی-فرهنگی، و دوم به عنوان یک فعالیت اقتصادی-صادراتی. در این مقاله، ساختار توریسم و طراحی عناصر و مبانی برنامه موفق توریسم شرح داده شده و در قالب این دو تعریف، مورد بحث قرار گرفته‌اند.

مقدمه

طراحی راهبردهای توسعه توریسم، جزئی از عمل برنامه‌ریزی است که در آن، بیش‌تر برنامه‌ریزان متخصص، دارای تجربه یا اطلاعات دست اول ناچیزی هستند. اغلب برنامه‌ریزان از جاذبه جهانی توریسم به عنوان یک فعالیت اقتصادی آگاه هستند، اما عده کمی از آن‌ها از فوریتی که در جهان دهه ۱۹۹۰ و پس از آن، در مورد تلفیق فرایندهای برنامه‌ریزی با مشارکت عمومی، تجزیه و تحلیل سود و زیان، تجزیه و تحلیل راهبردی و برنامه‌ریزی اجرایی، و توسعه توریسم وجود دارد، آگاهی دارند.

تا اواخر دهه ۱۹۷۰، برنامه‌ریزی توریسم، تقریباً به طور انحصاری به عنوان مسأله جذب بازدیدکنندگان به یک محل خاص مطرح بود. به ویژه، اسراف و ولخرجی دولت‌ها، بازاریابی استانی و ملی و برنامه‌های تبلیغاتی در رقابت برای جذب توریست‌ها در

قسمت های آریزونا هستند، تدارک دیده می شود). این تبلیغات در سطح جهانی انجام می شود. تا آن جا که من اطلاع دارم، حکومت قبیله ای «هابای» هرگز اجازه چنین کاری را به دولت ایالتی نداده است. با این حال، هر سال توریست ها می آیند و مردم «هابای» مقاومت می کنند و غر می زنند.

وضع «هابای» همواره بدین منوال نبوده است. تا چندی پیش، مقدم دیدار کنندگان - که آن زمان خیلی زیاد نبودند - در زیستگاه گرامی بود و از آن ها برای شرکت در بخش های عمومی و مراسم قربانی (سرخوستان) استقبال می کردند. الان چنین نیست. این یکی از تناقض های متداول در توریسم است: رشد تقاضا که مآلاً بر عرضه حاکم می شود، بنبوه خود هر نوع طرز تلقی مثبت ساکنان محلی را در مورد توریست ها از بین می برد.

«کلیرگان» اظهار می دارد: «جوامع و مناطق مورد توجه توریست ها عموماً فاقد تخصص در مورد روابط بین توریسم و مکان های ویژه هستند.» او ادامه می دهد: «برنامه ریزان می توانند، در سطح وسیع تری آموزش جامعه را به عهده گیرند، توریسم را به شهر و برنامه های جامعه پیوند دهند و در حمایت و محافظت از منابع اجتماعی، فرهنگی و طبیعی که در معرض برخورد توریست ها قرار دارند، پیشگام باشند.»

برای انجام این امر، برنامه ریزان به یک چارچوب مفهومی از توریسم نیاز دارند تا با استفاده از آن بتوانند، راهبردهای موفق توریستی را طرح کنند؛ یعنی آن راهبردهایی که تقاضای توریست را با منابع طبیعی، فرهنگی و انسانی محل، سازگار سازد تا حرمت زندگی شخصی ساکنان محلی حفظ شود. برای مقابله با راهبردهایی که فقط متوجه نیازهای توریست ها هستند و سازشی با ساکنان محلی ندارند، می توان طراحی را روی برنامه ریزی نوع ویژه ای از توریسم، یعنی «توریسم فرهنگی» متمرکز کرد. در توسعه راهبردهای توریسم فرهنگی، موضوعات اجتماعی بیش از سایر موضوعات در نظر گرفته می شوند. شما احتمالاً تا به حال از اظهارات من متوجه شده اید که چرا روی برنامه ریزی توریسم فرهنگی تأکید دارم. عناوینی که در ادامه شرح خواهم داد، عبارتند از:

- توریسم چیست؟
- انواع توریسم
- اجزای ساختاری یک برنامه توریسم
- عناصر طراحی محیطی یک برنامه توریستی
- مبانی برنامه ریزی و توسعه موفقیت آمیز توریسم
- فرایند طراحی برنامه توریسم
- مقیاس های برنامه ریزی توریسم
- نیمه درست - نیمه غلط و ملاحظات.

توریسم چیست؟

از نظر کمی، توریست شخصی است که به دلایل غیرشغلی، بیش از ۵۰ مایل (۸۰ کیلومتر - م.) مسافرت می کند و شب را دور از محل معمولی سکونتش می گذراند. براساس این تعریف یا این گونه تعاریف است که بیش تر آمارهای مسافرتی (حرکت از مبدأ و هزینه ها)

جمع آوری و محاسبه می گردند.

از میان تعداد کثیری از تعاریف دیگر در مورد توریسم، در مورد این که چه توریسمی می تواند به یک برنامه ریزی موفق منجر شود، دو دیدگاه از اهمیت برخوردارند: اول، دیدگاهی است که می گوید توریسم یک تجربه شخصی بشری است. برخی مردم شناسان از این فراتر می روند و عقیده دارند، توریسم واقعاً یک تجربه فرهنگی، انسانی و معنوی است. دومین دیدگاه این است که توریسم یک فعالیت اقتصادی - صادراتی است.

به عنوان یک تجربه

تجربه های شخصی توریست، کلید موفقیت هر راهبرد توریسم است. اغلب، رویای تجربه ای غیرمنتظره در جایی غیر از منزل یا محل کار است که مردم را تحریک می کند تا مسافرت کنند و به توریست تبدیل شوند. همچنین، تکرار تجربه های خوشایند است که توریست را وادار می کند، دوباره به مکانی بازگردد یا به وی الهام می دهد که در مورد این مقصد عالی به دیگران توضیح دهد. از این رو، استراتژی موفق توریسم باید شرایطی فراهم کند که توریست ها تجربه های خوشایندی داشته باشند؛ و گرنه مردم نخواهند آمد و یا برای بار دوم باز نخواهند گشت.

یک تئوری مردم شناسی^۵ می گوید: توریسم تجربه ای مشابه تجربه مذهبی است. از آن جا که تجربه توریسم از نظر زمانی برای بیش تر مردم محدود است و برای آن ها در مکانی خارج از معمول زندگی شان اتفاق می افتد، احساسات فوق العاده غیر معمول آن ها، با مکان مقصد توأم می شود. وقتی شخص سفری را آغاز می کند، زندگی معمولی خود را از طریق انتقالی مانند پرواز یک هواپیما، ترک می کند و حسی متعالی به او دست می دهد. او در این مکان غیرعادی مرموز، تجربه ای می کند و سپس از طریق انتقالی دیگر، مثل فرود هواپیما، به زندگی معمولی اش باز می گردد. اغلب همراه با این آخرین انتقال، اندوه از دست دادن آن مکان اسرارآمیز و روابط عاطفی شدیدی که در آن جا تجربه شده است، به وجود می آید.

وقتی مردم در زمان و فضای غیر معمول خود، در مکان اسرارآمیز هستند، قوانین زندگی عادی آن ها معمولاً به هم می خورد یا کاملاً برعکس می شود. آن ها می توانند در جست و جوی سرنوشت خود، در موقعیت های شانس و تصادفی باشند، آنچه را که ندیده و نمی شناسند تجربه کنند و از اسم کوچک اشخاص استفاده کنند.

به عنوان یک فعالیت اقتصادی

به توریسم می توان به عنوان مورد خاصی از فعالیت اقتصادی - صادراتی نگریست. مورد خاص، زیرا به جای این که کالا و محصولات خدماتی برای خریدار فرستاده شوند، خریدار برای یافتن و تجربه کردن، به سوی کالا و خدمات می آید. این پدیده ای است که می تواند به عوارض نامطلوبی مانند: تراکم، آلودگی، جرم و جنایت منجر شود. همین نکته ریشه ضد و نقیض بودن توریسم است و مرعی را که تخم طلائی «سودآوری اقتصادی توریسم» را می گذارد، بیمار می کند.

انواع توریسم

به منظور تشریح درست انواع توریسم، طبقه‌بندی‌های متفاوتی از آن مطرح شده است. یک طبقه‌بندی صورتی روی جاذبه‌های نوع اول متمرکز است؛ یعنی روی تولید توریسمی که در حال بازاریابی و سفارش دادن است. طبق این طبقه‌بندی، انواع توریسم شامل موارد زیر است:

○ اکوتوریسم (Ecotourism)

○ توریسم طبیعت (Nature Tourism)

○ توریسم ماجراجویانه (Adventure Tourism)

○ رفتن و ماندن (Getaway and Stay)

○ توریسم فرهنگی (Cultural Tourism)

طبقه‌بندی دیگر، طبقه‌بندی ترتیبی^۲ است که بر اساس آن حجم توریست‌ها را در نظر می‌گیرند.^۸ این طبقه‌بندی طیف وسیعی از انواع توریسم، از «توریسم انبوه»^۹ یعنی تعداد زیادی توریست تا «اکتشاف‌کننده»^{۱۰}، یعنی آن توریست منفرد که به تنهایی مسافرت می‌کند، را شامل می‌شود. برای تجسم این طیف وسیع می‌توان گروه مردمی را که از ۴۷ اتوبوس دیزلی بدبو در مراکز خرید جنب «کلیسای نوتردام»^{۱۱} خالی می‌شوند (البته حالا دیگر این طور نیست)، تا آن جوانکی که با کوله‌پشتی کیفش به تنهایی در فلات «تبت»^{۱۲} پشت کوه «اورست» جلوی اتومبیل‌ها را می‌گیرد، در نظر گرفت.

هر کدام از این تقسیمات دارای انتظارات متفاوت از تجربه‌های توریسم، و نیز نیازهای خدماتی و مسافرتی هستند و بر اساس این انتظارات هدف‌های بازاریابی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند و برنامه‌های تبلیغاتی و توسعه‌ خاصی را در نظر می‌گیرند.

اجزای ساختاری یک برنامه توریسم

گان^{۱۳} ساختار توریسم را بر حسب مفاهیم عرضه و تقاضا تعریف کرده است. اهمیت تجزیه و تحلیل وی از ساختار توریسم این است که نتیجه می‌گیرد، توریسم موفق برنامه‌ریزی در هر دو ناحیه اقتصادی (هم عرضه و هم تقاضا) را در نظر دارد و نه فقط یکی از آن‌ها را. در ایجاد تقاضا و عرضه، باید موازنه صورت گیرد، وگرنه پروژه‌ها و برنامه‌ها شکست خواهند خورد.

تقاضا

«تقاضا» در مدل گان به معنی «جمعیت» است. اولین اثر جمعیت در بازار توریسم، با فراهم بودن دو منبع مشخص، یعنی زمان و پول، اتفاق می‌افتد. توریسم در سطح جهانی بازار بالقوه‌ای است که قطعاً کم‌تر از ۱۰ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود. محاسبه جمعیت توریست بالقوه در تقسیمات بازار ویژه - که برنامه‌های تبلیغاتی و بازاریابی به خاطر آن آماده می‌شوند - برای بسیاری از مشاوران بازاریابی و تبلیغاتی به منزله پول نقد است. این کار مستلزم پژوهش عملی و تجزیه و تحلیل پیچیده چند متغیره، از نتایج است.

عرضه

گان «عرضه» را ترکیبی از ۴ عنصر می‌داند: حمل و نقل،

جاذبه‌ها، خدمات و اطلاعات و تبلیغات. حمل و نقل را باید در دوسطح ملاحظه نمود: اولی پیوند بین مکان‌های مبدأ و مقصد توریست‌ها، دومی شبکه حمل و نقل در منطقه مقصد. فرایند کامل برنامه‌ریزی باید تهیه و تدارک تمام جنبه‌های زیربنایی فیزیکی، شامل: حمل و نقل، آب، فاضلاب، انرژی و ارتباطات را در این جزء ساختاری در نظر بگیرد.

جاذبه‌ها و خرده‌جاذبه‌هایی که گان مطرح می‌کند، به دو طریق در برنامه‌ریزی موفق توریسم نقش بازی می‌کند: یکی جاذبه‌هایی که اغلب یک فرد را جذب می‌کنند تا به مقصد ویژه‌ای که در مورد آن خیال پردازی کرده است، مسافرت کند؛ و دوم بخشی از تجربه حقیقی توریسم در منطقه مقصد. خدمات، جزء مهم دیگر تجربه تولید توریسم (جلب جهانگرد) را تشکیل می‌دهند. کانون توجه این جزء یافتن محل اقامت و مؤسسات مربوط به غذا و نوشیدنی‌ها و کارکنان آنهاست. در این جا، طراحی مناسب، سلیقه خوب، و کارکنان تربیت شده، اغلب اجزای کلیدی هستند.

آخرین جزء ساختاری گان، اطلاعات و تشویق است. این اهمیت دارد که هر قسمت از بازار توریسم را با مطالب اطلاعاتی و تبلیغاتی که برای بازدید اشتیاق ایجاد می‌کنند و توریست را به مقصد می‌آورند، پر کنیم. بدبختانه این جزء در برنامه‌ریزی سنتی توریسم، به طور بسیار بدی از موازنه خارج است. در واقع، منابعی که باید صرف آموزش و سایر مسائل شوند، به این جزء اختصاص داده می‌شوند. البته این امر نسبت به ۱۰ تا ۲۰ سال پیش کم‌تر شده است. جنبه دیگر این جزء، به کارگیری علائم خوب در منطقه، برای راحتی و حرکت صحیح مردم است.

مناقص طراحی محیطی یک برنامه توریستی

ویتر بادم^{۱۴} از سه عنصر اساسی و یک سلسله اصول و مبانی که باید در برنامه توریسم مورد ملاحظه قرار گیرند، بحث می‌کند. این عناصر عبارتند از: ساکنان محل، دیدارکنندگان و قلمرو دیداری. بیش‌تر اوقات، برنامه‌ریزان از ساکنان محلی غفلت کرده‌اند. ساکنان محلی قسمتی از تجربه توریست‌ها هستند. فرهنگ آن‌ها در احساس مکان توسط توریست‌ها مشارکت می‌کند. اما ساکنان محلی به «محرمیت» نیز احتیاج دارند. آن‌ها نمی‌توانند همواره در نمایش حاضر باشند. نقطه دیگر برنامه‌ریزی این است که توسعه توریسم باید به نحوی اتفاق بیفتد که برای ساکنان محلی نیز به اندازه دیدارکنندگان قابل دسترس باشد؛ یعنی توسعه باید در توان مالی هر دو طرف باشد.

ویتر بادم، در مورد دیدارکنندگان می‌گوید: «هدف موفق در مورد دیدارکننده آن است که بیش‌تر با کیفیت دیدارکننده سروکار داشته باشد تا با تعداد آن، دیدارکننده کیفی آن است که دیدار را احتمالاً تکرار کند و به محیط دیداری (هم طبیعی و هم ساخت بشر) احترام بگذارد.» این بیان ایجاد می‌کند که بازار به تقسیمات مشخص در برنامه‌ریزی توریسم و جذب دیدارکنندگان مطلوب آن تقسیم‌بندی پردازد و در نتیجه، در دلارهای تبلیغاتی صرفه جویی شود و سایر اجزای توریسم توسعه یابند.

«قلمرو دیداری»، به طور ساده ناحیه ای است که جاذبه‌ها و خدمات جمع شده‌اند تا این که تجربه توریست ترکیب و افزایش یابد.

مبانی برنامه ریزی و توسعه توریسم موفق

رید^{۱۱} و اسمیت^{۱۵} مواد متعددی را به فهرست وینتر بادم (۱۹۹۳) اضافه می‌کنند. اساسی‌ترین ماده طراحی آنان، ایجاد یک ناحیه دیداری با احساس یگانه و قابل اعتماد نسبت به آن است که شامل تعداد گوناگونی از تجربه‌های بالقوه باشد. رید و اسمیت توسعه دروازه‌ها^{۱۶} را در طراحی فضاهای توریستی تشویق می‌کنند. دروازه‌ها یک نماد فیزیکی از ورود به ناحیه توریستی هستند و گذر از مکان‌ها و تجربه‌های معمولی به غیر معمولی را مشخص می‌کنند. تکنیک ایجاد ناحیه دیداری، مبتنی بر خوشه کردن و متمرکز کردن جاذبه‌ها و خدمات است. استفاده از این مبانی در نهایت به شکل‌گیری مجموعه‌ای مهم از محصولات توریستی منجر می‌شود و مکانی به عنوان یک مقصد توریستی در بازار توریسم به وجود می‌آورد. توریست‌ها از مکان آگاه می‌شوند و رفت و آمد به آن را آغاز می‌کنند. پژوهش در بازار راهی برای رسیدن به عرضه محصولات درست توریسم است؛ به ویژه جاذبه‌ها و خدماتی که برای توریست‌های کیفی هدفمند در یک برنامه توریستی اهمیت دارند. درباره توریست‌های هدفمند می‌توان گفت: محصولات مناسب برای ذائقه‌های آن‌ها چیزهایی هستند که باید در مقصد، تولید شوند. تقسیمات توریستی مبتنی بر آمار، نواحی جغرافیایی را براساس سن، جنسیت، تحصیلات یا سطح درآمد توریست‌ها تفکیک می‌کنند و در هر منطقه، ترجیحات مخصوصی برای آنچه که توریست‌ها دوست دارند انجام دهند، ببینند و بخورند، در نظر می‌گیرند.

لازم است ارتباطات و حمل و نقل برای آسانی حرکت مردم در ناحیه توریستی، علامت‌دار باشند. همچنین، در جاهایی که ازدحام مردم در فصل توریسم زیاد است - همچون «گراندکانیون»^{۱۷} که سالانه ۴ تا ۵ میلیون دیدارکننده دارد - انتقال جمعیت به صورت انبوه، به سرعت جایگزین استفاده از اتومبیل شود.

امروزه محافظت از محیط طبیعی، فرهنگی و اجتماعی، گرانبگاه اصلی برای برنامه‌ریزی توریسم موفق است. امروزه بدین مهم، با جذب توریست‌های کیفی و با مدیریت جریان‌های توریستی در ناحیه دیداری می‌توان دست یافت. انتقال جمعیت به صورت انبوه در گراندکانیون موجب حفظ محل پارک اتومبیل برای محافظت از طبیعت و افزایش لذت دیدارکنندگان می‌شود. امسال خدمات این پارک، استفاده از یک هلی‌کوپتر آرام را شروع کرده است و در سال بعد، اپراتورهای منظره‌بینی هوایی تجاری از دستگاه کم‌صداتری استفاده خواهند کرد. مقررات فضایی - هوایی محدودکننده، به زودی گراندکانیون را به جای ساکت تری تبدیل خواهد کرد.

در بسیاری موارد، جریان توریسم فصلی است. ولی به طور کلی گرداندگان میل دارند، از طریق سرمایه‌گذاری زیاد در تسهیلات خدماتی و جاذبه‌ای، به تولید توریست در تمام طول سال و در نتیجه جریان دائم و نقدی پول در فصل‌هایی که حجم توریست کم است، ساکنان محلی برای مدتی در مقابل، از فشار در امان می‌مانند و

استراحت می‌کنند.

«مشارکت» اصل بعدی است که باید در برنامه‌ریزی برای رسیدن به توریسم موفق مورد توجه قرار گیرد. به خاطر ماهیت کثرت‌گرایی توریسم، لازم است در مورد هدف‌ها و مقاصد توریسم مشارکت به وجود آید تا از خدمات تولیدی هر عضو شریک، به طور بهینه استفاده شود. این ایده اشتراک مساعی است که در آن، کل بیش از مجموع قسمت‌ها مؤثر است.

یک اصل دیگر مورد توجه در برنامه‌ریزی توریسم، «چرخه عمر محصول» است. محبوبیت محصولات توریسم، همچون بسیاری محصولات دیگر، رشد می‌کند و بعد از مدتی کاهش می‌یابد. کلید موفقیت در این امر، آماده بودن به هنگام کم‌رنگ شدن محبوبیت و داشتن برنامه آماده، برای دمیدن حیات جدید به جاذبه خدمات است. یک اصل نهایی برای برنامه‌ریزی موفقیت‌آمیز توریسم این است که برنامه‌ریز باید برای اخذ سود اقتصادی فرصت کافی به وجود آورد. توریست‌ها عموماً می‌خواهند پول خرج کنند، ولی مثل مورد «هابای» که قبلاً ذکر شد، ممکن است فرصت‌های برنامه‌ریزی برای آن‌ها کافی نباشد. مثلاً، بیش‌تر توریست‌هایی که به «هابای» می‌آیند، دیدارکنندگان روز هستند و پولشان را برای شب‌مانی در شهرهای مرزی «فلگستاف»^{۱۸}، «وینزلو»^{۱۹} و «هالیبروک»^{۲۰} هزینه می‌کنند. در هابای تنها چند محل برای خرید غذا و بنزین هست و فقط یک موزه وجود دارد که ورودی‌اش ۳ دلار است. بیش‌تر تورهای هدایتی ناحیه، منشأ غیر محلی دارند. اگر مجریان غیر بومی باشند، لازم است که سالانه مبلغ هزار دلار به حکومت قبیله‌ای پردازند. تنها محلی که توریست‌ها می‌توانند در «هابای» پول خرج کنند، ده - دوازده مغازه هنر و صنایع دستی و گالری‌هایی است که در طول بزرگراه ایالتی ۲۶۴ گسترده شده‌اند. آن‌ها به عنوان صنایع کوچکی که به حکومت قبیله‌ای مالیاتی پرداخت نمی‌کنند، فعالیت دارند.

فرایند طراحی برنامه توریسم

برنامه‌ریزان گرچه در کار خود متخصص هستند، اما بصیرت و خواست جامعه را نیز در توفیق برنامه توریسم باید در نظر داشت. زیرا این ساکنان محلی هستند که باید زیر بار هزینه‌های حمایت از توریسم، در فضای زندگی خود بروند. مورفی^{۲۱} یک مدل جامع برای برنامه‌ریزی توریسم مبتنی بر خصوصیات جامعه محلی ارائه می‌دهد. برنامه‌های عملی و اجرایی در برنامه‌ریزی توریسم ابزارهای هماهنگی بین مردم و سازمان‌ها در ناحیه مقصد هستند. بدون هماهنگی، یعنی بدون آن که معلوم شود، کی، با چه کسی، چه چیزی، و کدام منابع کار را انجام خواهد داد و بدون ثبت این هماهنگی به شکل برنامه، مردم آنچه را که باید انجام شود، فراموش خواهند کرد.

کنترل و ارزیابی به منظور اندازه‌گیری موفقیت برنامه و برای اصلاح آن نیز مهم است. مدیریت موفق به شناخت نقطه شروع داده‌ها بستگی دارد و تغییر باید از نقطه اندازه گرفته شود. البته لازم نیست همه چیز یک برنامه را اندازه‌گیری کرد. کافی است، شاخص‌های کلیدی متعددی انتخاب کرد و در طول زمان با آن‌ها کار ارزیابی را



انجام دهید

توریسم منجی اقتصاد روستایی و شهرهای کوچک است

نه لزوماً! روستاها و شهرهای کوچک باید دسترسی منطقی به بازارهای توریستی داشته و مکان مناسبی برای جذب باشند تا به مکان‌های موفق توریستی تبدیل شوند. روستاها و شهرهای کوچک، هوشمندانه همسایه‌های بزرگ شهری خود را که در فاصله یک تا یک و نیم ساعت رانندگی از آنان قرار دارند، به عنوان بازارهای توریسم خود در نظر می‌گیرند و جاذبه‌ها و عرضه محصولات را که می‌توانند توریست‌ها را جلب کنند، توسعه می‌دهند.

توریسم همه جا پتانسیل دارد

خیر ندارد. در مورد برخی مکان‌ها، تمام تکان‌های جهانی نیز نخواهند توانست بریک فقدان ذاتی منابع طبیعی و فرهنگی که باید جاذبه‌های توریستی در آن ایجاد شود، غلبه نمایند. در مکان‌های دیگری، هیچ احساس مشخصی از مکان وجود ندارد و یا به جای اعتبار و منحصر به فرد بودن توسعه تجاری یکنواختی دیده می‌شود. در برخی مکان‌های دیگر نیز، ساکنان محلی به توسعه توریسم علاقه‌ای ندارند و بدون حمایت محلی، توسعه موفقیت آمیز، حتی در بهترین حالت مشکل خواهد بود.

زیر نویس

1. KELLY, Michael E. (1998): Tourism Planning: What to Consider in Tourism Plan Making; <http://www.asu.edu/caed/proceedings98/kelly.html>

۲. عضو هیأت علمی گروه‌های جغرافیای شهری و جغرافیای طبیعی دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد اهر

- | | |
|------------------------|------------------------------|
| 3. Arizona | 4. Clare Gunn, 1991. |
| 5. Graburn, 1983 | 6. nominal |
| 7. ordinal | 8. Smith, 1977 |
| 9. mass Tourism | 10. Notre Dame Cathedral |
| 11. Tibetan Plateau | 12. Gunn, 1988 |
| 13. Winterbottom, 1993 | 14. Raid |
| 15. Smith 1997 | 16. gateways |
| 17. Grand Canyon | 18. Flagstaff |
| 19. Winslow | 20. Holbrook |
| 21. Morphy, 1985 | 22. Gunn, 1988; Inskip, 1994 |

مقیاس‌های برنامه ریزی توریسم

دامنه مقیاس در برنامه ریزی توریسم از برنامه‌های فیزیکی برای مکان‌های خاص تا برنامه‌هایی در سطح متوسط و عموم جامعه، و از برنامه‌هایی در بُعد منطقه‌ای تا برنامه‌های ملی، گسترده است.^{۲۲} اهمیتی ندارد که برنامه ریزی توریسم در چه مقیاسی کار می‌کند، بلکه مهم محاسبه تمام اجزای ساختاری، عناصر، اصول و فرایندهایی است که تشریح شد. بدین طریق، امکان دست‌یابی توسعه توریسم متعادل و پایدار وجود خواهد داشت.

نیمه درست - نیمه غلط و ملاحظات

گان در سال ۱۹۹۴، یک سلسله از سوء تفاهم‌هایی را در مورد توسعه توریسم ذکر می‌کند که برنامه ریزان باید در طراحی شان در نظر داشته باشند:

تبلیغ به معنای توسعه و برنامه ریزی توریسم است

خیر چنین نیست! این سوء تفاهم را قبلاً نیز چندبار توضیح داده‌ام، ولی ارزش تکرار کردن دارد که تبلیغ فقط قسمتی از ساختار توریسم موفق است و فقط یکی از چهار جزء اصلی عرضه توریسم محسوب می‌شود.

توریسم یک صنعت است

خیر نیست! توریسم از صنایع متعددی شامل: هوانوردی، جایابی، تهیه غذا و نوشیدنی، جاذبه‌ها و مشاغلی که دامنه آن‌ها از چند شرکت بین‌المللی تا مشاغل کوچک متعدد گسترده‌گی دارد، تشکیل یافته است. حکومت، یعنی بخش عمومی، بازیگر عمده دیگری در توسعه توریسم است. حکومت‌ها جاذبه‌های متعددی از طریق تأمین «کالاها عمومی»، برنامه‌های تبلیغاتی برای مناطق، راهنمایی‌ها و گاهی یارانه‌های لازم، به وجود می‌آورند. بخش غیرانتفاعی داوطلب نیز در این مورد عمل می‌کند. از نمونه‌های خیلی متداول در این زمینه، موزه‌های تاریخی شهرستان‌ها هستند.

توریسم یک صنعت پاکیزه است

خیر نیست! توریسم می‌تواند موجب آلودگی، ازدحام بیش از حد، تراکم، تخریب منابع طبیعی و فرهنگی، آلودگی ذخایر آب، از بین رفتن چشم‌اندازها و مناظر و دورنماها با توسعه طبیعی بزرگ‌تر از حد، و لطمه‌های فرهنگی به عادات و ارزش‌ها شود و متأسفانه هم می‌شود. برنامه ریزی توریسم باید روی این موضوعات خیلی حساسیت به خرج دهد و بکوشد، تأثیرات نامیمون را پیش‌بینی کند و قبل از توسعه، آن‌ها را تخفیف دهد.

معرفی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدن‌ها و گروه جغرافیا

تاریخچه

«مرکز بین‌المللی

گفت و گوی تمدن‌ها در ۱۸ دی ماه ۱۳۷۷، پس از تصویب پیشنهاد نام‌گذاری سال ۲۰۰۱ در پنجاه و سومین مجمع عمومی سازمان ملل (سپتامبر ۱۹۹۸)، به منظور هماهنگ کردن فعالیت‌های همه سازمان‌ها، مراکز دولتی و غیر دولتی برای توسعه نظریه گفت و گوی تمدن‌ها فعالیت خود را آغاز کرد. اولین دوره ریاست مرکز را آقای دکتر محمد جواد فریدزاده، مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور، به عهده داشت و پس از ایشان، آقای دکتر سید عطاءالله مهاجرانی در دی‌ماه ۱۳۷۹، طی حکمی از طرف ریاست محترم جمهوری آقای سید محمد خاتمی، به ریاست مرکز منصوب شد. فعالیت‌های این مرکز برای دست‌یابی به هدف‌های مشخص شده در زمینه‌های علمی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی و مشارکت و همکاری در قالب برگزاری میزگردها و همایش‌های مرتبط با موضوع در سطوح ملی، منطقه و بین‌المللی سامان یافته است.

خاصی را ایجاد کرده‌اند و

در آرای سیاست‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پیشترکی هستند.

تکمیل: افزایش کمی افراد در ابعاد گوناگون، توأم با افزایش انسجام میان آن‌ها به گونه‌ای که تحول کلی و پیدایش موضوعات و روابط کیفی و کمی جدید را غیر قابل اجتناب سازد.

ارتباط تکاملی، ارتباطی است: «نسبت‌گرا» در سطح موضوعات توسعه، «مشارکت‌گرا» در سطح موضوعات کلان، «کثرت‌گرا» و «استقلال‌پذیر» در سطح موضوعات خرد.

هدف‌های مرکز

مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدن‌ها نهادی است که برای هماهنگی و گسترش ارتباط تکاملی ملت‌ها تلاش می‌کند. هدف این مرکز فراهم‌سازی زمینه‌های شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی از طریق محورهای زیر است:

الف- توسعه حضور ملت‌ها در جریان ارتباط

تکاملی به عنوان مبنای

مشارکت در توسعه امنیت.

ب- توسعه زبان از

طریق:

۱. توسعه هنر به عنوان

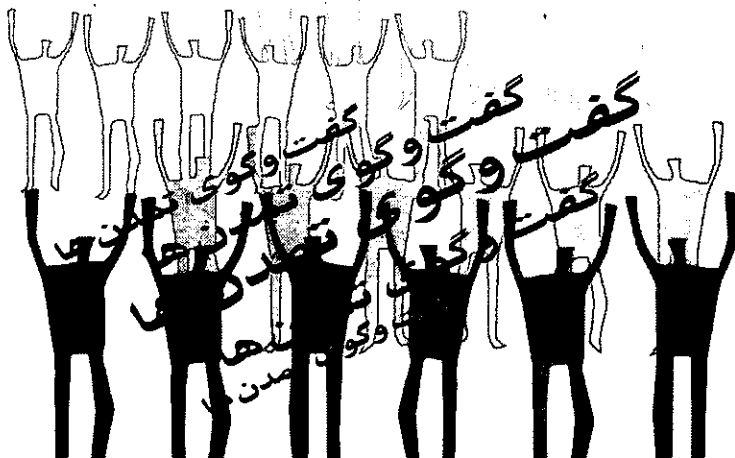
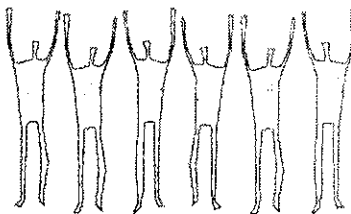
زبان همدلی

۲. توسعه منطق به

عنوان زبان همفکری

۳. توسعه ساختارهای

اجتماعی به عنوان زبان



تعریف سه مفهوم

گفت و گوی تمدن‌ها:

گفت و گوی تمدن‌ها یعنی: «ارتباط تکاملی ملت‌ها».

ملت: جمعی از افراد

انسان که با فرایند همبستگی‌گرایشی، بینشی و دانشی در منطقه جغرافیایی، پیشینه تاریخی

ج - توسعه فناوری از طریق :

۱. تحول در مقیاس سرعت و دقت

۲. تحول در تعریف کارآمدی انسان، ابزار، منابع طبیعی

۳. تحول در جریان نیاز و ارضای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

- پیشنهاد برگزاری سمینارها، همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی - تخصصی گفت‌وگوی تمدن‌ها و نظارت و مدیریت علمی بر آن‌ها .
- پیشنهاد ترجمه متون و آثار علمی - تخصصی در حوزه گفت‌وگوی تمدن‌ها
- ارتباط مستمر و مداوم با متخصصان و مراکز علمی و پژوهشی داخلی و خارج برای ایجاد و بسط همکاری‌ها به منظور تبادل علمی - فرهنگی و نهادینه شدن «فرهنگ گفت‌وگو» در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی

معرفی واحد و گروه‌های علمی

واحد علمی

واحد علمی در مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها، اصلی‌ترین بخش مجموعه است. مهم‌ترین فعالیت‌های مرکز بر موضوعات علمی و تحقیقاتی، به منظور تبیین نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها متمرکز شده است. واحد علمی شامل سه قسمت است: شورای علمی، دفتر شورای علمی و گروه‌های علمی.

گروه‌های علمی

هر گروه علمی متشکل از مدیر، دبیر و یک کارشناس است. همه اعضای گروه‌ها از بین متخصصان کارآمد رشته‌های مرتبط با موضوع هر گروه برای فعالیت علمی و هماهنگی در اجرای پروژه‌های علمی مصوب، دعوت به کار شده‌اند. تعدادی از برجسته‌ترین استادان هر موضوع نیز به عنوان هیأت علمی گروه، در جلسات ثابت هفتگی هر گروه حضور دارند.

مرکز در حال حاضر دارای ۸ گروه علمی به این شرح است: ادیان و عرفان، تاریخ و تمدن، جغرافیا، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، فلسفه، معماری و شهرسازی، هنر.

لازم به ذکر است، تعدادی از برجسته‌ترین استادان هر رشته علمی عضو هیأت علمی گروه‌ها هستند و برخی از گروه‌ها با انجمن‌های علمی کشور توافق‌نامه‌های همکاری منعقد کرده‌اند؛ مانند «انجمن جامعه‌شناسی ایران» و «انجمن جغرافیایی ایران»، همچنین، مقدمات تشکیل گروه ادبیات و کلام نیز فراهم شده است.

وظایف گروه‌های علمی

- تدوین محورها و اولویت‌های پژوهشی در زمینه گفت‌وگوی تمدن‌ها
- تهیه و ارزیابی طرح‌های پژوهشی، آموزشی و ترویجی درباره گفت‌وگوی تمدن‌ها
- بررسی پروژه‌های علمی پیشنهاد شده به مرکز
- نظارت بر کم و کیف فعالیت‌های پروژه‌های تصویب شده در حال اجرا

- تولید متون علمی - تخصصی در حوزه گفت‌وگوی تمدن‌ها
- بررسی متون و آثار ارائه شده به مرکز در حوزه گفت‌وگوی تمدن‌ها و اظهار نظر درباره آن‌ها

گروه جغرافیا

گروه جغرافیای مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها از تیرماه ۱۳۷۹ فعالیت خود را آغاز کرد. مدیریت این گروه از آغاز تاکنون به عهده آقای دکتر محمد حسن ضیاء توانا است و تا به امروز، ۲۵ جلسه با حضور استادان و اندیشمندان ایرانی و خارجی، این رشته تشکیل شده است. گروه جغرافیای مرکز نقش مؤثر و کارآمدی در برگزاری «همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، جغرافیا بستری برای گفت‌وگوی تمدن‌ها (مشهد، اردیبهشت ۱۳۷۹) داشت. همچنین، در بیست و نهمین کنگره بین‌المللی جغرافیایی در آگوست ۲۰۰۰ در شهر سئول (کره جنوبی)، دو تن از استادان این رشته از سوی مرکز حضور یافتند.

گروه جغرافیای مرکز در حال حاضر از چهار کمیته تخصصی تشکیل می‌شود:

- جغرافیای سیاسی، با مدیریت سرکار خانم دکتر دره میر حیدر
- جغرافیای تاریخی، با مدیریت استاد دکتر محمد حسن گنجی
- جغرافیای فرهنگی - شهری، با مدیریت آقای دکتر سیروس

شفقی

- جغرافیا و محیط زیست، با مدیریت آقای دکتر حسن صدوق

ونینی

هدف‌ها و برنامه‌ها

ارائه دیدگاه‌ها و گسترش نظریه گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از منظر جغرافیا، توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی این علم.

- گسترش پژوهش‌های بنیادین و کاربردی در راستای ضرورت وجودی تنوع و زندگی با گوناگونی‌ها و نیز شناخت، درک و قبول دیگری برای دستیابی به صلح جهانی.

- تبادل یافته‌ها و تجربه‌های علمی در زمینه شناخت و روش‌شناسی جغرافیایی گفت‌وگوی تمدن‌ها و موانع آن‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

- برداشت، نظریه‌پردازی و ارائه راهکارهای جغرافیایی گفت‌وگوی تمدن‌ها توسط هر یک از شاخه‌های این علم، ضمن حفظ وحدت در کلیت نظام قانونمند جغرافیا.

- عضویت در «اتحادیه بین‌المللی جغرافیایی» (IGU) و همکاری با آن.

- همکاری با دفتر جغرافیایی کشورهای مشترک المنافع (CGB) و اتحادیه جغرافیادانان عرب و سعی در تأسیس اتحادیه جغرافیایی جهان اسلام.

- همکاری با انجمن جغرافیایی ایران و عقد موافقت‌نامه همکاری دو جانبه.

- همکاری با مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی داخل و خارج کشور، به منظور انعکاس نظریه گفت و گوی تمدن‌ها در محتوای کتاب‌های درسی جغرافیا در مدارس و نیز، ارائه و تدوین سرفصل درسی بنیان‌های جغرافیایی گفت و گوی تمدن‌ها در مؤسسات آموزش عالی پشتیبانی و جذب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا.

گروه جغرافیا نیز همانند دیگر گروه‌های علمی در راستای هدف‌ها و شرح وظایف مرکز، تسهیلاتی برای جذب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا مرتب با گفت و گوی تمدن‌ها و در راستای گسترش و تعمیق پژوهش و تحقیق در این خصوص، تهیه و تنظیم اجرا می‌کند.

برخی از عنوان‌های پیشنهادی رساله‌ها و تحقیقات

* جغرافیای سیاسی

- روابط محلی، ملی و منطقه‌ای در حکومت‌های فعلی

- برخورد عقاید جغرافیایی و نتایج آن

- تغییر مرزهای کنونی کشورهای جهان و پیامدهای آن

- حکومت و توسعه پایدار در فرایند جهانی شدن

- نقش و اهمیت نقشه در روابط بین‌الملل و تأثیر آن از لحاظ

فرهنگی - تمدنی و صلح جهانی

- جایگاه دریاها، بسته و نیمه بسته (از جمله دریای خزر، خلیج

فارس و مدیترانه)، در وحدت و یکپارچگی منطقه‌ای یا تفرق و

استقلال‌خواهی کشورها

- ناحیه‌گرایی و کشمکش‌های سیاسی و قومی و پیامدهای آن

- قومیت‌گرایی، ملی‌گرایی و جهانی شدن از دیدگاه جغرافیا و

جغرافی دانان

- گفت و گوی تمدن‌ها و نظام دگرگون‌شونده جهانی

- موضوع نظام نوین جهانی در مقابل گفت و گوی تمدن‌ها از منظر

جغرافیا

* جغرافیای فرهنگی - شهری

- مدرنیسم جدید و تأثیرات آن بر نواحی فرهنگی مختلف

- فرایند جهانی شدن و حوزه‌های جغرافیای تمدنی

- تغییرات چشم‌اندازهای فرهنگی زمین در ارتباط با نظم نوین

جهانی

- کشورشناسی در راستای نظریه گفت و گوی تمدن‌ها

- جایگاه آموزش جغرافیا در نظام نوین جهانی

- اثرات جهانگردی (توریسم) در تبادلات فرهنگی و تمدنی

- مهاجرت‌ها و پیامدهای آن در تبادلات و معضلات فرهنگی -

تمدنی

- شهرنشینی و شهرگرایی در نظام نوین جهانی

- رویکرد به جنسیت در تحقیقات جغرافیایی، در راستای

تعاملات فرهنگی

* جغرافیا و محیط زیست

- راهکارهای جهانی برای جبران خسارت زیست محیطی و مکانی

- دورنمای تهیه نقشه‌های زیست محیطی در تعاملات فرهنگی و

موقعیت‌های آن

- نقش انسان در تغییر، تحول و تنوع زیستی

- موفقیت‌ها و ناکامی‌های انسان در سیاست‌گذاری‌های زیست

محیطی

- تغییرات اقلیمی و پیامدهای زیست محیطی آن

- کانون‌های بحر انزای زیست محیطی جهان و راهکارهای جهانی

آن

* جغرافیای تاریخی

- جنبه‌های جغرافیایی جنگ‌های صلیبی در برخورد اسلام و

مسیحیت

- نقش موقعیت جغرافیایی فلات ایران در روابط شرق و غرب بر

اساس سفرنامه‌ها

- مسیرهای نفوذ اسلام به آسیای جنوب شرقی و تعاملات فرهنگی

- تمدنی آن

گروه جغرافیای مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدن‌ها، تمامی

همکاران محترم و دانشجویان علاقه‌مند را به همکاری دعوت

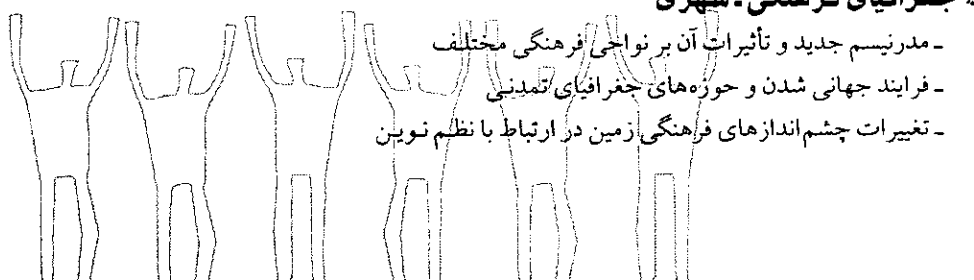
می‌کند. برای اطلاعات بیشتر می‌توانند، با آدرس زیر تماس

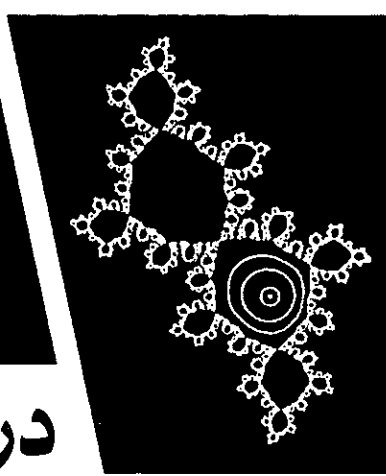
بگیرند:

خیابان دکتر لواسانی (فرمانیه) - ایستگاه زیبا - پلاک ۹۱

تلفن: ۲۲۱۱۱۳۲۲ : فاکس: ۲۲۱۱۲۱۱

پست الکترونیک: geography@dialoguecentro.org





در جغرافیا

هندسه فراکتال

طبیعت، به کمک فرمول‌های ریاضی قابل محاسبه و ترسیم هستند. لیکن می‌دانیم، پدیده‌های طبیعی بسیاری وجود دارند که شکل منظم هندسی نداشته و برای محاسبه طول، مساحت و حتی رسم شکل این پدیده‌های نامتقارن، هندسه اقلیدسی حرفی برای گفتن ندارد. آیا در ریاضیات فرمولی وجود دارد که بتوان به کمک آن، شکل یک برگ درخت، رودخانه یا شعباتش، و یا تصویری از خط الرأس کوه‌ها را رسم کرد و یا اندازه محیط و مساحت این گونه شکل‌ها را به دست آورد؟ تاکنون دانش ریاضی برای این گونه سؤالات پاسخی نداشته است.

تاریخچه هندسه فراکتال

نخستین بار در سال ۱۹۷۵ میلادی، یک متخصص رشته رایانه در شرکت «ای. بی. ام»، به نام ب. مندلبروت «هندسه فراکتال» را به شکل جدید که زبانی برای توصیف طبیعت است، توضیح داد. البته قبل از او، ریاضی‌دانانی مانند جرج کانتور، پتانو، دیوید هیلبرت، هلگ فون کاخ، سیر پنسکی، هاسدورف و گاستون ژولیا نکاتی را کشف کرده بودند که در کشف این هندسه توسط مندلبروت مؤثر بودند. لیکن او به این معنی پی برد که هندسه اقلیدسی زبان دقیقی برای تفسیر اشکال طبیعی نیست. زیرا، نه ابرها کروی هستند، نه کوه‌ها مخروطی. خطوط ساحلی کشورها دایره شکل نیستند و خط ساحلی یک کشور الزاماً همان خطی که در نقشه‌های جغرافیایی ترسیم می‌شود، نیست. او معتقد بود، توصیف اشکال نامنظم و پیچیده دنیای واقعی، معادلات جدید ریاضی و مدل‌های هندسی خاصی را می‌طلبد.

امروزه مندلبروت به عنوان «پدر هندسه فراکتال» شهرت دارد. او برای توصیف بسیاری از اشکال ناموزون و بی‌تقارن طبیعی، این علم را ابداع کرد و اتفاقاً از همین زاویه می‌توان، ارتباط ظریفی بین دانش جغرافیا که با پدیده‌های طبیعی سروکار دارد و هندسه فراکتال برقرار نمود.

فراکتال چیست؟

واژه «فراکتال» از کلمه لاتین «فراکتوس» (Fractus) به معنی «شکسته» گرفته شده است که اول بار، توسط مندلبروت به کار رفت، او معتقد بود که برای تعریف فراکتال‌ها باید همانند زیست‌شناسان

از ابتدای خلقت تاکنون، انسان‌ها همواره در صدد کشف قوانین نظام طبیعت بوده‌اند تا بتوانند، در پیشرفت زندگی خود از آن‌ها بهره بگیرند. یکی از دانش‌هایی که از کنجکاری‌های بشر برخاسته و با پیگیری او در کشف ماهیت نظام موجود در طبیعت مؤثر افتاده، «ریاضیات» است.

از شگفتی‌های نوین ریاضی، «هندسه فراکتال» است؛ علمی نو که پیشینه آن به سال ۱۹۷۵ میلادی می‌رسد. این رشته در ریاضیات که هنوز برای بسیاری از ریاضی‌دانان نیز شناخته نیست، می‌تواند بسیاری از اشکال غیر هندسی و ناموزون در طبیعت را «مدل‌سازی» کند. برای توضیح بیشتر، ابتدا کمی در مورد «هندسه اقلیدسی» صحبت می‌کنیم.

هندسه اقلیدسی

در این هندسه که صدها سال آموزش آن در سطوح مختلف آموزشی جریان دارد، با اشکال منظمی مانند: دایره، مربع، مخروط، مکعب، کره و... سروکار داریم. این علم توانسته است، به کمک فرمول‌هایی این اشکال را رسم کند و بین محیط، مساحت و حجم، و برخی دیگر از خواص هندسی با بُعد خطی آن‌ها، روابط توانی برقرار سازد. مثلاً اگر شعاع دایره باشد، محیط و مساحت دایره و حجم کره به شعاع R، با استفاده از فرمول‌های زیر به دست می‌آید و شکل آنها را نیز می‌توان رسم کرد:

$$\begin{aligned} \text{حجم کره} &= \frac{4}{3}\pi R^3 \\ \text{مساحت کره} &= 4\pi R^2 \\ \text{محیط دایره} &= 2\pi R \\ \text{مساحت دایره} &= \pi R^2 \end{aligned}$$

و یا اگر a ضلع یک مکعب باشد، روابط ساده‌زیر مساحت و حجم مکعب را تعیین می‌کنند:

$$\begin{aligned} \text{مساحت مکعب} &= 6a^2 \\ \text{حجم مکعب} &= a^3 \end{aligned}$$

بنابراین، در هندسه اقلیدسی تمامی اشکال موزون و متقارن در

آشنایی با چند شکل فراکتالی

گفتیم قبل از مندلبروت، ریاضی‌دان‌هایی در زمینه اشکال فراکتالی تحقیقاتی انجام داده بودند، و نمونه‌های مختلفی از اشکال فراکتالی را ابداع و ترسیم کرده بودند.

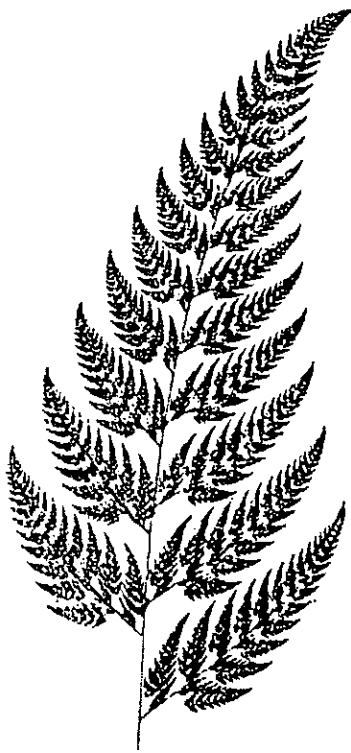
برف دانه فون کخ

در سال ۱۹۰۴ میلادی، فراکتال «برف دانه» فون کخ توسط یک ریاضی‌دان سوئدی، به نام فون کخ معرفی شد. وی پاره خطی به طول ۱ را در نظر گرفت و آن را به سه قسمت تقسیم کرد. روی قسمت میانی آن، یک مثلث متساوی‌الاضلاع ساخت و سپس قاعده‌اش را حذف کرد. همین عمل را برای هر یک از ۴ قطعه به دست آمده تکرار کرد و همین‌طور عمل تقسیم را ادامه داد. (شکل ۳)

بادبان سیرپنسکی

سیرپنسکی دانشمند لهستانی، در سال ۱۹۱۶ میلادی، فراکتال کلاسیک مثلث شکل را ارائه کرد که به مثلث یا «بادبان سیرپنسکی» شهر یافت.

او مثلث متساوی‌الاضلاعی انتخاب نمود و وسط اضلاع آن را به هم وصل کرد. به این ترتیب، ۴ مثلث کوچک ایجاد شد. مثلث وسطی را حذف کرد و سپس همین کار را با سه مثلث باقی مانده انجام داد. و این کار را ادامه داد. ملاحظه می‌کنید که هر مثلث با مقیاس کوچک‌تر، متشابه با مثلث اولیه است. رسم این مدل اشکال خودمتشابه توسط برنامه‌های گرافیکی (رایانه‌ای) قابل انجام است (شکل ۴).



شکل ۱



شکل ۲

عمل کنیم. زیست‌شناسان تعریف دقیقی از یک موجود زنده ندارند، اما برای موجود زنده ویژگی‌هایی مانند حرکت، رشد، تنفس و... قائلند. مندلیبروت می‌گوید، بسیاری از اشکال نامتقارن در طبیعت، ویژگی‌های یک فراکتال را دارند. به خاطر این ویژگی‌هاست که می‌توان، شکل آن‌ها را به زبان جدید ریاضی بیان کرد.

او می‌گوید اگر F یک مجموعه فراکتالی باشد، F نموداری است با این مشخصات:

الف) بی‌قاعده‌تر از آن است که بتوان آن را با زبان هندسه اقلیدسی توصیف کرد.

ب) دارای ساختاری خودمتشابه است. بدین معنی که F شامل کپی‌هایی از خودش در مقیاس‌های متفاوت است. به عبارت دیگر، هر زیرقسمت از F که بزرگ شود، مجدداً بیانگر تمام F است.

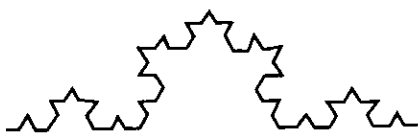
ج) ساختمان ظریفی دارد و تمام جزئیات F را روی زیرقسمت‌های F ، با مقیاس کوچک‌تر می‌توان یافت.

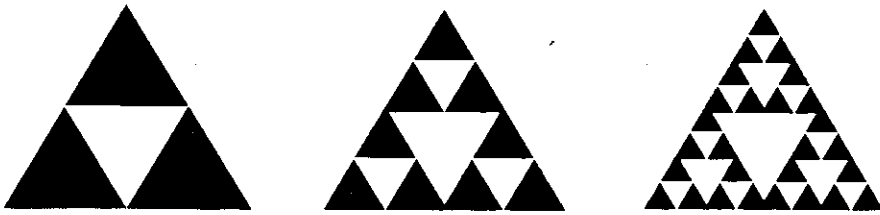
به شاخه بلند یک گیاه «سرخس»

توجه کنید. هر یک از برگ‌های آن مشابه کل شاخه آن است. همین‌طور هر یک از برگ‌های کوچک آن نیز همانند خود گیاه است. (شکل ۱)

در هندسه فراکتال، این گونه اشکال فراکتال نامیده می‌شوند و به وسیله فرمول‌های پیچیده ریاضی قابل رسم هستند. خوشبختانه در طبیعت، بسیاری از پدیده‌ها از شکل فراکتالی برخوردارند و به کمک برنامه‌های نرم‌افزاری می‌توان آن‌ها را رسم کرد. (شکل ۲)

شکل ۳





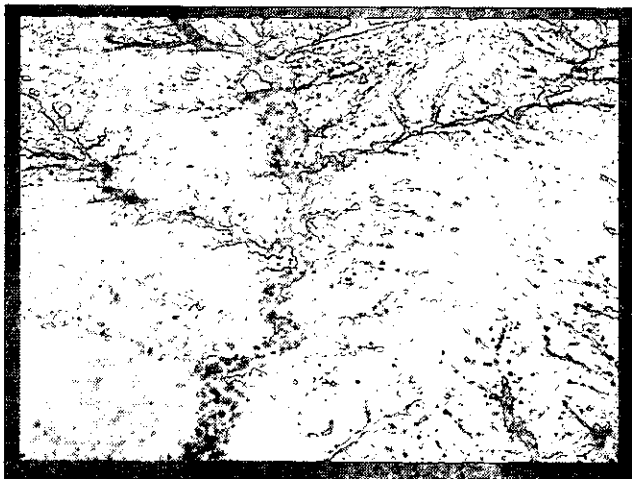
شکل ۴: یادبان سیرپینسکی

علاوه، این رشته علمی در دو زمینه علوم کاربردی و محاسباتی نیز قادر به شبیه سازی است.

رشته کوه ها، پشته های ابر، مسیر رودها با شعبه هایشان، خطوط ساحلی، پیکره کوه ها، و حتی اقمار و سیارات منظومه شمسی، ساختار فراکتالی دارند و به زبان ریاضی، قابل ترسیم و توصیف هستند. طراحی این پدیده ها به صورت مستقل و یا در کنارهم، و ساخت مدل های تصویری می تواند، جغرافی دانان را در جهت درک بهتر از محیط های طبیعی و برنامه ریزی منطقه ای یاری رساند.

در شکل های ۵ و ۶، یک دشت سیلابی از جنس رس، در یک دوره خشکسالی و یا مسیر قدیمی یک رود و شعباتش در صحرای استرالیا، پدیده های طبیعی هستند که ساختار فراکتالی دارند. این اشکال پیچیده، به کمک الگوریتم های نه چندان مشکل، بر مبنای قوانین هندسه فراکتالی و توسط فنون گرافیکی در رایانه مدل سازی می شوند.

شکل ۶. مسیر قدیمی یک رود و شعبه هایش در بیابان استرالیا



نقش هندسه فراکتال در مدل سازی جغرافیا

مدل سازی در جغرافیا که پیش تر به منظور فهم بهتر سازمان فضایی جغرافیا به کار گرفته می شود و تأثیر عناصر و اجزای سیستم های جغرافیایی و تقابل آن ها با یکدیگر را مورد آزمایش قرار می دهد، امروزه می تواند، دستاوردهای هندسه فراکتالی را نیز در کنار خود داشته باشد. هندسه فراکتال می تواند، اشکال متنوع و نامتقارن پدیده های جغرافیایی را در کنار هم طراحی و مدل سازی کند و به دلخواه، عناصر و اجزایی را در یک چشم انداز، کم و یا زیاد کند.

شکل ۵. تصویر فراکتالی یک زمین رسی خشک شده



شود. گرچه تا زمان استفاده از این فن برای کاربردی تر کردن جغرافیا در بسیاری از طرح‌های عمرانی و... فاصله نسبتاً طولانی وجود دارد، لیکن چشم‌اندازهای تازه‌ای در برابر برنامه‌ریزان جغرافیا به یاری هندسه فراکتال ایجاد شده است که نوید فراگیرتر شدن این بخش از دانش بشری را می‌دهد.

در تصویر ۷، تشخیص مناظر حقیقی از تصویر ساختگی بسیار سخت و غیرممکن است. تصویر شامل دیواره‌های صخره‌ای یک یخچال قدیمی و نیز زبانه‌های جوششی توده‌های کمولوس است؛ پدیده نامتقارن و غیر هندسی محیط پیرامون، که به کمک نرم‌افزارهای گرافیکی طراحی شده است. در بسیاری از زمینه‌ها، امکان چنین مدل‌سازی‌ها و تصویرسازی‌هایی برای جغرافی دانان می‌تواند مهیا

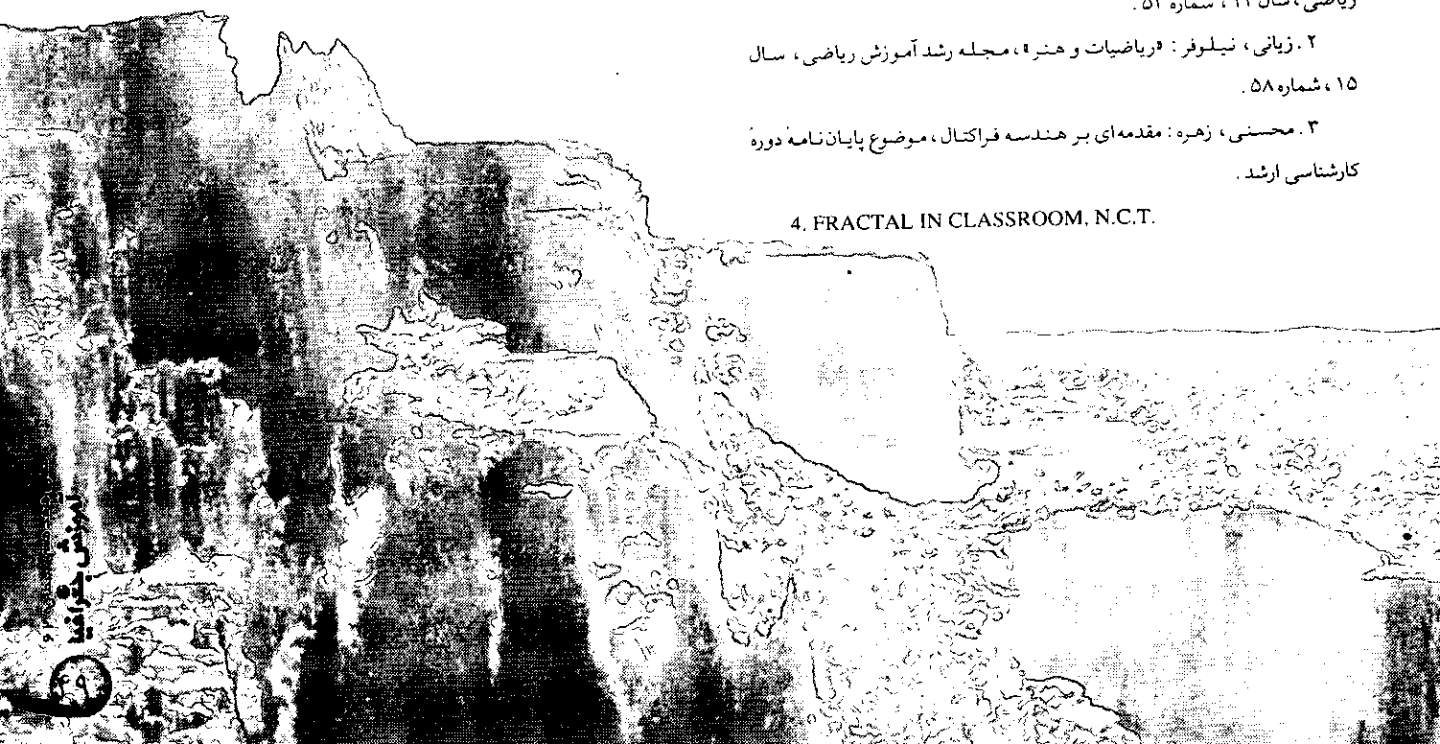
شکل ۷



منابع

۱. بابلیان، اسماعیل: «ویژگی‌ها و تولید فراکتال‌ها»، مجله رشد آموزش ریاضی، سال ۱۴، شماره ۵۳.
۲. زبانی، نیلوفر: «ریاضیات و هنر»، مجله رشد آموزش ریاضی، سال ۱۵، شماره ۵۸.
۳. محسنی، زهره: مقدمه‌ای بر هندسه فراکتال، موضوع پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد.

4. FRACTAL IN CLASSROOM, N.C.T.



گزارش برگزاری دوره آموزشی - توجیهی کتاب جغرافیای (۲) متوسطه

کوروش امیری نیا

کارشناس گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی

و تألیف کتب درسی

- آشنایی با کتاب جدیدالتألیف جغرافیای (۲)؛
- آشنایی با رویکردهای ناحیه‌ای در جغرافیا؛
- آشنایی با شیوه‌های ارزش‌یابی با تکیه بر کتاب جغرافیای (۲)؛
- تقویت مهارت‌های جغرافیایی.

۲. محتوا

به منظور دست‌یابی به هدف‌های موردنظر، منابع مرتبط با کتاب جغرافیای (۲) تهیه شد و در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت که عمده آن‌ها عبارتند از:

- کتاب جغرافیای (۲) (جدیدالتألیف)
- کتاب راهنمای معلم جغرافیای (۲)
- جزوه‌های مربوط به سواحل
- جزوه‌های مربوط به نواحی گرم و خشک و گرم و مرطوب
- جزوه‌های مربوط به نواحی کوهستانی
- جزوه‌های مربوط به نواحی سیاسی
- جزوه‌های مربوط به نواحی قطبی
- جزوه‌های مربوط به اصول و مفاهیم کلی جغرافیای ناحیه‌ای
- جزوه‌های مربوط به ناحیه سکونتگاه‌های روستایی و شهری

به منظور تأمین مدرس برای کتاب جدیدالتألیف جغرافیای سال سوم متوسطه (جغرافیای ۲)، دوره چهار روزه‌ای از ۹ تا ۱۲ دی ماه ۱۳۸۰ در مرکز آموزش نیروی انسانی استاد احمد آرام، در شهر تهران، با شرکت سرگروه‌ها و دبیران منتخب استان‌ها (۶۸ نفر) برگزار گردید. مشخصات این دوره به شرح زیر بود:

۱. هدف‌های کلی دوره

- تأمین مدرس برای کتاب جغرافیای ۲ (سال سوم متوسطه)؛
- افزایش دانش شغلی و تقویت مهارت‌های آموزشی دبیران جغرافیا؛
- آموزش مدرس برای انتقال برنامه‌ها و روش‌های جدید آموزشی به سایر همکاران؛
- ایجاد زمینه مناسب به منظور تربیت مدرس جهت تشکیل دوره‌های آموزش جغرافیا در دوره متوسطه در استان‌ها؛
- فراهم نمودن زمینه مناسب برای ارتباط با گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و شناسایی نیروهای مستعد، به عنوان بازوهای اجرایی گروه جغرافیا؛

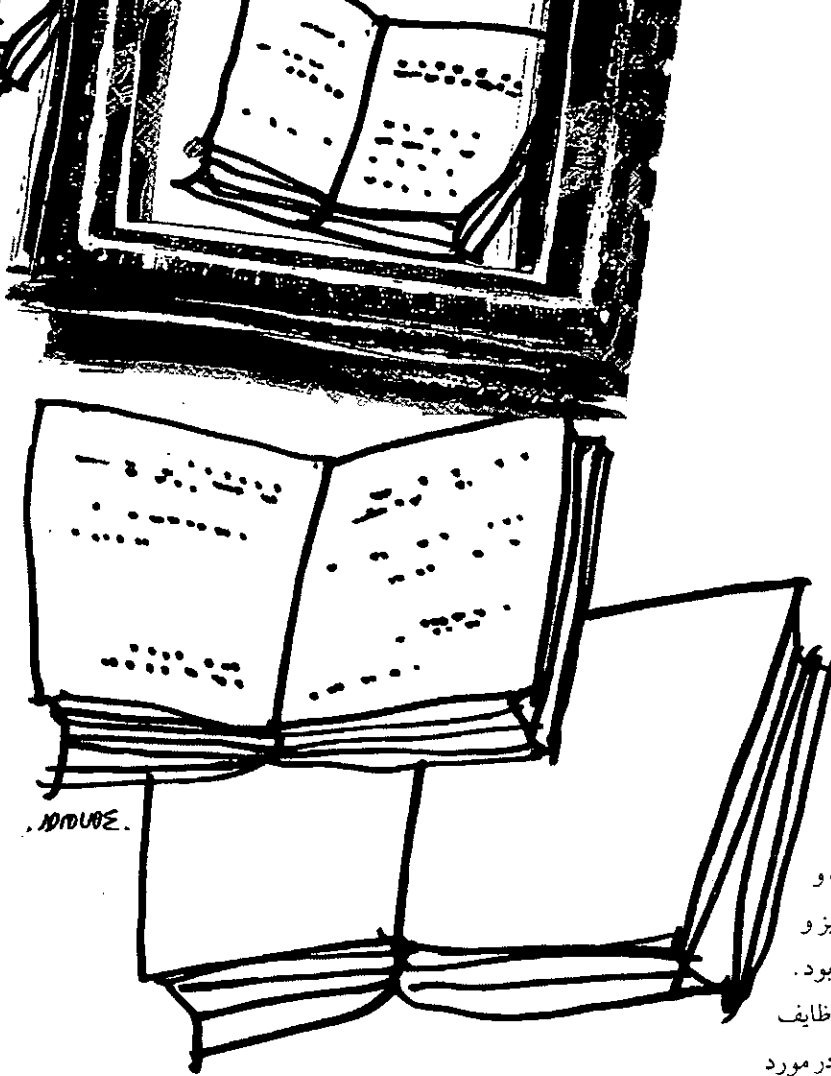
۳. مدرسان

در این دوره، ۷ نفر از مولفان کتاب جغرافیای (۲)، به منظور ارائه دیدگاه‌های خود در تألیف و آموزش جغرافیا با تکیه بر مباحث کتاب جدیدالتألیف جغرافیای (۲) شرکت کردند که عبارتند از: آقای دکتر ابوالقاسم ملکی، خانم دکتر صالحی، خانم فلاحیان، خانم اذانی، خانم اریسیان، خانم صابری و آقای حسین اینانلو.

۴. شرایط و امکانات اجرایی دوره

۱.۴. امکانات اجرایی

به خاطر هماهنگی‌های قبلی که بین مسؤولان مرکز مجری و نماینده



مه‌ریزی و تألیف کتب درسی صورت
د، و با توجه به برگزاری چند دوره به
این دوره و از طرف دیگر، تشکیل
ی کارشناسی ارشد، خوشبختانه نقضی
ری دوره دیده نشد. مرکز مجری تلاش
نکرده بود و همه توان خود را، شامل نیروی
فضای آموزشی، به کار گرفته بود.
وز قبل از برگزاری دوره، سالن اجتماعات و
«الف و ب» آماده شده بود و نحوه آرایش میز و
امتناسب با فرایند آموزش سازمان دهی شده بود.
ت این که همه عوامل اجرایی نسبت به شرح وظایف
توجه شده بودند و مشکلی از نظر هماهنگی در مورد
غذیه و ارائه سایر خدمات وجود نداشت.

مجری بود. از همان جلسات نخست، فضای صمیمی حاکم بود،
به گونه‌ای که در اکثر موارد، تشریک مساعی و هم‌فکری در اجرای
برنامه‌ها به خوبی مشهود بود و هر نوع مشکل و نقضی که پدید
می‌آمد، به راحتی برطرف می‌شد. قابل ذکر است که استقرار عوامل
اجرایی و همکار تخصصی در مکان‌های مشخص و با وظایف تعریف
شده، از نکات برجسته دوره بود که به اجرای دوره به صورت مطلوب
منجر شد.

۶. ارزش‌یابی

آموزش دبیران در این دوره بدین صورت بود که ابتدا، هریک
از مدرسان (مؤلفان) موضوع درسی و فعالیت مورد انتظار خود را
مطرح می‌کرد. در ادامه و پس از طی یک دوره تدریس توسط هریک
از مدرسان، کار و فعالیت شرکت‌کنندگان مورد ارزیابی قرار
می‌گرفت. معیارهای ارزش‌یابی در این دوره، عبارت بودند از:
مشارکت جدی در فرایند «یاددهی - یادگیری»، بیان ایرادات و
اشکالات علمی کتاب و آزمون کتبی.

نات آموزشی

رت و کنترل ریاست محترم مرکز و عوامل اجرایی آن و
رامل اجرایی دفتر، چند روز قبل از برگزاری دوره، همه
بوزشی مورد نیاز، فراهم شده بود؛ به گونه‌ای که کلاس‌ها
تسعاعات، متناسب با موضوعات درسی از وسایل
شی از قبیل رایانه، پروژکتور، اورهد، اوپک، ویدئو و
... برخوردار بودند. با توجه به تعداد شرکت‌کنندگان،
ه‌های آموزشی از قبل آماده بودند و در نخستین ساعات
شی، کلیه شرکت‌کنندگان جزوه و کتاب مورد نیاز را در
تند.

ت همکاری مسؤولان مرکز مجری با همکار

مان داشت که این دوره، یکی از بهترین دوره‌ها از نظر
صمیمی بین همکار تخصصی و مسؤولان محترم مرکز

۷. موانع و مشکلات

۱. توجیه نبودن برخی از شرکت کنندگان نسبت به مأموریت اداری خود.
۲. عدم رعایت دستورالعمل شماره ۱۶/۱۰۳۰۶/۱۰۳۰۶، مورخ ۸۰/۹/۱۳ در خصوص معرفی شرکت کنندگان؛ بدین شرح:
 - ۱-۲. عدم اعزام سهمیه در نظر گرفته شده (از هر یک از استان‌های مازندران، فارس و هرمزگان، یک نفر کم‌تر از سهمیه حضور داشت).
 - ۲-۲. اعزام دبیران بیش از سهمیه در نظر گرفته شده (از استان‌های مرکزی، کرمان و شهر تهران).
 - ۳-۲. عدم حضور دبیر و سرگروه از استان همدان در این دوره. مسلم است، تحول بنیادی در فرایند «یاددهی-یادگیری» نیازمند دبیران آموزش دیده است و عدم حضور بعضی از دبیران از برخی استان‌ها، باعث اختلال در آموزش کتاب جغرافیای (۲) در سطح آن استان‌ها می‌شود.

راه کارهای آموزشی - اجرایی برای سال آینده

برای جلوگیری از برخی مشکلات احتمالی در برگزاری دوره‌های بعدی آموزش دبیران، موارد مهم و ضروری به شرح زیر بیان می‌شود:

۱. بهتر است، سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌ها ترتیبی اتخاذ کنند تا شرکت کنندگان محترم از محل و زمان برگزاری دوره به نحو مطلوب باخبر شوند. همچنین، تمهیدات لازم برای صدور مأموریت اداری شرکت کنندگان فراهم گردد.
۲. مفاد دستورالعمل‌ها به اطلاع شرکت کنندگان رسانده شود (زمان و مکان دوره).

۳. مسؤولان استان‌ها به این نکته پای‌بند باشند که طبق دستورالعمل، دبیران را برای آموزش اعزام کنند (رعایت سهمیه استانی). عدم رعایت این بند باعث اختلال در امر آموزش خواهد شد.

۴. زمینه مساعد برای اجرای دوره‌های آموزش و حمایت از دبیران آموزش دیده در سطح استان‌ها فراهم شود.

برخی نکات مثبت در اجرای دوره

۱. اولین جلسه مشترک در تاریخ ۹ بهمن ماه ۱۳۸۰ صبح، به جلسه افتتاحیه اختصاص داشت که با تلاوت آیاتی کلام‌الله مجید آغاز شد. سپس، سرکار خانم دکتر مقیمی، کارشناس مسئول محترم گروه درسی جغرافیای دفتر برنامه ریزی و تألیف درسی، ضمن خیر مقدم به شرکت کنندگان، هدف‌های بر دوره را بیان کرد. در ادامه، آقای دکتر چوپینه، معاونت متوسطه دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، به بیان ضرورت برگزاری دوره آموزشی - توجیهی و سیاست‌های کلان درسی دفتر در ارتباط با کتاب‌های درسی پرداخت.
۲. همه مؤلفان که مدرس دوره نیز بودند، در طول دوره دبیران حضور داشتند و به اصلاح ساختاری کتاب و تبادل نظر می‌پرداختند.

۳. حضور اعضای گروه در طول دوره چشم‌گیر بود.

۴. کلیه کلاس‌ها طبق جدول پیش‌بینی شده برگزار شد.

۵. دفترچه‌ای حاوی هدف‌های کلی دوره، هدف‌ها، منتظر، و... در جلسه آغازین دوره به شرکت کنندگان داده شد.

۶. در آخرین روز دوره، حدود نیم ساعت از برنامه کارشناسان گروه درسی جغرافیا، ضمن بیان تشکر از همکاری، همراهی همه عوامل اجرایی و آموزشی، وظایف دبیران یادآوری کرد و برگزاری دوره‌هایی با کیفیت مطلوب استان‌ها را خواستار شد.

معرفی مرکز علمی برای بازدید

گزارش بازدید از « مرکز علوم و ستاره شناسی تهران »

مینا سیستانی دبیر جغرافیا - کرج



حوضه مطالعاتی آن است. اهمیت بازدیدهای علمی در سطوح والای یادگیری از میزان توجه و اشتیاق و فراگیری بازدیدکنندگان کاملاً مشهود است.

از جمله مراکز ارزشمند برای بازدیدهای علمی، مراکز علوم در فرهنگ سراها و یا مراکز مستقل علمی، همچون «مرکز علوم و ستاره شناسی» هستند که برخلاف اغلب موزه ها یا نمایشگاه ها، بازدیدکنندگان می توانند، بالمس وسایل و انجام آزمایشات، خود به تلفیق علم و عمل پردازد؛ یعنی می توانند، خود «آزمایشگر» باشند.

روز سوم آبان ماه سال گذشته، گروهی از همکاران مدرس جغرافیا، به همراه گروه فیزیک و تعدادی از همکاران مدرس فیزیک، از مرکز علوم و ستاره شناسی تهران بازدید کردند که گزارش آن به شرح زیر به اطلاع علاقه مندان می رسد:

مقدمه

بازدیدهای علمی یکی از ارکان اصلی آموزش علوم در همه شاخه های علمی، خصوصاً علم جغرافیا به علت گستردگی

مشروح بازدید

این مرکز که در سال ۱۳۷۹ توسط «شهرداری تهران» احداث شد، دارای این رشته‌های علمی است: ستاره‌شناسی، اپتیک، لیزر، صوت، فیزیک کاربردی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، هواشناسی و شیمی که جمعاً حدود ۵۰ طرح با توان انجام ۸۰ برنامه را شامل می‌شود.

بخش ستاره‌شناسی

مهم‌ترین هدف این مرکز ارائه اطلاعات نجومی به روش‌های جذاب و گویاست. دارای یک رصدخانه با گنبدی به قطر ۵ متر با توان حرکت در دو جهت افقی و عمودی است که در پشت بام مرکز قرار دارد.

یک تلسکوپ ۱۲ اینچی رصدخانه از نوع بازتابی و متصل به دستگاه رایانه است. در این رصدخانه، یک دوربین مخصوص عکسبرداری با قابلیت بالا نیز وجود دارد که امکان عکسبرداری از اجرام آسمانی را نیز میسر می‌سازد.

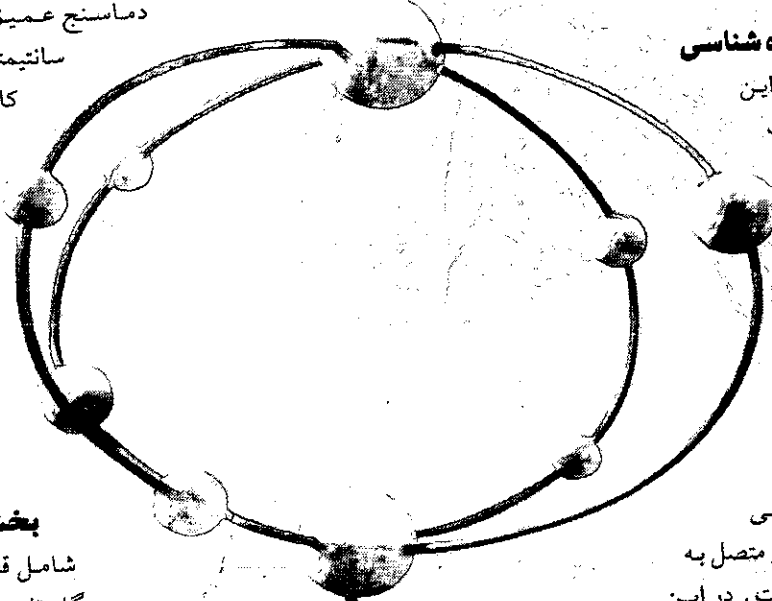
از دیگر تجهیزات دیدنی ستاره‌شناسی این مرکز، سالن ترازوهاست که وزن افراد را در سیارات زمین، مریخ، مشتری و ستاره خورشید و کره ماه اندازه می‌گیرد. علاوه بر این، تالار کهکشان راه شیری، اطلاعاتی در زمینه صور فلکی و ستارگان و سیارات منظومه شمسی به دست می‌دهد.

در محوطه مرکز، یک ساعت آفتابی با شاخصی فلزی، زمان خورشیدی دقیق در روز را نشان می‌دهد که با کمک نمودار موجود در

بخش هواشناسی

ادوات هواشناسی تعبیه شده در محوطه مرکزی عبارت از: بادسنج الکترونیکی (تعیین جهت و سرعت باد)، فشارسنج جیوه‌ای، دماسنج‌های اعماق خاک (شامل

دماسنج عمیق ۲۰ سانتیمتر و دماسنج ۱۰۰ سانتیمتر، کاربرد در علم زراعت، جعبه اسکرین (شاه ۴ دماسنج دما لحظه‌ای هوا، حداقل و حداکثر دما، رطوبت سنج، باران سنج، تشنه‌تبخیر، و آفتابنگار.



بخش زمین‌شناسی

شامل قفسه انواع سنگ‌ها، دستگاه «استریوسکوپ» (برای نقشه‌برداری‌های هوایی) است.

بخش شیمی

شامل آزمایشگاه کیمیاگری (مدل آزمایشگاه‌های قدیمی) و آزمایشگاه شیمی مدرن است.

بخش زیست‌شناسی

شامل کندوهای مشاهداتی زنبور عسل و مدل «DNA» است.

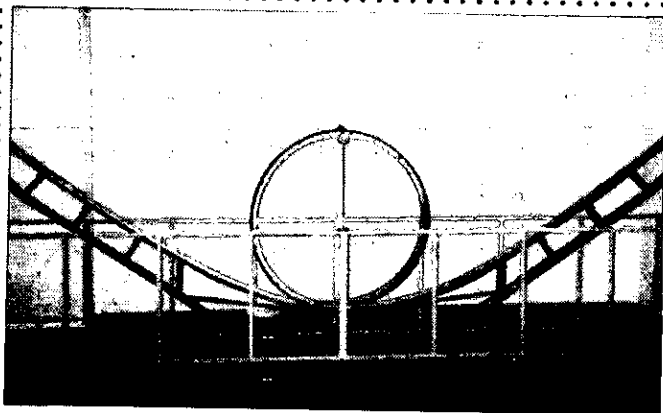
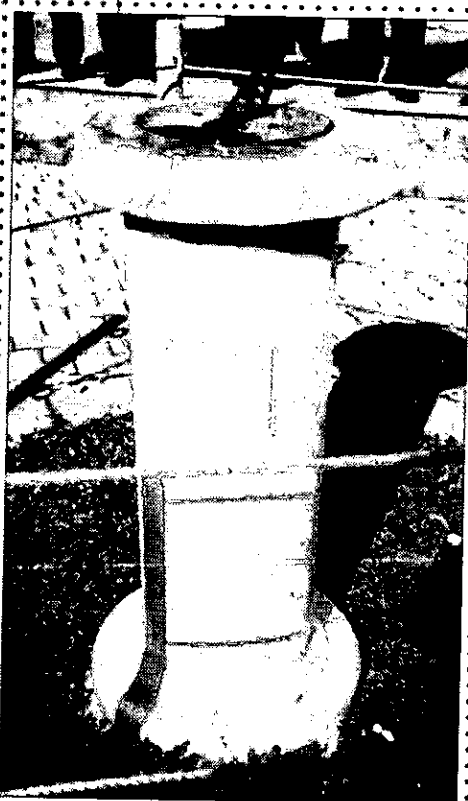
بخش صوت

شامل اتاق بدون پژواک، دستگاه آزمون صوت و آزمون صوت و خلا است.

بخش اپتیک

شامل آینه‌های محدب و مقعر،





صفحات پلاتو، برش موتور ماشین، گهواره نیوتن و دستگاه «ژیروسکوپ» است.
این مرکز همه روزه، از ساعت ۹ تا ۱۳ برای بازدید آماده است و برای رصد شبانه روز، روزهای چهارشنبه با هماهنگی قبلی بازدیدکننده می پذیرد.

دیسک بنهام، و زیباین (اتاق مثلثی با آینه تخت در سه وجه) است و آزمایش «دست یخ زده» و آزمایش «من و تو» (ساخت چهره جدید) را می توان در آن انجام داد.

بخش فیزیک کاربردی

شامل صندلی چرخان، قرقه های ساده و مرکب، ترن هوایی، توپ معلق در هوا، دوک جادویی، آونگ آشوبناک،

مشارکت شهروندان در مدیریت

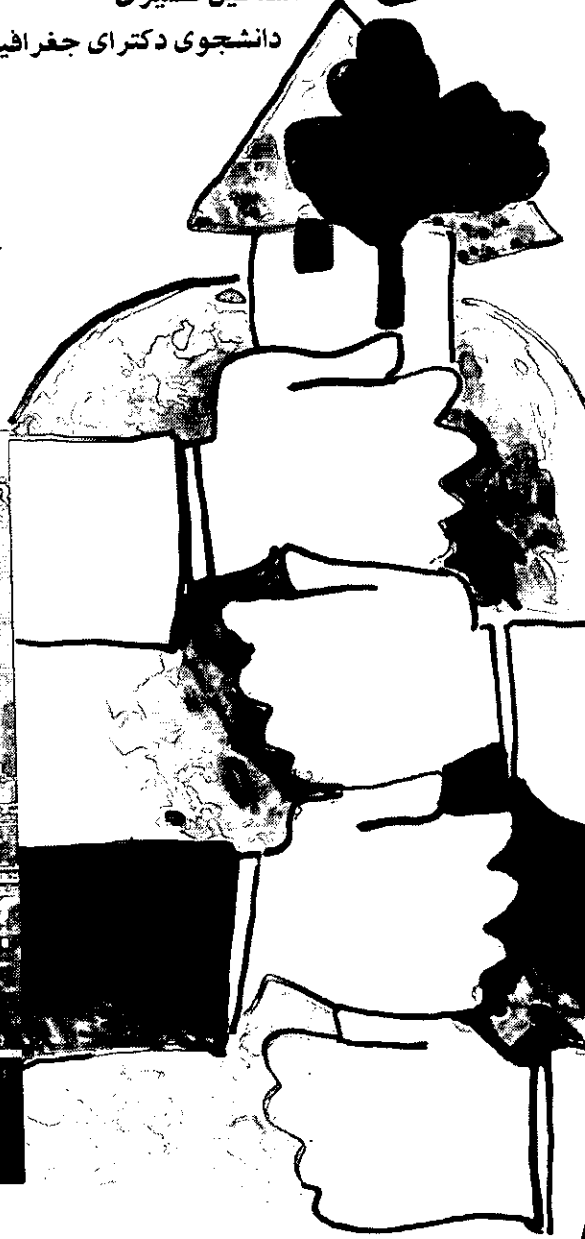
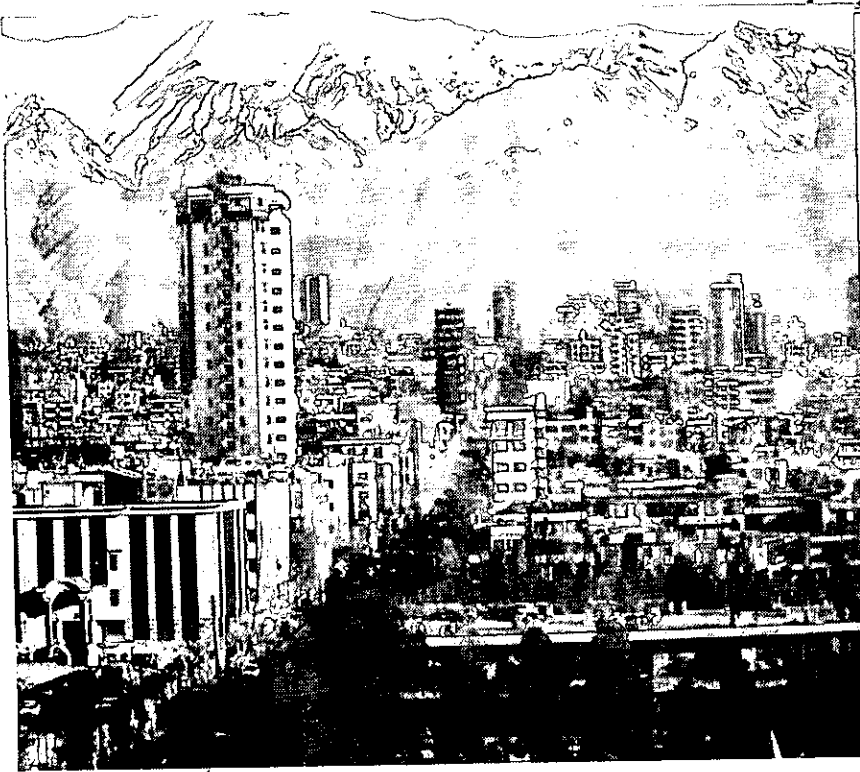
اسماعیل نصیری

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی



پایه‌های مشروعیت شهرسازی را قوام بیش‌تری می‌بخشد. مسلم است که انسان محور اصلی توسعه است. وجه تمایز انسان، در واقع در مشارکت اجتماعی و زندگی جمعی او به همراه اصل مشارکت نظام‌یافته متفکرانه، نهفته است. پیشرفت‌های بشری نیز همگی مرهون مشارکت گسترده اجتماعات است.

مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دست‌یابی به هدف‌های



گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسؤلیت کار شریک شوند.

مقدمه

پارادایم مشارکت شهری

رشد فزاینده «شهرنشینی» و گسترش روند «شهرگرایی» و پیچیده شدن نظام جامعه شهری، از جمله عواملی هستند که ضرورت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را بیش از پیش کرده‌اند. از دهه ۱۹۹۰ تاکنون، پارادایم جدیدی از مدیریت شهری مورد توجه فزاینده سازمان‌های بین‌المللی و حکومت‌های محلی (شهرداری‌ها)

«مشارکت» در کشور ما پدیده جدیدی نیست. با این حال، امروزه بارشد شهرنشینی و به دنبال آن تغییر الگوهای مشارکت، لزوم بازبینی در این مفهوم و ارائه الگوهای متناسب با نیازهای امروزی شهروندان، کاملاً محسوس است.

فراخواندن مردم به مشارکت در امور شهر، از جمله تئوری‌های «مدیریت مشارکتی» است. درحقیقت، مشارکت مردم در شهرسازی،

سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی؛
۳. وجود نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها و شوراهای شهر)
مشارکت خواه، مشارکت جو و مشارکت گستر.^۱

در پارادایم مشارکت شهری، مردم، سازمان‌ها و نهادهای شهری، تأثیر بارزی در کاربری شهری و نحوه استفاده از فضای شهری دارند. مشارکت مردم و نهادهای مردمی، پایداری «بوم شهر» را سامان می‌بخشد. نهادهای مردمی نیروی محرکه‌ای، ورای موفقیت بوم شهر دارند. شیوه‌های رفتاری آنان و این که «محیط شهری پاک و سرزنده» با «محیط زیست سالم» ارتباط دارد، نشانگر اهمیت کیفیت زندگی در شهر پایدار است. آگاهی رسانی و مشارکت مردم و نهادها، مانع تخریب زیست محیطی می‌گردند.^۵

مشارکت شهری در ایران

مدیریت شهری در ایران در رابطه متقابل و ارگانیک با برنامه‌ریزی شهری نیست. حال آن که این دو باید در پیوند و تأثیرپذیری مداوم از یکدیگر باشند. متأسفانه در کشور ما، مدیریت شهری تحت تأثیر تعیین کننده ساختارهای کلان و محیط قرار دارد که حاصل عقب ماندگی «شهرگرایی» از «شهرنشینی» و پیشی گرفتن «رشد» از «توسعه» شهری، و عدم تشکل جامعه مدنی است. اکثر اقدامات مدیریت شهری و قریب به اتفاق برنامه‌ریزی شهری در دهه گذشته، از بالا و از بیرون برای اجتماعات شهری انجام شده که اکنون نیاز به حرکتی از پایین و از درون، برای خودی و بومی شدن آن‌هاست.^۶ ساختار مدیریت شهری باید مبتنی بر اصولی باشد که در واقع، شالوده این ساختار را به وجود می‌آورند. این اصول را می‌توان بدین صورت بیان نمود:

۱. اصل تربیت شهری و آموزش شهروندی؛
 ۲. اصل نظریاتی مداوم از شهروندان؛
 ۳. اصل ضوابط مدون و منتشر شده برای آگاهی و راهنمایی شهروندان؛
 ۴. اصل رعایت بُعد زمان در اقدامات و اجرای امور؛
 ۵. اصل جلب اعتماد به بخش مردمی و بخش خصوصی؛
 ۶. اصل اختیار و مسؤلیت؛
 ۷. اصل بازبینی و تجدیدنظر در اقدامات انجام شده، در پندآموزی از تجربه‌های گذشته.^۷
- در ایران برای توسعه و اعمال مدیریت شهری باید پذیرش متقابل حقوقی میان شهروند و شهر وجود داشته باشد. دو نهاد می‌توانند، ارکان اصلی مدیریت شهری را به وجود آورند: نخست شورای شهر، و دوم شهرداری‌ها که در رأس هرم اجرایی شهر قرار دارند.^۸

تاریخچه تشکیل این دو نهاد در کشور ما، به قبل و بعد از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. بعد از انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۵ شمسی، قانون تشکیل «بلدیه» به اجرا درآمد و در حقیقت با حمایت دولت مرکزی شکل گرفت و شهرداری‌ها به عنوان بازوی اجرایی دولت به کار گرفته

و شوراهای شهر و شهروندان قرار گرفته است.^۱

مدیریت شهری اولین بار زمانی مورد توجه واقع شد که در سال ۱۹۷۶ میلادی، در کنار مفاهیمی همچون «برنامه توسعه پایدار شهری» و «پروژه شهر سالم»، در دستور کار یکی از برنامه‌های توسعه سازمان ملل با همین عنوان (مدیریت شهری) قرار گرفت.^۲ این برنامه که به منظور کمک به توسعه شهرهای جهان سوم مطرح شده، مجموعه سیاست و برنامه‌هایی است که برای شهرهای کشورهای در حال توسعه به خصوص شهرهای بزرگ طراحی شده است و در قالب کمک‌های فنی و مالی به این کشورها ارایه می‌شود.

در پارادایم مدیریت شهری، نقش‌ها و کارکردهای شهری جدیدتری برای دخالت دادن نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) و شهروندان در برنامه‌ریزی در نظر گرفته شده است. رکن اصلی اجرای پروژه توسعه شهری نیز مشارکت همه جانبه افراد و گروه‌های شهری است. در مفاهیم برنامه‌ریزی، اصطلاح «توسعه از پایین به بالا»، ناظر بر نقش مشارکتی مردم است. مشارکت شهری را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی و فعال گروه‌های شهری در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دانست. از دهه ۱۹۹۰ میلادی، توجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی صورت گرفته است؛ به طوری که این پارادایم در حال حاضر، به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری محسوب می‌گردد.

مهم‌ترین نتایج مشارکت شهری به قرار زیر است:

۱. آگاهی مردم از توانایی خود؛
 ۲. تقویت حس اعتماد و اطمینان نسبت به مدیران شهری؛
 ۳. تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیریت شهری در حل مشکلات شهری، از طریق شهروندان.^۲
- با توجه به طیف وسیع پروژه‌های شهری و حیطة و وظایف گسترده و متنوع نظام مدیریت شهری و ارکان اصلی آن (شهرداری‌ها و شوراهای شهر)، زمینه‌های زیادی برای جلب مشارکت شهری وجود دارد. وظایف نظام مدیریت شهری را در اکثر کشورهای جهان، می‌توان در زمینه‌های مشارکت شهری در امور ایمنی، امنیتی، ورزشی، فرهنگی، رفاهی، اقتصادی، گردشگری، آموزشی و شهرسازی دانست.

یکی از مهم‌ترین الزامات مشارکت شهری، وجود پیش شرط‌های لازم برای تحقق مشارکت شهری است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. وجود فرهنگ مشارکت شهری؛
۲. فراهم بودن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوق شهری مناسب و متناسب با مشارکت شهری، در

شدند. از ابتدای تأسیس شهرداری در ایران، دولت به جای نظارت بر امور شهرداری‌ها، در امور آن‌ها دخالت داشت.

پیشینه «شوراهای اسلامی» به ابتدای انقلاب اسلامی و تشکیل مجلس خبرگان و قانون شورای اسلامی کشور بازمی‌گردد. این شوراها از پایین‌ترین تا بالاترین سطح کشور تشکیل شدند. برای این شوراها وظایف و اختیاراتی پیش‌بینی شده که شامل ابعاد مختلف، از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، عمرانی و... است. در سال ۱۳۶۱، قانون تشکیل شورای اسلامی به تصویب رسید که در سال‌های بعد از آن، گاه با قدرت مطرح و گاه به فراموشی سپرده شد. تا این‌که در سال ۱۳۷۲، شاهد برپایی شوراها بودیم و در سال ۱۳۷۷، انتخابات شوراها برای نخستین بار در کشور انجام گرفت.^۹

چالش‌ها و مشکلات مشارکت شهری

باید گفت که شوراها و شهرداری‌ها در ایران، به‌عنوان ارکان مدیریت شهری، کم و کاستی‌هایی دارند که این امر خود حضور شهروندان را در مشارکت پروژه‌های شهری کم‌رنگ می‌سازد. شوراها هدف‌ها و دستاوردهای متنوعی می‌توانند داشته باشند، اما باید انعطاف‌پذیری در امور شوراها به‌طور کامل رعایت شود تا نتوانند، با مشکلات متنوع روبه‌رو شوند و ناآشنای مردم هماهنگی لازم را به‌عمل آورند. اصولاً نمی‌توان از شوراها انتظار داشت که ساختار مدیریتی کشور را دگرگون سازند. شوراها یکی از ابزار تحقق «عدم تمرکز اداری» هستند. البته باز هم از لحاظ اداری نمی‌توانند به‌طور کامل، موجبات عدم تمرکز اداری را فراهم آورند. زیرا شوراهای شهر تنها یک حلقه از زنجیره گسترده شوراهایی هستند که در قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند.^{۱۰}

بررسی اجمالی سیستم‌های مدیریت شهری در شهرهای مطرح جهان حاکی از آن است که اغلب آن‌ها مدیریتی مستقل و مردمی، براساس قانون‌گذاری و نظارت از سوی شورای شهر دارند. علاوه بر شورای شهر به‌عنوان مجمع قانون‌گذاری برای شهر، اعضای شورای شهر در مدیریت کلان، معاونت‌ها و سازمان‌های شهرداری نیز مشارکت دارند و در کمیسیون‌ها و کمیته‌های مدیریتی نظارتی، به‌عنوان مسئولین یا عضو، بر فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی نظارت می‌کنند. این روش، نقش اعضای شورا و نمایندگان مردم را در مراحل مختلف تصمیم‌گیری و امور اجرایی بسیار فعال می‌سازد.^{۱۱}

از سوی دیگر، نهادینه شدن شوراهای اسلامی شهرها در جمهوری اسلامی ایران امری نوین است، درحالی‌که از ایجاد نهاد شوراهای شهری در بسیاری از کشورها چند قرن می‌گذرد. از این‌رو،

توجه به تجربه‌های کشورهای پیشگام در این راه اهمیت خاصی دارد. هدف اصلی شوراهای اسلامی پیشبرد سریع برنامه‌های توسعه شهری از طریق همکاری و مشارکت مردم است. در این راستا پیشنهاد می‌شود، اعضای شورای شهر در نظام مدیریت شهری و شهرداری مشارکت و نظارت مستقیم داشته باشند. نظر به این‌که شوراهای اسلامی شهرها کارآمدترین ابزار حکومت محلی برای مدیریت شهری در راستای نهادینه شدن مشارکت مردم در ساختارهای تصمیم‌گیری محلی هستند، توسعه نقش آن‌ها در امور مدیریت شهری و شهرداری، ضرورت دارد.^{۱۲}

قانون شوراها اشکالات اساسی دارد که باید با گذشت زمان، اصلاح و ترمیم شود. شوراها نوبا هستند و برخی از تفکرات نیز که متأثر از گذشته‌های دورند و چندان با سپردن امور به دست مردم و افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها موافق نیستند، می‌توانند بر مشکلات شوراها بیفزایند. شوراهای اسلامی در اولین گام مدیریتی خود، باید شناخت کامل و جامعی از ویژگی‌های جامعه کسب کنند و برای دست‌یابی به مدیریت شهری، تعاریف و الگوهای روشنی ارائه دهند. شوراها باید با نگرشی آسیب‌شناسانه نیازهای شهر و شهروندان را در همه زمینه‌ها شناسایی کنند. باید با کالبدشکافی دقیق، تعاریف روشنی از این نیازها ارائه دهند و بر این اساس، زمینه و مدارهای فعالیتی خویش را تعیین نمایند و نه تنها رابطه میان این مدارها، بلکه رابطه آن‌ها را با سایر عوامل و دستگاه‌های اجرایی تأثیرگذار تعریف کنند و برای اجرای این فعالیت‌های تعریف‌شده، تشکیلات اداری کارا و منطبق با اصول مدیریت و هماهنگی و هم‌خوانی با ساختار مدیریتی کلان کشور، بنا نهند.^{۱۳}

۱. انتخاب شهردار از مسائل مهمی است که شوراهای اسلامی با آن مواجه هستند.
۲. حضور ضعیف شوراها در برنامه‌ریزی محلی بسیار محسوس است.
۳. سیاست‌گذار به روشنی مشخص نکرده است که هدف از ایجاد شوراها نظارت است یا اجرا.
۴. شوراها توصیه‌گر شده‌اند. با وجودی‌که شوراها رسماً موظف به اجرای وظایف قانونی خود شده‌اند، اما عدم آمادگی لازم سایر سازمان‌ها برای هماهنگی با شوراها، خود مشکل بزرگی شده است.
۵. شوراها از نظر ترکیب اعضای خود عموماً فاقد تخصص‌های کافی در امور شهر و شهرداری هستند.
۶. درحالی‌که شهرداری‌ها وظیفه اداره امور شهرها را برعهده دارند و به‌عنوان مسئول در برابر مردم با واسطه شورای شهر شناخته می‌شوند، چندین سازمان دیگر در اداره امور شهر مداخله می‌کنند که با هم هماهنگ نیستند.
۷. همه شهرداری‌های کشور، بدون توجه به توان مالی و تخصصی خود، مقید به انجام وظایفی یکسان در کل کشور هستند.



اما چون نظام مدیریت شهری در کشور ما بر تابتده پارادایم جدید مدیریت شهری نیست، دشواری و مشکلات بیش تری فراروی خود دارند که در این میان، شهروندان آگاه و مشارکت خواه در بسط و گسترش فرهنگ مشارکت شهری می توانند، نقش عمده ای داشته باشند.

زیر نویس

1. UNDP, 1999, 428

2. Ibid, Page 490

۳. نجاتی، ۱۳۷۹، ص ۵

۴. صرافی، ۱۳۷۹، ص ۷۰

5. Frank, 1990, 50

۶. صرافی، ۱۳۷۹، ص ۷۵

۷. مزینی، ۱۳۷۹، ص ۴۵

۸. پیشین، ص ۴۹

۹. طاهرخانی، ۱۳۸۰، ص ۷۷

۱۰. ارجمندنیا، ۱۳۷۹، ص ۳۰

۱۱. تبریزی، ۱۳۸۰، ص ۵۰

۱۲. نیاوندیان، ۱۳۸۰، ص ۱۸

۱۳. مزینی، ۱۳۷۸، ص ۸۰

۱۴. الوانی، ۱۳۷۸، ص ۴۰

منابع

۱. ارجمندنیا، اصغر. «بوم شهر». فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، زمستان ۱۳۷۹.

۲. الوانی، محمد. «اصول مدیریت». انتشارات مینو، ۱۳۷۳.

۳. تبریزی، حسین. «شهرهای پایدار». پایان نامه دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳.

۴. صرافی، مظفر. «مفهوم و مبانی مدیریت شهری». فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، تابستان ۱۳۷۹.

۵. طاهرخانی، حبیب الله. «شهرداری ها و شوراهای اسلامی شهرها». فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، بهار ۱۳۷۹.

۶. مزینی، منوچهر. «مدیریت شهری و روستایی در ایران». وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۹.

۷. مزینی، منوچهر. «مدیریت شهری در ایران». فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، تابستان ۱۳۷۹.

۸. نجاتی، سید محمود. پارادایم جدید مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، بهار ۱۳۷۹.

9. Frank, John. City Management. London. 1998.

10. Joky, A-Urbanization in practice. Oxford. 1999.

11. UNDP. Human Development Report. New York. 1999.

۸. جایگاه شهرداری ها در سلسله مراتب نظام حکومتی مشخص نیست. در حالی که در همه کشورهای جهان، به عنوان اساس حکومت محلی، دارای جایگاه ویژه ای هستند.

۹. با توجه به تشکیل شوراهای شهر، شهرداری ها از مشارکت فعال مردم در اداره امور شهر محروم هستند.

۱۰. تورم نیروی انسانی در شهرداری های کشور چشم گیر است.

۱۱. شهرداری های کشور به دلیل ضعف توان مالی و نیروی انسانی، هیچ گونه برنامه آموزشی برای جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ندارند.

۱۲. تحقیق و پژوهش در خصوص مسائل و وظایف شهرداری ها، چه توسط آن ها و چه توسط جامعه دانشگاهی کشور، بسیار ضعیف است.^{۱۱}

با توجه به مسائل و مشکلاتی که فراروی شوراها و شهرداری ها وجود دارد، راهکارهای زیر را می توان ارائه داد:

۱. باید مجموعه ای کامل از قوانین و مقررات تدوین شود. در این راستا، باید تکیه بر مقررات و آیین نامه های اجرایی باشد.

۲. با اقدام در جهت شفاف کردن مرز بین سیاست گذاری و اجرا و ارائه برنامه های آموزشی، مداوم باید به شوراها کمک کرد.

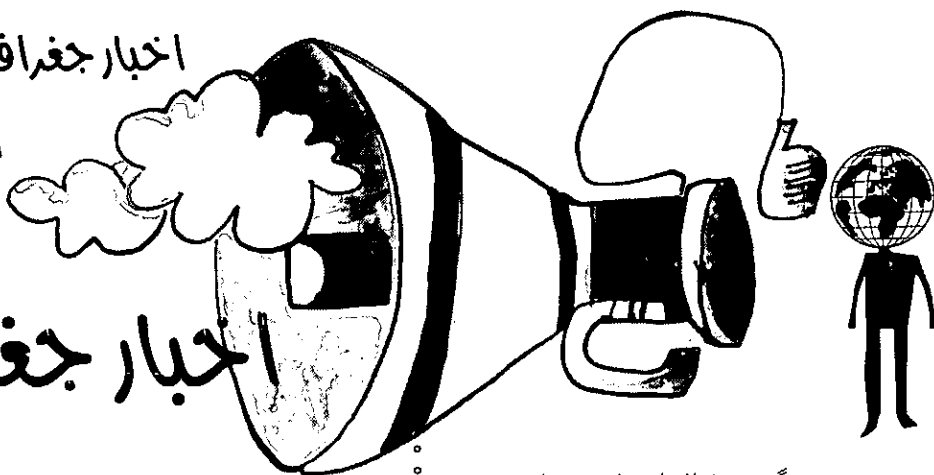
۳. اتکا به راه حل های قانونی مطمئن ترین شاخص در ایجاد هماهنگی بین شوراها و شهرداری و ایجاد تفاهم بین مدیریت اجرایی و مدیریت ناظر شهر است.

۴. شوراها باید به تدریج، برای جلوگیری از برنامه روزمرگی، به تدوین برنامه های بنیادی تر دست بزنند.

جمع بندی

مهم ترین جنبه های مشارکت مردم، فراهم آوردن پیش زمینه های لازم برای استفاده از توانایی بالقوه مالی، علمی، فکری و... آنان است. سپردن امور به مردم، مستلزم روحیه مشارکت طلبی و کار جمعی است که تاکنون در جامعه ما زمینه مساعد چندان برای آن وجود نداشته است. جریان زندگی امروزه به گونه ای است که مشارکت در همه قلمروهای آن نقش عمده ای دارد و مردم به صورت فردی و گروهی، خواهان حاکمیت بر سرنوشت خویشند. حرکت به سوی مردم سالاری، استقبال از اقتصاد باز و حمایت از خصوصی سازی و کارآفرینی، آزادسازی جریان اطلاعات و... همه راه هایی به سمت جلب مشارکت مردمی در به دست گرفتن امور خویش است که نمونه بارز آن، شورای شهر می باشد.

شورای شهر و شهرداری ها به عنوان ارکان اصلی ساختار مدیریت شهری هستند که خود پارادایم مشارکت شهری را تشکیل می دهند. به عنوان یک نمونه برجسته از تجربه های جهانی برای تحقق پیش شرط های مشارکت شهری، می توان به تشکیل شوراهای شهر، استقلال حکومت های محلی، و انتخاب شهردار از سوی شهروندان اشاره کرد.



گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی از همه گروه های آموزشی در سطح استان ها، شهرستان ها و مناطق، و هم چنین گروه های آموزشی جغرافیا در کلیه دانشگاه ها دعوت می نماید، گزارش های مربوط به فعالیت های مهم جغرافیایی خود را در همه دوره های تحصیلی، و هم چنین ابتکارات و نوآوری های آموزشی همکاران را برای معرفی در این بخش، به آدرس مجله «رشد آموزش جغرافیا» ارسال نمایند.

● برگزاری دوره آموزش دبیران جغرافیا در استان چهارمحال و بختیاری

در دی ماه سال ۱۳۸۰، در استان چهارمحال و بختیاری یک دوره آموزش دبیران جغرافیا برگزار شد. همکار گرامی آقای شهرام امیدوار، گزارش مشروحی در این مورد به دفتر مجله فرستاده اند که با اندکی تغییر، برای اطلاع خوانندگان مجله تقدیم می گردد.

برای ارتقای سطح کیفی معلومات دبیران جغرافیا و نیز آشنایی آنان با مطالب جدید و در نتیجه، انتقال این مطالب به دانش آموزان، به همت «گروه آموزشی جغرافیای متوسطه استان چهارمحال و بختیاری»، یک دوره آموزشی به مدت ۲۰ ساعت، از اول تا بیست و یکم دی ماه ۱۳۸۰ در محل پژوهشگاه معلم و ایستگاه

هواشناسی برگزار شد. طی این دوره، ۷۰ نفر از دبیران جغرافیای مقطع متوسطه، آموزش های لازم را فرا گرفتند. مدرسان این دوره عبارت بودند از: آقایان دکتر رامشت، استاد دانشگاه اصفهان، مهندس مهرداد قطره سامانی، رئیس سازمان هواشناسی استان و پرویز سوران، سرگروه آموزشی تکنولوژی استان بودند. لایه های مختلف لیتوسفر، حرکات پوسته زمین، کنوکسیون و آنومالی درون زمین، شکل زایی زمین، تئوری های مربوط به تکتونیک، افیولیت و آمیزه رنگی، زون سنندج - سیرجان، ایزوستازی انواع صفحات و حرکات آنها، کافت و ریفت، دریاها ی قدیم و جدید تیتس، گسل زاگرس، فرو رانش صفحه عربستان به زیر صفحه ایران، نحوه پدایش کوه های زاگرس، خط آتشفشان پشت گسل زاگرس، هارتلندی های فرهنگی و خصوصیات آنها، تغییر قدرت اقتصادی به قدرت فرهنگی، نحوه باروری ابرها، امکان سنجی باروری ابرها، سابقه تاریخی بارش مصنوعی، نحوه تشکیل ابر، اثرات هسته های تراکم بر محیط زیست، سیستم های مناسب بارندگی در استان،

چگونگی کاربرد وسایل و مواد آموزشی در جغرافیا و الگوهای مختلف تدریس، از جمله مباحثی بودند که در جلسات متعدد دوره آموزشی مذکور مطرح شدند. از ویژگی های این دوره، حضور شرکت کنندگان در محل ایستگاه هواشناسی شهرکرد و آشنایی با دستگاه های موجود در آن بود؛ به طوری که دبیران با عملکرد وسایل موجود در ایستگاه هواشناسی، استفاده از تصویرهای ماهواره ای، نحوه پیش بینی وضعیت هوا و نحوه مخابره اطلاعات بین ایستگاه های هواشناسی، کاملاً آشنا شدند. از دیگر ویژگی های این دوره، حضور اکثر دبیران جغرافیای مقطع متوسطه استان بود.

● گزارش فعالیت هسته علمی جغرافیا در استان کردستان

سرگروه محترم جغرافیای استان کردستان طی نامه ای، خلاصه عملکرد علمی گروه جغرافیای استان کردستان را در سال ۱۳۸۰ برای ما ارسال داشته اند. در این گزارش آمده است:

۱. تنظیم فرم ارزش یابی از فعالیت های

- علمی- آموزشی، گروه‌های جغرافیایی شهرستان‌ها، مناطق و نواحی آموزشی استان.
۱۸. شرکت در جلسات گروه آموزش جغرافیای نواحی ۱ و ۲ سمنج و تهیه گزارش از نظرات و دیدگاه‌های دبیران و انعکاس آن به مسئولان.
۱۹. نقد و بررسی کتاب‌های جغرافیای ۱ و ۲ و ارسال خلاصه آن به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
- هم‌چنین، آدرس پست الکترونیکی (email) «انجمن معلمان جغرافیای کردستان» را برای تبادل نظر با همکاران و علاقه‌مندان، بدین شرح اعلام کرده‌اند: geography teachers-ku-so@yahoo.com
- با آرزوی موفقیت برای همکاران گروه آموزشی جغرافیا در استان کردستان.
- فعالیت‌های گروه آموزشی استان هرمزگان**
- همکار گرامی مجله در استان هرمزگان، سرکار خانم پورطریق طی نامه‌ای، خلاصه عملکرد سه ماهه اول سال تحصیلی ۸۱-۸۰، گروه آموزشی جغرافیا را طی چند جدول، برای بخش خیر مجله ارسال کردند. این فعالیت‌ها عبارتند از:
۱. بازدید از مدارس سطح شهر، ۹ مورد.
۲. نقد و بررسی کتاب‌های جغرافیا و ارسال نتیجه آن به دبیرخانه جغرافیا.
۳. کسب اخبار جدید از اینترنت و ترجمه مطالب تهیه شده و ارسال آن، به مناطق مختلف برای استفاده همکاران.
۴. گردهمایی سرگروه‌های نواحی مختلف.
۵. تهیه فیلم از دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان.
۶. تهیه مقالات آموزشی، ۱۲ مورد.
۷. بررسی مقالات رسیده.
۸. تهیه سؤالات مسابقه علمی دانش‌آموزان.
۹. پاسخ به سؤالات همکاران.
۱۰. تهیه جزوه‌های ارزش‌یابی.
۱۱. تعیین منابع مسابقات علمی دبیران جغرافیا و ارسال آن به مناطق مختلف.
- حیطه شناختی و ارسال آن به دبیرخانه جغرافیا.
۱۰. فراخوان جشنواره ساخت مواد و وسایل آموزشی جغرافیا در سطح استان و ارسال مدل‌های انتخابی به دبیرخانه جغرافیا. (مدل‌های فوق عبارتند از: ۱. «حس ایران»، کار خانم زهرا بورکه؛ ۲. مدل چوبی-الکتریکی کره زمین، کار آقای رضاعلی سلیمی؛ ۳. نرم افزار نمایش سه بعدی حوضه آبریز، کار آقای عبدالله نصرتی.
۱۱. برگزاری نمایشگاه دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان در دبیرستان‌های دخترانه «سیدقطب» و «شاهد» (پسرانه) ناحیه ۲ سمنج، و هم‌چنین دبیرستان نمونه دولتی «فرهنگ» ناحیه ۱ سمنج و شهرستان بانه.
۱۲. همکاری با انجمن معلمان جغرافیا (کردستان) در خصوص اطلاع‌رسانی و برگزاری مجمع عمومی و ...
۱۳. برگزاری بازدیدهای علمی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه از «ایستگاه هواشناسی سمنج- غار قوری قلعه» در استان کرمانشاه (شهرستان پاوه) و مجموعه آثار تاریخی و چشم‌اندازهای طبیعی پیرامون تحت سلیمان و غار کرفتو و ...
۱۴. برگزاری گردهمایی یک روزه دبیران جغرافیای استان در تاریخ ۲۰ آبان ۸۰ و بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل آموزشی جغرافیا.
۱۵. تهیه فهرست فیلم‌های آموزشی (جدید) جغرافیا، موجود در آرشیو گروه‌های آموزشی استان و ارسال آن به شهرستان‌ها، مناطق و نواحی آموزش و پرورش استان.
۱۶. انتشار مستمر نشریه «سیروان» (حاوی نکات آموزشی و مقالات علمی دبیران جغرافیای استان).
۱۷. تهیه پیش‌نویس کتاب جغرافیای کردستان اردلان و نیز کتاب جاذبه‌های گردشگری استان کردستان، توسط اعضای گروه جغرافیای استان کردستان.
۲. فراخوان مقاله در دو سطح (دبیران و دانش‌آموزان) که بهترین مقالات دریافت شده، یا در نشریه «سیروان» به چاپ رسید و یا به دبیرخانه جغرافیا برای چاپ در نشریه «پدیده» ارسال شد.
۳. بررسی فعالیت‌های گروه‌های آموزشی جغرافیای شهرستان‌ها، مناطق و نواحی آموزشی استان در سال تحصیلی ۷۹-۸۰، و رتبه‌بندی و انتخاب رتبه‌های اول تا سوم که از طرف رؤسای ادارات مورد تشویق قرار گرفتند.
۴. تهیه فهرست جدیدترین نقشه‌ها و منابع جغرافیایی از مؤسسات کارتوگرافی «گیتاشناسی و سحاب» و ارسال آن به شهرستان‌ها، مناطق و نواحی آموزشی، جهت تهیه.
۵. تهیه شیوه‌نامه نحوه خرید تصاویرهای ماهواره‌ای، عکس‌های هوایی و نقشه‌های توپوگرافی، و ارسال آن به گروه‌های جغرافیا در سطح استان.
۶. بازدید از گروه‌های آموزشی شهرستان‌ها و هم‌چنین کلاس‌های درس دبیران و تکمیل فرم «هم‌اندیشی با دبیران» (بررسی مسائل و مشکلات آموزشی و نیز خلاقیت‌ها و ابتکارات همکاران) و انعکاس نظرات آنان به مسئولان آموزش و پرورش استان، دفتر تألیف و دبیرخانه جغرافیا، برای اطلاع و اقدام.
۷. طرح سؤالات جغرافیا، برای برگزاری مرحله اول و دوم طرح آماده‌سازی کنکور و نیز برگزاری مسابقه علمی بین دانش‌آموزان مدارس خاص و مدارس شبانه‌روزی.
۸. استخراج مقالات علمی جدید از اینترنت و ارسال آن به شهرستان‌ها و مناطق و نواحی آموزشی استان، جهت استفاده دبیران.
۹. طرح نمونه سؤالات در سطوح بالای

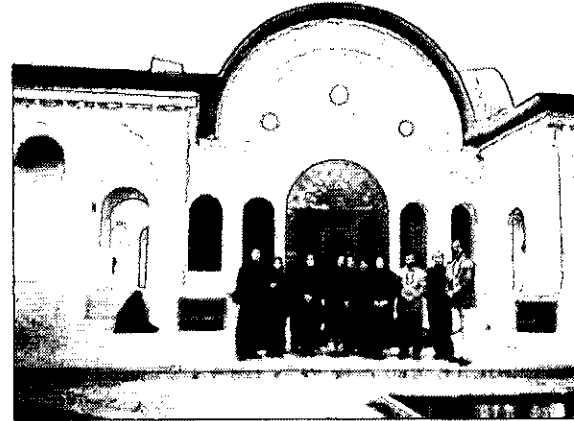
۱۲. شرکت در جلسات نواحی مختلف.

در پایان نیز اشاره داشته‌اند که کمبود وسایل آموزشی در خصوص آموزش‌های جغرافیا، افزایش تقاضای دانش‌آموزان برای اجرای بازدیدهای میدانی، اشتغال دبیران غیرمتخصص به کار آموزش جغرافیا و کمبود منابع علمی مطالعاتی در زمینه جغرافیا، از جمله مشکلات این گروه آموزشی است. مجله «رشد آموزش جغرافیا»، ضمن آرزوی توفیق برای همه همکاران جغرافیا در این استان، امیدوار است از طریق مقالات علمی بیشتر، مشکل منابع علمی همکاران را تا حدودی رفع نمایند.

● بازدید علمی گروه

جغرافیای منطقه یک تهران از کاشان، ایبانه و نطنز

دو تن از همکاران پرتلاش گروه جغرافیا در منطقه یک آموزش و پرورش تهران،



سرکار خانم دکتر خدیجه همای صالحی و سرکار خانم فرحناز عطوفی، به اتفاق جمعی از دبیران جغرافیای شهر تهران، در اوایل اسفند سال ۸۰ بازدیدی از شهرهای کاشان، ایبانه و نطنز داشتند. گزارش مصور بازدید را از زبان این همکاران تقدیم می‌کنیم:

جغرافیا، رأس ساعت ۸/۳۰ صبح با حرکت گروه اعزامی به سمت کاشان از «پژوهشگاه معلم» منطقه یک آغاز شد. اولین مکان مورد بازدید «دریاچه نمک قم»، در جاده تهران - قم بود که ساعت ۱۳/۳۰، گروه پس از صرف نهار، در «خانه معلم کاشان» مستقر گردید و از ساعت ۱۴/۳۰، بازدید اعضای



گروه اعزامی از بافت شهری کاشان و ابنیه تاریخی آن، با بازدید خانه طباطبائی آغاز شد. بنای فوق دارای سرداب بیرونی، اندرونی، پنج دری‌های متعدد و ارسی و مربوط به سال ۱۲۵۴ هـ. ق است.

پس از آن، خانه عباسی‌ها مورد بازدید قرار گرفت که در ورودی دارای اصطبل قدیمی و سپس حیاط‌های متعدد، سرداب، حوض خانه و اتاق‌ها و پنج دری‌های متعدد با سبک خاص معماری دوره قاجاریه، از شکوه و جلال معماری آن دوره حکایت داشت. سقف یکی از اتاق‌ها که ماه و ستارگان آسمان را نشان می‌داد، مزین به آینه کاری بود و جلوه زیبایی به این اتاق می‌بخشید.

سپس «حمام سلطان امیر احمد» مورد بازدید قرار گرفت که از پشت بام زیبای آن، منظره زیبایی از خانه بروردی‌ها به چشم می‌خورد و بادگیرهای خانه‌های مجاور مشخص بود. بعد از «حمام فین کاشان» و «باغ فین» با سیستم بدیع آبرسانی آن دیدن کردیم و در مورزه فین کاشان، توضیحات

راهنمای مستقر در این مکان بر دانسته‌های همکاران افزود.

پس از آن از «مسجد آقابزرگ»، بنای دیدنی آن و حجره‌های روحانیون مجاور در آن بازدید شد و در انتهای روز، تپه سیلک که از آثار تاریخی مربوط به هفت هزار سال پیش بود، مورد بازدید همکاران قرار گرفت. در

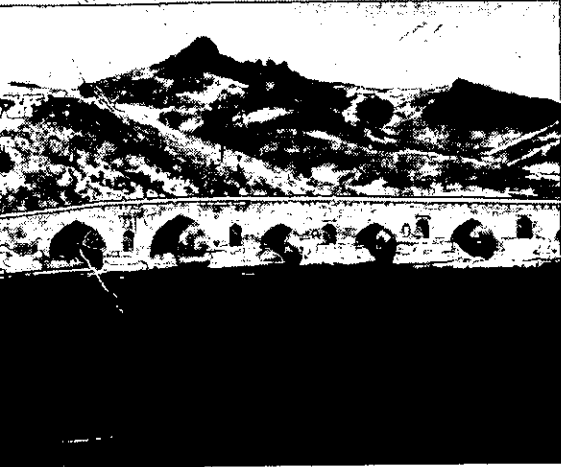
طول روز، آقای عرب، اعزامی از گروه جغرافیای کاشان همراه و راهنمای ضمن همراهی همکاران، توضیحات مبسوطی در هر قسمت در اختیار دبیران جغرافیا قرار می‌دادند.

روز چهارم اسفندماه، ساعت ۷/۳۰ صبح گروه به سمت «ایبانه» حرکت کرد و در طول جاده «کاشان - نطنز»

مناظر بدیع منطقه، بارها توجه همکاران را جلب کرد. بررسی میدانی رسوبات تبخیری دوران سوم در جاده «نطنز - ایبانه»، جمع‌آوری فسیل باز و پایان رسوبات سنگ آهک، شیل، آندزیتی و طاق دیس‌های موجود در منطقه، از جمله جاذبه‌های زمین‌شناسی بودند که مورد بازدید همکاران واقع شدند.

ساعت ۱۱، گروه پس از رسیدن به ایبانه، از استخر پرورش ماهی که با هدف اشتغال‌زایی ایجاد شده است، بازدید به عمل آورد و سپس بافت شهری منطقه را مورد بررسی و مشاهده نزدیک قرار داد. ضمناً از طریق گفت‌وگو با ساکنان محلی که اغلب دارای میانگین سنی بالا بودند، اطلاعاتی در مورد بافت و شیوه سکونت، درآمد، سطح سواد فرهنگ و آداب و رسوم و اشتغال، و صنایع دستی موجود در ایبانه به دست آوردیم.

اغلب ساکنان ایبانه را افرادی تشکیل می‌دادند که در سن کهولت بودند و فرزندان تحصیل کرده داشتند، ولی فرزندانشان به

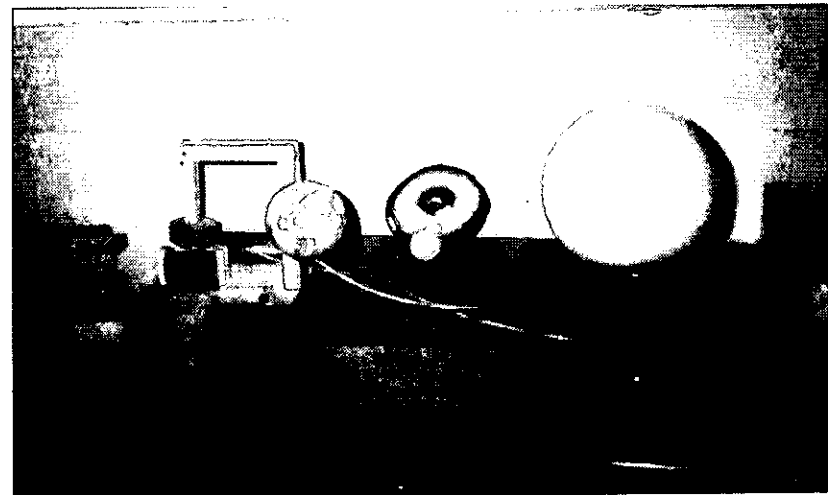


پس از ایبانه، گروه حرکت خود را به سمت نطنز آغاز کرد و در بین راه نطنز-ایبانه، از «کاروان سرای شاه عباس» بازدید به عمل آمد. پس از صرف نهار، گروه راهی نطنز شد. بافت شهری نطنز که بسیار قدیمی به نظر می‌رسید و مسجد جامع آن که مربوط به دوره سلجوقی بود، و سپس آب‌انبارها و بادگیرهای مربوط به این شهر که اغلب رو به ویرانی گذارده بودند، مورد توجه قرار گرفت. در ادامه، گروه ضمن حضور در یک کارگاه سرامیک و کاشی‌سازی مربوط به بیش از ۷۰ سال پیش، تنها نقش آفرینان و سرامیک‌سازان نسل قبلی کاشی و سرامیک نطنز آشنا شد و از چگونگی ساخت و پرداخت این محصول و کوره سفال‌گری آن مطلع شد.

دلیل فقدان درآمد و اشتغال، به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده بودند و اغلب خانه‌ها خالی بودند. جالب این بود که ساکنان اغلب تولیدات کشاورزی خود را به صورت مستقیم به ایران گردانی که از ایبانه بازدید می‌کردند، عرضه می‌داشتند و با رویی گشاده، پذیرای گردشگران ایبانه بودند.

زیارتگاه ایبانه و نخل‌های مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا نیز مورد بازدید همگان قرار گرفت. جالب توجه این که نمای اکثر خانه‌های ایبانه با نوعی خاک رس «سولفید آهن» بازسازی شده بود که چهره زیبایی به چشم انداز آن می‌داد. بافت شهری پلکانی بود و حالت متمرکز داشت. اغلب کوچه‌ها نیز دارای اختلاف ارتفاع بودند و تنگ به نظر می‌رسیدند.

عصر روز چهارم اسفند ماه، گروه از نطنز به سمت تهران بازگشت و همکاران، ضمن ابراز خرسندی از سفر آموزشی، خواستار تداوم سفرهای علمی به مناطق مختلف ایران شدند.



فرم اشتراک

رشد



آموزش جغرافیا

دفتر انتشارات کمک آموزشی

شرایط اشتراک:

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۵,۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار)، کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال رسید بانکی به همراه فرم تکمیل شده اشتراک.
۲. مبنای شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست می باشد.

✿ نام و نام خانوادگی:

✿ تاریخ تولد:

✿ میزان تحصیلات:

✿ تلفن:

✿ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

کوچه: پلاک: کد پستی:

✿ مبلغ واریز شده:

✿ شماره و تاریخ رسید بانکی:

✿ مجله درخواستی:

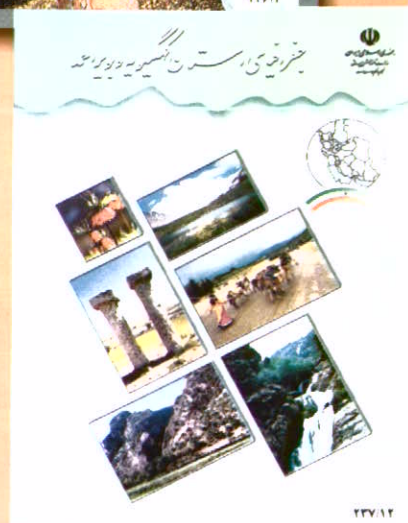
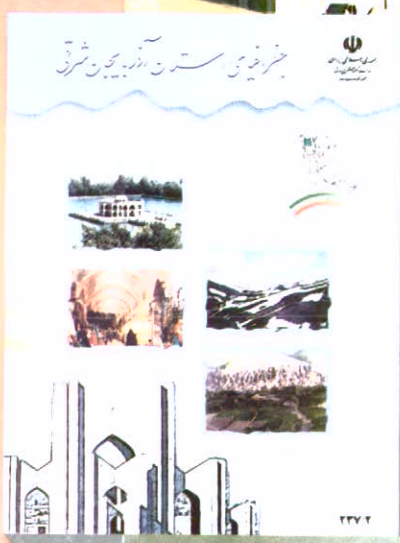
اهضاء

✿ نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱، امور مشترکین.

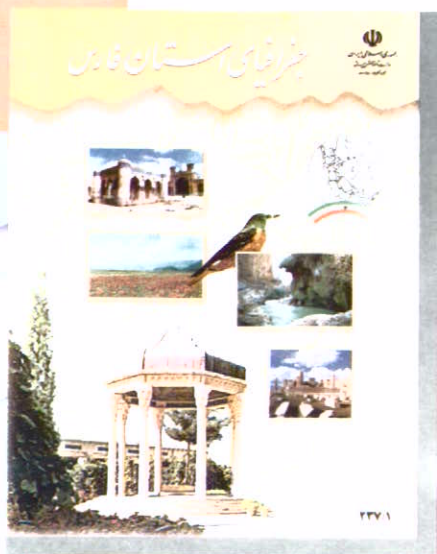
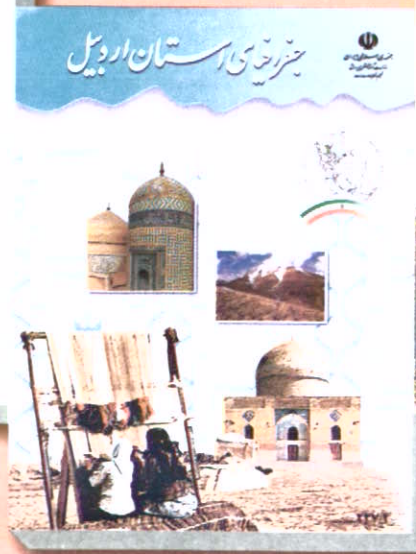
✿ تلفن: ۸۸۳۹۱۸۶

✿ مشخصات و نشانی خود را کامل و خوانا بنویسید. هزینه برگشت مجله در صورت کامل نبودن نشانی، به عهده مشترک است.

✿ ارسال اصل رسید بانکی ضروری است.



نمونه هایی از کتابهای
جدید التالیف جغرافیای
استانهای کشور





آیا مجله رشد آموزش جغرافیا را می خوانید؟

مجله رشد آموزش جغرافیا به منظور اعتلای دانش دبیران و دانشجویان رشته جغرافیا و سایر علاقه مندان منتشر می شود.

تلفن امور مشترکین: ۸۸۳۹۱۸۶



رشد
کتاب

آموزش جغرافیا

ISSN 1606-9137

۶۱

سال هفدهم
پیاپی ۲۰۰۰۰

توسعه جدید بر علم جغرافیا
کند نمکی «باغ بهزاد»
«مکریک سیتی» کلا شهرهای نا
مشکلات جغرافیایی بمبار
در حاشیه پنجمین کنفرانس
بین المللی ژئو-مرفولوژی

سرمقاله «مشارکت مؤثر شهروندی
در فرمینگ سازی رفتار و کردار معناس

رشد

آموزش جغرافیا

۲۰